

مبارزه برای آزادی
زندانیان سوسیالیست
ادامه می یابد صفحه ۵



کارگر

هفته نامه سوسیالیستی

تربیون آزاد مردم زحمتکش

سردبیر: بابک زهرانی

۱۰ مرداد ۱۳۵۸

شماره ۹

انقلابیون سوسیالیست از زندان اهواز نامزدی خود را برای انتخابات
مجلس خبرگان اعلام می دارند .

مبارزه انتخاباتی سوسیالیستی و کارگری در :

تهران ، آذربایجان ، گیلان ، اصفهان ، چهارمحال بختیاری و خوزستان صفحه ۳



کردستان:
چشم انداز
مبارزه برای آزادی ملی
صفحه ۱۰



لنین
بعنوان يك
سازماندهنده مبارزه انتخاباتی
صفحه ۱۸

به اعدام مبارزین عرب خاتمه دهید

شد، بابک زهرانی سردبیر نشریه "کارگر" شدیدا به این اعدامها اعتراض کرده و خواهان پایان یافتن کشتار مبارزین خلق عرب شد.

روز چهارشنبه سوم مرداد نیز دوبیانبه از طرف سازمان سیاسی خلق عرب در باره این اعدامها در روزنامه "بامداد بشر" زیر چاپ شد.

سازمان سیاسی خلق عرب ایران نیز با صدور اعلامیه ای به این اعدامها اعتراض کرده و از سازمان و گروه های مترقی برای اعتراض به این اعدامها و متوقف کردن کشتار مبارزین عرب استمداد کرده است.

شده است. در این روزنامه ها از اعدام شدگان بعنوان "گروه های تروریست عرب" که برای خود سختاری مبارزه می کنند یاد شده است. علیرغم اینکه تاکنون هیچ گروه سازمان خلق عرب مسئولیت پرتاب بمب به مسجد خرمشهر را بعهده نگرفته و شرکت در این بمب اندازی از طرف سازمان سیاسی خلق عرب شدیدا تکذیب شده است، تبلیغات دولت در این مورد ادامه دارد.

در یک مصاحبه مطبوعاتی که از طرف حزب کارگران سوسیالیست برای آزادی ۱۵ سوسیالیست دستگیر شده در اهواز برگزار

بعد نیز ادامه یافته و بنا به اعلامیه ای که در روز چهارشنبه سوم مرداد از طرف سازمان سیاسی خلق عرب در روزنامه "بامداد انتشار یافت، تعداد اعدام شدگان در عرض یک هفته به ۱۷ نفر رسیده است.

اخبار این اعدامها از طریق رسانه های جمعی تحت کنترل دولت بشدت تحریف میشود و برای سرپوش گذاشتن برای جنایات، اعدام شدگان "ضد انقلابی" تروریست و خرابکار معرفی شده اند. در نشریات امپریالیستی در خارج کشور نیز همین تبلیغات رژیم تهران در مورد این اعدامها منعکس

حمله هیئت حاکمه به مبارزه خلق عرب، با آغاز اعدام های فوری و بدون محاکمه برخی از رهبران و مبارزین عرب در چند روز گذشته، شدت بی سابقه ای بخود گرفته است.

در ۲۷ تیرماه ستاربان دادستان خوزستان، ۵ تن از مبارزین عرب را چند ساعت پس از دستگیری بجزم بمب اندازی به مسجد خرمشهر در روز قبل از آن، به جوخه اعدام سپرد. تاکنون هیچگونه مدرک و سندی برای اثبات اتهام در "دادگاه" سه ساعته که رأی به حکم اعدام مبارزین عرب داد، ارائه نشده است. این اعدامها، در روزهای

دست ارتش از کردستان کوتاه

بتصویب رسید، درخواست آزادی سه تن از پرسنل لشکر ۶۴ ارومیه شده است که در اثر مخالفت با دخالت ارتش دستگیر شده و قرار است محاکمه شوند.

اکنون خلق ستمدیده کردستان، بیش از پیش به همبستگی و حمایت همه کارگران و زحمتکشان ایران نیاز دارد. توده های مردم ایران هیچ منفعتی در برآوردن حاکم خون در کردستان به حمایت از ملاکین بزرگ و ایادی آنان ندارند. باید همه سازمان های مترقی و همه سازمان های کارگری صدای اعتراض خود را نسبت به دخالت ارتش در کردستان بلند کنند. بخش حقایق مربوط به مبارزه خلق کرد و خواست های آن، تشکیل جلسات و تظاهرات در همبستگی با مردم کردستان را حکیم بخشیم.

اشغال ستاد پاسداران میوان به دست سازمانهای کردستان افتاده، به روشنی همکاری نزدیک بین ایادی مسلح زمینداران بزرگ و دولت را برای سرکوبی مبارزه مردم کردستان نشان می دهد.

بدنبال تهاجم ارتش و سپاه پاسداران در میوان و دستگیری عده ای از اهالی میوان بعنوان "گروگان" و تخلیه شهر از سکنه آن، موج تظاهرات و اعتراضات سراسر کردستان را فرا گرفته است. برطبق گزارشات رسیده در بسیاری از این تظاهرات اعلام شده است که اگر دستگیرشدگان میوان در ظرف ۲۴ ساعت آزاد نشوند، راهپیمایی از تمام شهرهای کردستان بطرف میوان شروع خواهد شد.

از طرف دیگر مخالفت هایی نیز در بین پرسنل ارتش که برای سرکوبی سرآوردگان و خواهان کرد خود اعزام شده اند، گزارش شده است. در قطعنامه ای که در تظاهرات مردم بیرانشهر علیه مداخله ارتش در میوان

هیئت حاکمه برای تسهیل انجام نقشه های سرکوبی خود در کردستان دست به تحریف و سانسور شدیدا اخبار زده و مبارزین کرد را بعنوان "ضد انقلاب" یا "تجنیه طلب" معرفی می کند. لکن آنچه که واقعا هیئت حاکمه را وادار به لشکرکشی های بی پایه به کردستان می کند، وحشی است که سرمایه داران و زمینداران بزرگ و امپریالیستها از گسترش اجتماعی و جغرافیائی مبارزه ملی خلق کرد دارند. در چند هفته اخیر شوراها و دهقانی در بسیاری از روستاهای کردستان پا گرفته و دهقانان برای مقابله برای تصرف زمین های ملاکین بزرگ و مقاومت در مقابل ایادی مسلح آنان متشکل شده اند. تعمیق و توسعه این مبارزه و همچنین تأثیری که مبارزه خلق کرد ایران میتواند بر توده های محروم کرد در عراق و ترکیه داشته باشد، چیزی است که هیئت حاکمه ایران را بوحشت انداخته است.

بسیاری از مدارک و اسنادی که در طی

بدنبال حمله پاسداران به راهپیمایی مسالمت آمیز مردم میوان در ۲۳ تیرماه، هیئت حاکمه تبلیغات و حملات جدیدی علیه مبارزه خلق کرد را تدارک می بیند. اعزام پاسداران از نقاط مختلف ایران بطرف کردستان و فرستادن نیروهای نظامی جدید و تقویت پادگان های نظامی کردستان، همگی نشانه برنامه دولت سرمایه داران و زمینداران بزرگ برای بخون کشیدن مبارزه ملی خلق کرد است.

دخالت ارتش و پاسداران در وقایع سنج و نغد، به مردم کرد آموخته است که هیئت حاکمه کنونی چیزی بجز خون و سرب داغ در جواب خواست های بحق خلق کرد ندارد. تعجب آور نیست که در مقابل اعلام خیر مربوط به اعزام قوا به میوان، اهالی این شهر همه به کوه و بیابان پناه برده و شهر را خالی کرده اند. مردم کردستان نمونه ای از عملیات ارتش جمهوری اسلامی و تیمسارهای آن در سنج و نغد را بخاطر دارند.

تمام دستگیرشدگان میوان را آزاد کنید دست ارتش از کردستان کوتاه

کارگر هفته نامه سوسیالیستی

کارگر، تریبون آزاد مردم زحمتکش آدرس: تهران، صندوق پستی ۴۱/۳۵۸۶ سردبیر: بابک زهرانی

حسین تقوی، مهدی جوادی، مریم دانا، حمزه کاوسی، فرامرز کشاورز، حسن صبا، جواد صدیقی، آذر طبری، فرشته محبی، وحید ناصر، پروین نجفی، فرهاد نوری.

مقالات با امضا نظرات نویسندگان این مقالات است و لزوما نظرات کارگر را منعکس نمی کند. مقالات بدون امضا، بر برنامه مارکسیسم انقلابی استوار است.

حزب ما حزب شماست

هفته نامه سوسیالیستی کارگر صدای حزب کارگران سوسیالیست است. چنانچه با برنامه و عقایدی که در این روزنامه مطرح میشود، موافق هستید، جای شما در حزب کارگران سوسیالیست است.

در صورتیکه علاقمند به پیوستن به حزب کارگران سوسیالیست و یا کسب اطلاعات بیشتری در مورد این حزب هستید، فرم زیر را پر کرده، برای ما بفرستید و ما از طریق تلفن با ما تماس بگیریم.

آدرس: صندوق پستی ۴۱/۳۵۸۶، تهران، تلفن: ۹۲۷۹۲۷

نام _____
شغل _____
آدرس _____
تلفن _____

به حزب کارگران سوسیالیست بپیوندید

در این شماره:

- ۲ به اعدام مبارزین عرب خاتمه دهید
- ۲ دست ارتش از کردستان کوتاه
- ۳ انقلابیون سوسیالیست از زندان اهواز نامزدی خود را برای انتخابات مجلس کارگران اعلام می دارند
- ۴ کاندیداهای حزب کارگران سوسیالیست برای مجلس خبرگان
- ۴ ممانعت از فعالیت های انتخاباتی حزب کارگران سوسیالیست در اصفهان
- ۵ فعالیت دفاع از زندانیان سوسیالیست ادامه می یابد
- ۵ به شکنجه زندانیان سوسیالیست خاتمه دهید
- ۶ اعتراضات بین المللی به دستگیری سوسیالیست های ایران ادامه دارد
- ۷ کارگران مبارز سخن می گویند
- ۱۰ چشم انداز مبارزه برای آزادی ملی در کردستان
- ۱۴ بیانیه حزب کارگران سوسیالیست در باره پیروزی انقلاب در نیکاراگوئه
- ۱۴ تهاجم امپریالیست ها علیه انقلاب افغانستان
- ۱۵ رژیم چکسلواکی حمله به حقوق دموکراتیک را تشدید می کند
- ۱۶ سرمایه داری قربانیان نظام خود را جلوی جوخه آتش می فرستد
- ۱۶ علیه مجازات ظالمانه و غیر انسانی
- ۱۷ مبارزه برای پخش نشریه "کارگر" در تبریز
- ۱۷ طرح تقسیم بندی دریا: حمله جدیدی به حقوق زحمتکشان و زنان
- ۱۸ لنین بعنوان سازماندهنده مبارزات انتخاباتی
- ۲۱ نامه های رسیده
- ۲۱ سازمان سیاسی خلق عرب به اعدام مبارزین اعتراض کرد
- ۲۳ اعتراض وسیع مردم کردستان به مداخله ارتش و پاسداران در میوان
- ۲۴ شکنجه سیامک ابدالی و تخریب ستاد حزب کارگران سوسیالیست در اصفهان
- ۲۴ نامه سرگشاده به آیت الله طاهری

انقلابیون سوسیالیست از زندان اهواز نامزدی خود را برای انتخابات

مجلس خبرگان اعلام می‌دارند .

مبارزه انتخاباتی سوسیالیستی و کارگری در :

تهران ، آذربایجان ، گیلان ، اصفهان ، چهارمحال بختیاری و خوزستان

حزب کارگران سوسیالیست نامزد های خود را برای انتخابات مجلس خبرگان و رؤس برنامه خود برای شرکت در این انتخابات اعلام کرده است . حزب کارگران سوسیالیست از طریق شرکت در این انتخابات راه حسل طبقه کارگر برای حل مسائل اساسی جامعه را در مقابل برنامه احزاب طرفدار سرمایه داری قرار می‌دهد .

حزب کارگران سوسیالیست در حالیکه ۱۵ تن از اعضا و رهبران این حزب در اهواز زندانی هستند و در حالیکه سه تن از آنان نامزدی خود را برای شرکت در مجلس خبرگان اعلام داشته اند ، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی انقلابی و پایان شکنجه این زندانیان را در رأس تبلیغات انتخاباتی خود گذاشته است .

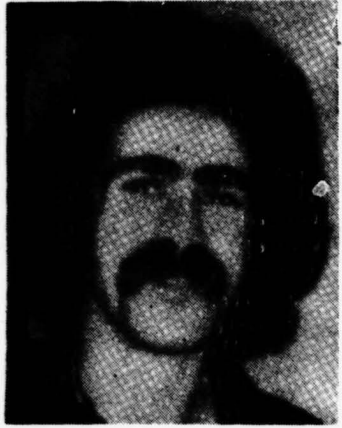
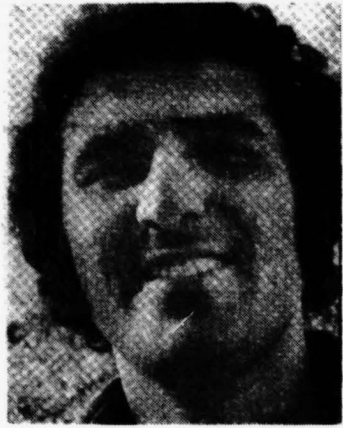
برنامه ای که حزب کارگران سوسیالیست در این انتخابات برای آن مبارزه می‌کند ، بر پایه مبارزه سیاسی طبقه کارگر و یاران آن در بین ملت های ستمدیده ، دهقانان ، زنان ، سربازان و جوانان و کمک به گسترش و هماهنگی این مبارزه بنا شده است . بدین منظور حزب کارگران سوسیالیست ادامه تبلیغ در باره لزوم تشکیل فوری مجلس مؤسسان یعنی مبارزه برای حاکمیت مردم را در این انتخابات در رأس برنامه خود قرار داده است و همراه با آن علیه محدودیت های ضد دموکراتیکی که در انتخابات مجلس خبرگان بر سر راه شرکت احزاب کارگری و سوسیالیستی وجود دارد مبارزه می‌کند .

نامزدهای انتخاباتی سوسیالیست اعلام کرده اند که مجلس خبرگان بنا به ماهیتش نمی‌تواند یک قانون اساسی انقلابی را تدوین کند . سوسیالیست ها برای انحلال مجلس خبرگان و تشکیل فوری مجلس مؤسسان آزاد و دموکراتیک مبارزه انتخاباتی خود را شروع کرده اند .

یکی از مهمترین هدف های این مبارزه انتخاباتی ، روشن کردن ماهیت طبقاتی برنامه ها و تهاجمات طبقه حاکم به حقوق کارگران و زحمتکشان ، ملت های ستمدیده و زنان خواهد بود . در مقابل با حلات سرمایه داری به حقوق کارگران و زحمتکشان نامزد های حزب کارگران سوسیالیست نیاز به شکل مستقل و استفاده از قدرت شورا های کارگری را برای مبارزه در راه کسب خواست های کارگران و حل مسائل و نیازهای فوری متحدین طبقه کارگر یعنی ملت های ستمدیده ، دهقانان ، زنان و سربازان را تبلیغ می‌کنند .

آزادی زندانیان سیاسی انقلابی و نفوس شکنجه

از طریق مبارزه انتخاباتی برای مجلس خبرگان ، حزب کارگران سوسیالیست مبارزه برای آزادی ۱۵ نفر از اعضا حزب را که نزدیک به دو ماه است در زندان بسر می‌برند گسترش خواهد داد . آزادی کلیه زندانیان سیاسی انقلابی ، لغو هرگونه شکنجه و مجازات شکنجه گران ، آزادی انتخابات ، حق شرکت کلیه احزاب سیاسی و لغو کلیه



سه تن انقلابیون سوسیالیست از زندان اهواز که کاندید نمایندگی در مجلس خبرگان شده اند . از راست به چپ : حمید شهباسی ، مهسا هاشمی و مصطفی گرگ زاده .

محدودیت های انتخاباتی از دیگر نکات برنامه سوسیالیستی و کارگری در این انتخابات خواهد بود .

خاتمه فئود امپریالیست ها

در مقابل ادامه اختفای قرارداد های نظامی که امپریالیسم آمریکا بر ایران تحمیل کرده ، سوسیالیست ها خواهان لغو کلیه این قرارداد ها ، اخراج کامل مستشاران نظامی آمریکا از ایران و ملی کردن کلیه دارائی های امپریالیست ها در بانک ها و صنایع بدون پرداخت غرامت و اعمال کنترل کارگری بر این دارائی ها هستند .

تضمین يك زندگی مره برای کارگران و زحمتکشان

سرمایه داران برای فائق آمدن بر بحران فعلی ، علا به تشدید تورم و بیکاری دست می‌زنند . در مقابل ، سوسیالیست ها تضمین يك زندگی مره برای کارگران و زحمتکشان و مبارزه علیه تورم و بیکاری را پیشنهاد می‌کنند . برای ارتقا سطح زندگی کارگران و زحمتکشان ۶۰ درصد اضافه حقوق برای کارگران و حداقل ۲۵۰۰ تومان دستمزد برای همه کارگران شهر و روستا و بالا رفتن دستمزدها متناسب با افزایش قیمت ها ضروری است .

از طریق کاهش ساعت کار و پائین آوردن آن به ۳۰ ساعت کار در هفته بدون کسر دستمزد ، و از طریق اجرای طرح های وسیع عام المنفعه در شهرها و روستاها ، میتوان به بیکاری خاتمه داد .

سرمایه داران با بستن کارخانجات و اعلام ورشکستگی اقدام به بستن کارخانجات می‌کنند . باید جلوی بسته شدن کارخانجات گرفته شود و حساب دخل و خرج سرمایه داران در جلوی چشم کارگران باز شود . کلیه این کارخانجات باید تحت کنترل کارگران ملی

اعلام شود . کلیه ویلاها و آپارتمان های خالی باید برای زندگی کارگران و زحمتکشان اختصاصی یابد . از طریق برنامه های سراسری دولتی باید مسکن ارزان قیمت و مناسب برای همه ایجاد گردد و اجاره آن بیش از ۱۰ درصد حقوق کارگران نباشد .

خدمات درمانی و بهداشتی ملی و مجانی باید در اختیار تمام ساکنین ایران قرار گیرد . کاندید های سوسیالیست خواهان لغو هرگونه مالیات بر کارگران و زحمتکشان هستند . مالیات غیر مستقیم بر قند و شکر و برنج و سایر مایحتاج زندگی توده های زحمتکش باید لغو گردد . باید برای درآمد های ثروتمندان سیستم مالیات درجه بندی شده ای که بشدت با افزایش درآمد زیاد می‌شود وضع گردد . باید هر کارگر و زحمتکش از حق بازنشستگی برخوردار باشد و کنترل حق بازنشستگی توسط بازنشسته شدگان در رابطه با سازمان های کنترل کارگران و کارکنان مؤسسات دولتی و خصوصی صورت گیرد .

سوسیالیست ها می‌خواهند تا نظام آموزش ر پرورش در دانشگاه ها و دبیرستان ها ، تحت کنترل معلمین ، دانشجویان ، دانش آموزان ، و کارگران غیر معلم این دانشگاه ها و دبیرستان ها توسط شورا هایی که اکثریت آن در دست دانشجویان و دانش آموزان است ، اداره شود .

سوسیالیست ها خواهان این هستند تا تمامی دفاتر حساب و کتاب صنایع و بانک ها باز شود تا همه مردم کارگر و زحمتکش از اسرار عملیات این بخش های اقتصادی که به زندگی همه آنها مربوط می‌شود باخبر شوند . باید کارگر و زحمتکش بداند بر سر ثروتی که تولید می‌کند چه می‌آید .

کاندید های سوسیالیست این عقیده را در میان مردم استعمار شده و ستمدیده تبلیغ می‌کنند که باید بخش های عمده صنعت از کنترل صاحبان خصوصی آنها با نمایندگان حکومت سرمایه داری خارج شوند و تحت کنترل

کارگران درآیند . لازم است تا تمامی بخش های عمده صنعت بدون پرداخت غرامتی ملی شوند .

در حال حاضر اقتصاد مملکت توسط سرمایه داران و زمینداران سرمایه دار ، و حکومت آنها - تحت لوای جمهوری اسلامی - و برای تضمین منافع غارتگرانه آنها اداره می‌شود . در حال حاضر مردم زحمتکش نیستند که تصمیم می‌گیرند که تولید کالا های مختلف به چه صورت و به چه میزانی باشند ، مردم زحمتکش نیستند که تصمیم می‌گیرند ثروت مملکت به چه صورت صرف پروژه های عمرانی ، شهرسازی ، خانه سازی ، و غیره شود ، به چه صورت صرف توسعه صنعت برای برآورد نیاز های مردم و افزایش رفاه آنها شود .

تمامی این تصمیم گیری ها در انحصار سرمایه داران و حکومت آنهاست و مردم از حق کوچکترین دخالت در امور اقتصادی برخوردار نیستند .

سوسیالیست ها خواهان این هستند که این وضع یکسره بنفع کارگران و زحمتکشان از سر تا پا دگرگون شود .

باید برنامه های اقتصادی توسط کارگران که در کنگره سراسری آنها اتخاذ می‌شود طرح ریزی و به اجرا درآورده شود . تنها از این طریق است که اقتصاد کشور در جهت منافع مردم محروم هدایت می‌شود و گسترش پیدا می‌کند .

همچنین لازم است تا تمامی تجارت خارجی در انحصار دولت باشد .

آزادی ملت های تحت ستم

در قبال تهاجمات مکرر هیئت حاکم به مبارزات خلق کرد ، خلق عرب ، سوسیالیستها خواهان کوتاه شدن دست ارتش و پاسداران اعزامی از مناطق زندگی این ملت ها ، پایان اعدام و حبس مبارزین عرب و کرد هستند .

حق تعیین سرنوشت برای خلق های ترك ، کرد ، بلوچ ، عرب و ترکمن باید به

رفع ستم از زنان ، آزادی زنان

زنان ، در مبارزه علیه استبداد پهلوی چشم انداز رفع قرن‌ها ستم ، و آزادی خود را دیدند . حکومت جمهوری اسلامی ، در عرض سعی می‌کند موقعیت اجتماعی درجه دوم زنان را مستحکم کند . سوسیالیست‌ها علیه حیلالت مکرر حکومت خمینی - بازرگان به حقوق زنان مبارزه می‌کنند . سوسیالیست‌ها خواهان حقوق کامل و مساوی برای زنان هستند .

تساوی دستمزد برای زن و مرد باید برقرار شود . زنان مطلقه باید از حق اولاد معادل با نصف حقوق برای هر طفل برخوردار باشند . باید مهد کودک های مجانی و ۲۴ ساعته در شهر و روستا برای مادران شاغل ایجاد گردد .

سوسیالیست‌ها مدافع حقوق سیاسی و مدنی کامل زنان ، حتی کنترل جسمانی زنان ، حق زنان در تصمیم گیری در مورد باردار شدن و بچه دار شدن (این امر حق زنان در استفاده از کورتاژ و استفاده از وسائل

اصلاحات ارضی

کاندید های سوسیالیست از مدافعین سرسخت روستائیان محروم کرد ، ترکمن ، هستند که زمین‌هایی را که حق متعلق به خودشان است ، از چنگ های زمینداران بزرگ بدر آورده اند . از این نظر هم ، کاندید های سوسیالیست در قطب مخالف کاندید های سرمایه داری هستند .

کاندید های سوسیالیست در همه جا مبارزه روستائیان محرومی را که خود ، علیرغم فشارهای عظیم حکومت سرمایه داری ، دست به اصلاحات ارضی زده اند ، تبلیغ خواهند کرد .

بعلاوه ، سوسیالیست‌ها از سایر حقوق روستائیان فقیر دفاع می‌کنند : از حق لغو کلیه قروض دهقانان ، از حق دریافت وام‌های ارزان ، دریافت بذر ، کود ، و ماشین آلات کشاورزی با شرایط آسان ، از حق دریافت آموزش‌های حرفه ای لازم برای خود و فرزندانشان .

جولوگیری از حاملگی را دربر می‌گیرد) هستند . دهقانی دفاع می‌کنند و خواستار تشکیل و گسترش هرچه بیشتر این شوراهای هستند .

حقوق سیاسی سربازان

برخلاف نظر تیسارها و مقامات حکومت سرمایه داری ، سوسیالیست‌ها خواستار حقوق کامل سیاسی و مدنی برای سربازان ، همافران و پرسنل نظامی هستند . باید سلسله مراتب ارتشی لغو شود و فرماندهان منتخب سربازان و پرسنل نظامی باشند و کلیه امور ارتشی توسط شوراهای آنها تصمیم گیری و اجرا شود . باید رکن ۲ منحل شود .

سیاست خارجی

سیاست خارجی حکومت فعلی بر پایه حفظ دیپلماسی مخفی و اعمال سیاست خارجی سرمایه داران و زمینداران بزرگ و سیاست حفظ ایران تحت استیلای جهان امپریالیسم استوار است . کاندید های سوسیالیست یکسره با چنین

سیاست خارجی که در همه جا از شوراهای ها خواستار سیاست خارجی باز و علنی ضد امپریالیستی ، و سیاست انترناسیونالیستی هستند . سیاست خارجی باید بر اساس شستن پرغ امپریالیسم و همبستگی با کلیه جنبش‌های آزاد پیدایش ملی و مبارزات طبقه کارگر جهان استوار باشد .

کاندید های سوسیالیست عقاید فسوق را که در برگزیده منافع توده ای استثمار شده و محروم ایرانی است تبلیغ کرده و از مبارزات مردم در جهت کسب این خواست‌ها دفاع می‌کنند .

برای کسب و تضمین این خواست‌ها لازم است تا به حکومت سرمایه داران و زمینداران سرمایه دار که اقلیت کوچکی از جامعه را تشکیل می‌دهند پایان داده شود و حکومت اکثریت ، یعنی جمهوری کارگران و کشاورزان در جامعه مستقر گردد . انقلاب کنونی در جهت استقرار این حکومت به پیش می‌رود و سوسیالیست‌ها برای ایجاد جمهوری کارگران و کشاورزان و برای ایجاد ایران سوسیالیست تبلیغ می‌کنند .

کاندیداهای حزب کارگران سوسیالیست برای مجلس خبرگان

خوزستان - حمید شهبازی ، مهسا هاشمی مهندس صمصغی گرگ زاده ، سه تن از رهبران حزب کارگران سوسیالیست در خوزستان که در زندان کارون برای نزدیک به دو ماه بدون هیچگونه مجوز و اتهام زندانی شده اند و تاکنون تحت شکنجه قرار گرفته اند ، بنمادگی از بخش های حزب کارگران سوسیالیست در خوزستان خود را بعنوان نامزد های انتخاباتی اعلام کرده اند . علی مزرعه ، کارگر فولاد در کارخانه فاسترویلر ، کاندیدای چهارم حزب کارگران سوسیالیست ، مبارزه انتخاباتی این سه کاندید زندانی را در خارج از زندان تبلیغ و ترویج خواهد کرد .

در شرایطی که نامزد های انتخاباتی احزاب سرمایه داری و روحانیت بر تمام محدودیت‌ها و ماهیت غیردموکراتیک مجلس خبرگان پیشنهادی دولت سرسروش گذاشته ، مبارزه انتخاباتی حزب کارگران سوسیالیست در استان خوزستان ، بسدور شعارهای مرکزی خاتمه دادن به شکنجه ، آزادی بدون قید و شرط فوری کلیه زندانیان انقلابی ، سوسیالیست‌ها ، کارگران صنعت نفت ، مبارزین خلق عرب ، خاتمه دادن به کشتار مردم بیگناه عرب ، مبارزه برای خواست‌های اساسی توده عظیم مردم کارگر و زحمتکش در این منطقه صنعتی کشور ، متمرکز خواهد شد .

سوسیالیست‌های زندانی خواستار ثبت نام برای نامزدی انتخابات مجلس خبرگان گشته اند . اما آقای ستاریان ، دادستان اهواز ، شناسنامه های این مبارزین انقلابی

را از آنان غصب نموده و این حق کاملاً دموکراتیک را از آنان سلب کرده است . مقامات کمیته و دادستانی اهواز کسبه کوچکترین اتهامی علیه این مبارزین سوسیالیست نمی‌توانند دست و پا کنند و تاکنون در دفعات متعدد ضرب و کتک زندان این زندانیان را دستور داده اند ، از بخش **اصفهان** - در اصفهان ، حزب کارگران سوسیالیست شهره امین ، عضو هیئت اجرایی حزب که نزدیک به یک دهه مبارزه در تبعید را تا به امروز پشت سر گذاشته است ، و دو مبارز انقلابی سوسیالیست ، نوربک آقازاریان ، سرباز وظیفه و نورالله فرزاد ، کارگر نساجی کاندید اعلام میدارد . این انقلابیون ، مبارزه علیه بسیج نیروهای دست راستی و چاقوکشان حرفه ای اصفهان را در صدر مبارزات انتخاباتی خود قرار داده اند .

شهرکرد - در شهرکرد ، حزب کارگران سوسیالیست رمضان صادقی را بعنوان کاندیدای برای استان چهارمحال و بختیاری اعلام کرده است .

مبارزه انتخاباتی حزب کارگران سوسیالیست ، مبارزه ای است علیه مجلس محدود و غیر دموکراتیک فعلی و برای تشکیل مجلس مؤسسان اصیل ، آزاد و مستقل .

مبارزه انتخاباتی حزب کارگران سوسیالیست ، مبارزه است برای آزادی انتخابات .

حزب کارگران سوسیالیست تمام هم خود را در این مبارزه انتخاباتی برای بسیج جنبش های توده ای بکار خواهد برد . این

مبارزه انتخاباتی مبارزه ای است برای حقوق زنان ، دهقانان ، ملیت های تحت ستم ، سربازان و جوانان حزب کارگران سوسیالیست برنامه ، و راه حل های کارگران و بسیج و تشکل هر چه بیشتر مبارزات طبقه کارگر ایران را تبلیغ خواهد کرد . کاندیداهای حزب کارگران سوسیالیست به توده مردم اعلام میدارند که هیچ اطمینانی به کاندیداهای احزاب سرمایه داری و روحانیت نداشته باشید . بهتر است که انسان برای آنچه می‌خواهد رای بدهد و آنرا بدست نیآورد ، تا اینکه به نمایندگان سرمایه داری ایران که نمی‌خواهد رای دهد و آنرا بدست آورد . کارگران و زحمتکشان ، به نمایندگان هم طبقه خود ، به کاندیداهای حزب کارگران سوسیالیست رای دهید . حزب کارگران سوسیالیست مواضع خود را در باره کاندیداهای سازمان فدائیان و حزب توده ، ایران در اعلامیه بعدی اعلام خواهد کرد .

حقایق زندان ، شکنجه مبارزین و انقلابیون بخاطر نظریاتشان هراس دارند .

تهران - در تهران ، حزب کارگران سوسیالیست ، کاندیداهای انتخاباتی خود را بشرح زیر اعلام می‌دارد .

بابک زهرائی - هزیر خسروی - محمد رضا امیر اصلانی - صدیقه نبوی - سمین محمد دولیخانی ، عباد ، محمودیان ، در اعلامیه این کاندیداهای حزب ، ماکان حزب کارگران سوسیالیست به ماهیت غیر دموکراتیک مجلس خبرگان اعتراض کرده ، خواستار لغو کلیه محدودیت های مربوط به

کاندید های سوسیالیست را در انتخابات مجلس خبرگان گرفته اند .

گروه اوباش مسلح به سلاح های گرم و سرد آزادانه و خود سرانه بداخل ستاد حزب در اصفهان رفت و آمد نموده مانع مراجعت اعضا و کاندید های حزب بدین محل میشوند و بدین ترتیب فعالیت انتخاباتی حزب را در اصفهان فلج نموده اند . مراجعات و شکایات مکرر به مقامات کمیته امام ، زاندرمری ، کلاتسری و شخص آیت الله طاهری ، نماینده امام خمینی در اصفهان ، برای رسیدگی به این موضوع و تضمین شرکت آزادانه کاندید های سوسیالیست در انتخابات قریب الوقوع مجلس خبرگان گالبا بدون نتیجه مانده است . بدین ترتیب دولت و مقامات کمیته علیرغم تمام وعده

ممانعت از فعالیت های انتخاباتی حزب کارگران سوسیالیست در اصفهان

در بی اعلان کاندید های حزب کارگران سوسیالیست از اصفهان برای شرکت در انتخابات مجلس خبرگان ، حملات مکرر ، ضرب و جرح و شکنجه برای خاموش کردن صدای حزب کارگران سوسیالیست در اصفهان ابعاد وسیعی یافته است . این حملات که عمدتاً علیه فروشندگان نشریه کارگر ، اعضا سبز و کاندید های انتخاباتی حزب ، خانم شهره امین ، آقایان نوربک آقازاریان و نورالله فرزاد ، از اصفهان صورت میگیرد توسط یک گروه دست راستی سازمان یافته مرکب از ۵۰ تا ۶۰ نفر از اوباش شناخته شده شهر انجام

میگیرد و تاکنون منجر به جراحت اعضا و ممانعت از فعالیتهای انتخاباتی حزب در اصفهان گردیده است .

در بی ربودن و شکنجه سیامک ابدالی توسط این اوباش در روز چهارشنبه ۲۷ تیر ماه و متعاقب حمله این گروه در شب ۲۸ تیر ماه بمركز فعالیتهای انتخاباتی حزب واقع در کوی سجاده در فرج آباد اصفهان ، گسره اوباش سازمان یافته اکنون با در محاصره نگهداشتن مرکز حزب و جلوگیری از رفت و آمد اعضا و کاندید های انتخاباتی حزب بدین مرکز عملاً جلوی فعالیت و شرکت

سن ، عقیده و خدمت در نیروهای نظامی است . دو تن از رهبران حزب کارگران سوسیالیست ، بابک زهرائی و هزیر خسروی ، که دو هفته پیش از زندان اهواز آزاد گردیده است . دو تن از کارگران مبارز ، محمد رضا اصلانی و سمین محمد دولیخانی ، کارگر فلز کار و کارگر کارخانه قرقه زبیا ، صدیقه نبوی ، کارمند مبارزی که برای آزادی بیان در سازمان گوشت کشور پیشقدم گشته است ، و دکترعباد محمودیان که دوران مبارزه دراز مدت از تبعید تا امروز را پشت سر گذاشته است ، از همه منابع در قدرت حزب برای ارائه راه حل های کارگری سوسیالیستی و پیشنهاد قانون اساسی انقلابی استفاده خواهند کرد .

آذربایجان - در تبریز حزب کارگران سوسیالیست ، محمود صیرفی زاده را که پس از ۲۵ سال تبعید قبل از قیام بهمن ماه به ایران بازگشت و از رهبران حزب کارگران سوسیالیست است ، کاندید اعلام میکند . پسر محمود صیرفی زاده ، اشرف منصوبیوند ، از رهبران حزب کارگران سوسیالیست در تبریز نامزدی خود را برای مجلس خبرگان اعلام می‌دارد .

گیلان - در گیلان ، حزب کارگران سوسیالیست ، هوشنگ سپهری ، برادر چهار شهید فدائی را که از رهبران حزب در گیلان است ، بعنوان کاندید اعلام می‌دارد . جلیل وطن دوست کارگر مبارز از بندر انزلی ، کاندیدای دوم حزب از استان گیلان است .

و بعد هائیکه راجع به رعایت اصل آزادی و دموکراسی در انتخابات مجلس خبرگان به ملت ایران داده اند ، علاج هیچ اقدامی برای تضمین آزادی فعالیت انتخاباتی حزب کارگران سوسیالیست در اصفهان نکرده اند و حق خدشه ناپذیر کاندید های حزب و مردم اصفهان را برای دستیابی به راه حل های سوسیالیستی برای حل مشکلات فعلی مملکت لگد مال میکنند .

حزب کارگران سوسیالیست و کاندید های انتخاباتی آن بدینوسیله یکبار دیگر از دولت آقای بازرگان میخواند تا در تأمین آزادی کاندید های این حزب در انتخابات مجلس خبرگان بدین درنگ اقدام نماید .

دائرة دفاع حزب کارگران سوسیالیست

نجوم تشکیل کمیسیون بین‌المللی تحقیق برای رسیدگی به شکنجه زندانیان سوسیالیست

مریم دانا

شکنجه‌گذاشت بازپرسی‌هاست. چون هر دفعه آدم با یک برجسب جدیدی روبرو میشد بعد پاسدارها این برجسب‌ها را تکسارار می‌کردند. خود آقای ستاریان تا ساعت چهار صبح از من و رفیق محمد پورکهاوز بازپرسی می‌کرد. ستاریان می‌گفت: "از نظر ما شما محکوم هستید. همین کافی است. در دادگاه های ما وکیل وجود ندارد. من می‌گویم محکوم هستید همین کافی است. در نتیجه جرمست تیرباران است." اینها مرتباً تکرار می‌کرد. و بعد می‌گفت بنشین ۲۰ صفحه بنویس، یک صفحه کمتر بنویسی قبول نیست، رقابت را لو بده، اسم و آدرس همه آنها را، آنها را لو بده تا در حالت ارفاقی باشد. در اوایل ستاریان ۲۰ صفحه اسم و آدرس میخواست تا این اواخر که می‌گفت باید ندامت نامه بنویسید. این بازپرسی‌ها نشان می‌داد که هیچ اتهامی علیه ما ندارند و فقط پاپوش - دوزی می‌کنند."

شکنجه زندانیان سیاسی انقلابی باید خاتمه یابد

پس از سخنان امید میربها، بابک زهرانی سردبیر هفته نامه سوسیالیستی کارگر سخنانی به این شرح ایراد کرد: "این جنایاتی که در مورد مبارزین خلق عرب صورت گرفته است، در مورد اعضا حزب کارگران سوسیالیست و بردن آنان به اطاق شکنجه صورت گرفته بسیار خوفناک است. این جنایاتی که آقای ستاریان ۳ روز پیش با اعدام ۵ تن از مبارزین خلق عرب، که یکی از آنان از رهبران کانون فرهنگی خلق عرب بوده، و آنها را سه ساعت پس از دستگیری اعدام کرده است، دقیقاً همان جنایاتی است که تهرانی‌ها علیه بیژن جزینی انجام دادند."

برایت قبرستان بزرگی درست می‌کنیم." شی که به زندان رسیدیم ساعت ۱۱/۳۰ شب بود. یک نفر بقول خودشان فرار کرده بود. بلند شدیم نگاه کنیم. بخیس از ما چندین نفر عرب و یک کارگر شرکت نفت و "سید شعاع" یکی از رهبران خلق عرب در زندان بودند. از پنجره نگاه کردیم دیدیم یک نفر از سرپرست های کمیته با دست خونین بیرون آمد. نگاه به دست های خود می‌کرد و به رئیس زندان می‌گفت "در راه خدا اینکار را کردم" توجیهی که بعداً پاسداران می‌دادند این بود که این زندانی می‌خواست فرار کند ولی ما موفق شدیم دستگیرش کنیم. بعد از آن صحنه مسا همه اش فکر می‌کردیم حالا نوبت ماست. تمام شب صدای بیج از پشت در بگوش می‌رسید. مدتی بعد ۳۳ عرب را به بند ما آوردند. در روزنامه دیدیم جرم آنها را نوشته اند که می‌خواستند به عراق بروند و تعلیمات چریکی ببینند و بعد اسلحه به ایران بیاورند. اما اینها همه کارگر بودند. سن بعضی از آنها از ۱۳ تجاوز نمی‌کرد. در روزنامه حرفی از شکنجه آنها نبود. اما لازم است بگویم که پای بچه سیزده ساله را با شلنگ کبود کرد بودند. به گفته خودشان هشت روز به اینها نشان و تخم مرغ می‌دادند و جلوی آنها چلوسم‌رغ می‌خوردند. پاهای آنها را باز نگه داشته نقیض می‌کردند و بعد با لگد آنها را بسرت می‌کردند روی زمین و دقیقه ای یکبار آنها را می‌بردند بیرون تنگ می‌زدند و برمیگرداندند. بچه های سیزده ساله مرتب خون دماغ می‌شدند. صدای تیر هم مرتب شنیده می‌شد. خودشان توجیه می‌کردند که حمله شده است. جو حاکم ایجاد ترور و ترس و وحشت در دل زندانیان بود. "جنبه دیگری که اسمش را می‌توان

رسمیت نمی‌شناسیم. فشار آقای ستاریان بر روی رفقای ما برای اینست که آنان را وادار به امضای ندامت نامه کند. در خارج از زندان می‌گویند بقید ضمانت و ۳۰ هزار تومان وثیقه آنها را آزاد خواهند کرد. ولی در داخل زندان ندامت نامه شرط اول آزادی اسلام شده است. رفقای ما از امضای ندامت نامه خود داری کرده اند و در نامه خود نوشته اند که از اینطریق آقای ستاریان می‌خواهد راه را برای تجاوز به حقوق سایر آزادخواهان هموار کند. ندامت نامه خودش ثابت می‌کند که هیچ اتهامی علیه سوسیالیست ها وجود ندارد. بعد از باصطلاح ۴۰ روز "بازپرسی" هنوز ستاریان هیچگونه پرونده اتهامی ارائه نداده است."

دروندان اهواز چه می‌گذرد

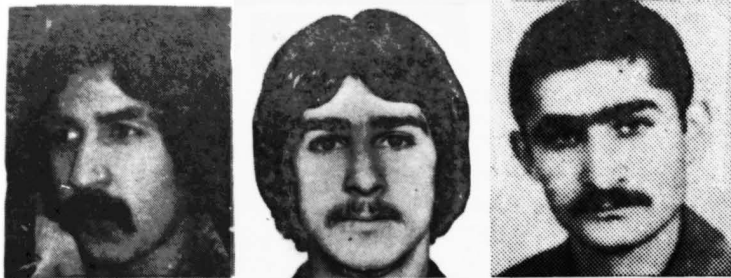
سپس امید میربها، به شرح اتفاقات و وقایعی را که در زندان شاهد آن بوده است پرداخت: "می‌خواهم یک قدری شرح بدهم که در کمیته و زندان چه حالتی موجود است. شب اولی که ما را به کمیته بردند بعد از نیم ساعتی که ما را چندین مرتبه تعقیب کردند، یک نفر وارد اطاق شد و بی‌مورد مشت به صورت من کوبید سپس لگدی به گیجگاهم وارد کرد که سرم بدیوار خورد. وقتی که برگشتم اینکار را تکرار کرد. و بعد ناسزا و فحش های رکبک شروع شد. اولین چیزی که بمن گفتند این بود که شما رفته بودید به عرب ها خبر دهید که ما داریم به آنها حمله می‌کنیم. تمام شب ناراحت بودیم از اینکه دوباره سروقتمان بپایند. همان شب ۵۰ الی ۶۰ زندانی را آوردند. و موقعی که می‌خواستیم به توالیت برویم شخصی با سلسل پشت سرمان می‌آمد و پس گردنی زده، می‌گفت توجیحی هستی."

در طی یک کنفرانس مطبوعاتی در روز ۲۷ تیرماه، رهبران حزب کارگران سوسیالیست لزوم تشکیل یک کمیسیون تحقیق بین‌المللی را برای رسیدگی به جریان شکنجه عسده ای از اعضا حزب کارگران سوسیالیست که در اهواز زندانی هستند، تأکید کردند. اکنون قریب به دو ماه است که ۱۵ تن از سوسیالیست ها، بدون اعلام هیچگونه اتهام رسمی بر علیه آنان در اهواز زندانی هستند و طبق آخرین خبرهای رسیده ۵ تن از آنان به سیاهچال زندان اهواز برده شده و تحت شکنجه قرار گرفته اند.

کنفرانس مطبوعاتی فوق با شرکت امید میربها، یکی از سوسیالیست های زندانی که به تازگی پس از ۴۰ روز آزاد شده است و همچنین بابک زهرانی و هرمز رحیمیان دو تن از رهبران حزب کارگران سوسیالیست تشکیل شده بود.

ابتدا هرمز رحیمیان در مورد وضع زندانیان سیاسی انقلابی چنین گفت: "آخرین خبری که از اهواز بدست ما رسیده از طریق نامه از داخل زندان، اینست که پنج نفر از چهارده نفر که در زندان کارون هستند به قسمت قرنطینه که در حقیقت یک سیاهچال است و سابقا اطاق شکنجه بوده است برده شده اند. این یک اتفاق جدی است زیرا تا آنجا که ما خبرداریم و به گفته خود پاسداران در این قسمت قرنطینه دو روز بیشتر نمیتوان طاقت آورد. اکنون بسیار ضروری است که این خبر هرچه سریعتر پخش شود تا اعتراضاتی که به اینکار می‌شود آقای ستاریان دادستان خوزستان را وادار کند این افراد را از اطاق شکنجه بیرون بیاورد. ولای دادگستری که برای رسیدگی به این مسئله به اهواز رفتند توسط آقای ستاریان پذیرفته نشدند و ستاریان گفته ما شما را به

به شکنجه زندانیان سوسیالیست خاتمه دهید



از راست به چپ: مصطفی سیف آبادی، مرضی گرگ زاده و هرمز فلاحی.

"اینجا بجز من مسئولی ندارد و تنها من هستم که دستور می‌دهم" نموده است. سایر زندانیان سوسیالیست در زندان کارون به نامهای فاطمه فلاحی، محمد پورکهاوز، مهسا هاشمی، محمود کفائی، کامبیز لاجوردی، کیانوش مهدوی، هادی ادیب مرادی و فیروز فرزین پور بعنوان اعتراض به انتقال همزمان خود به "سلول قرنطینه" در روز دوشنبه ۲۵ تیر دست به تحصن در محل حیاط زندان می‌زنند. مأمورین زندان با بیرحمانه ترین وجهی به این زندانیان حمله برده و آنها را بقصد کشتن مضروب می‌کنند. در این حمله "هوشنگ قلدر" شرکت داشته است. فاطمه فلاحی که پس از تحمل ۴۰ روز خونریزی داخلی چندی قبل به بیمارستان منتقل شده بود، طبق گزارشات رسیده، دوباره به زندان کارون برگردانده شده است و این در حالی است که خونریزی داخلی ایشان همچنان ادامه دارد. همچنین اطلاع حاصل شده است که در تاریخ دوشنبه ۲۵ تیرماه ۹ نفر از کارگران صنعت نفت که در آقاجاری مشغول فروش نشریه کار بوده اند دستگیر می‌شوند و به "سلول قرنطینه" زندان کارون برده می‌شوند. از نام و سرنوشت این افراد هنوز اطلاعی در دست نیست.

انتقال ۵ زندانی سوسیالیست به نامهای حمید شهرابی، مصطفی گرگ زاده، مرضی گرگ زاده، مصطفی سیف آبادی و هرمز فلاحی به "سلول قرنطینه" بمنظور انجام اعمال شکنجه جسمی و روحی بر روی این زندانیان انجام گرفته است. دلیل انتقال ۵ سوسیالیست به این سلول، به قرار گزارشات رسیده از زندان، مخالفت و امتناع سوسیالیستها از امضای ندامت نامه های است که از طرف دادستان اسلامی خوزستان، آقای ستاریان، به آنها ارائه شده است. با امضای این ندامت نامه ها زندانیان سوسیالیست موظف می‌شوند که "کلیه اتهاماتی را که دادستان به آنها نسبت می‌دهد بپذیرند، جمهوری اسلامی

را تأیید نمایند، و قول دهند که در آینده دست از فعالیت های سیاسی، نظیر آنچه که در گذشته انجام میدادند، بردارند. در روز جمعه ۲۲ تیر و یا شنبه ۲۳ تیر ماه شخصی بنام "هوشنگ قلدر" که از شکنجه گران معروف می‌باشد همراه با چند شکنجه گر دیگر که نام های آنان هنوز معلوم نیست به زندان کارون آورده شده اند و مسئول ضرب و شتم زندانیان سوسیالیست شده اند. "هوشنگ قلدر" طبق گزارشات رسیده، و در دفعات متعدد مبادرت به ضرب و شتم زندانیان زن سوسیالیست نموده و در حین این تنگ زدن ها اظهاراتی از قبیل "من قلدر هستم و حساب شما سوسیالیستها با من است" و یا اینکه

دایره دفاع حزب کارگران سوسیالیست طی اعلامیه ای که در ۲۷ تیرماه منتشر نمود اطلاعاتی در مورد شکنجه ۵ تن از ۱۵ سوسیالیست زندانی در زندان کارون اهواز در اختیار مطبوعات و جراید کشور گذاشت. در قسمتی از این اعلامیه آمده است: طبق گزارشات رسیده از زندان کارون اهواز، ۵ تن از اعضا زندانی حزب کارگران سوسیالیست در روز یکشنبه ۲۴ تیر ماه به "سلول قرنطینه" این زندان انتقال داده شده اند. این سلول که فاقد پنجره بخارج، نور و سایر توالیت و هواکش است قبلاً بعنوان اطاق شکنجه از آن استفاده میشده است و سابقاً کسانی که در این اطاق زندانی میشده اند به خفگی دچار شده اند.

در مقابل جنایاتی که علیه دستاورد های قیام مردم تحت هدایت آقای ستارگان و مأمورین کمیته در اهواز صورت می گیرد، حزب کارگران سوسیالیست درخواست تشکیل یک کمیسیون بین المللی برای تحقیق در مورد زندان های اهواز را کرده است تا به موضوع حملات بدنی به مبارزین و حتی کشتار آنها رسیدگی کند. بسیاری از وکلای که در خارج از ایران از مدافعین انقلاب ایران بودند و سال ها برای افشای رژیم پهلوی مبارزه کردند به این بدی ما پاسخ مثبت داده اند. تعداد زندانیان سیاسی انقلابی به صد ها نفر می رسد. رفقای ما طی نامه ای که از زندان برای ما فرستادند روشن کردند که کارگران از مسجد سلیمان آنجا هستند و ۹ تن از کارگران به جرم داشتن نشریه کلا در آنجا زندانی هستند. بسیاری از مبارزین خلق عرب بخاطر داشتن یک اعلامیه یا شرکت در تظاهرات دستگیر شده اند. کتک زدن، فحاشی، تهدید به تیرباران یک روند معمولی فعالیت های «دائستی» ستاریان در زندان است. هیئت حاکم جمهوری اسلامی،

هیئت حاکم حکومت خمینی، بازرگان و تمام رهبران حکومت فعلی با همدگر سابقه می گذارند تا به تمام جنایاتی که در زندان های خودشان در جریان است سرپوش بگذارند. از بازرسی مستقل برای اینکه معلوم شود در این زندان ها چه می گذرد جلوگیری کرده اند. تا بحال به فعالین حزب کارگران سوسیالیست در اهواز کوچکترین اتهامی را تفهیم نکرده اند. بخیر از حرف هایی که شفاهی رفیقمان امید اینجا گفت کوچکترین اتهام نوشته شده ای مطرح نکرده اند. حتی حکومت فعلی تاکنون از این هم سرپا زده است که علنا به زندانی بودن این افراد اقرار کند. نزدیک به دو ماه است که اینها در زندان هستند و کوچکترین اتهامی علیه اینها ندارند و جرئت نمی کنند آنها را به دادگاه علنی بیاورند چون سند محکومیت خودشان خواهد بود. در نتیجه از طریق کتک زدن، اجاب، تهدید این افراد سعی به شکستن اراده این مبارزین دارند و این کاری است که در آن موفق نخواهند شد. اکثریت مردم ایران مخالف شکجه هستند.

از طریق سرپوش گذاشتن روی این حقایق است که حکومت فعلی به این جنایات ادامه می دهد. در نتیجه حزب کارگران سوسیالیست اعلام می کند که مبارزه خستگی ناپذیر خودش را برای افشای تمام حقایق این جنایات در زندان اهواز بکار خواهد انداخت. و ما از مدافعین انقلاب ایران در سطح بین المللی می خواهیم که کمیسیون بین المللی تشکیل بدهند و هرچه زودتر حقایق این مسئله را در دسترس افکار عمومی در ایران و در سطح جهانی قرار دهند.

اعدام ۵ نفر عرب در خرمشهر

پس از سخنان زهرانی، خبرنگاران سئوالاتی در مورد اعدام ۵ تن عرب در روز ۲۷ تیرماه در خرمشهر مطرح کردند و زهرانی در این مورد اظهار داشت: «۵ نفر را در خرمشهر به جرم پرتاب نارنجک به مسجد خرمشهر دستگیر کرده و پس از ۳ ساعت تیرباران می کنند. خود نفس این 'حاکم' سه ساعته و بدون اینکه هیچ سند و

مدرکی ارائه شده باشد نشان می دهد که اینها بی گناه بوده اند. این کار بدستور ستاریان انجام گرفته است. این جنایت را می توان سریع انجام داد و ممکن است تا مدتی هم حقیقت پوشیده بماند. ولی عاقبت حقیقت امر روشن خواهد شد.

این افراد که بعنوان دادستان ها دارند اینجا و آنجا حکم اعدام صادر می کنند و به پرونده سازی و پاپوش دوزی علیه مبارزین انقلابی مشغولند و دستور کتک زدن و شکنجه کردن زندانیان را می دهند چه کسانی هستند؟ قربانیان اینها معلوم است چه کسانی هستند. زندانیان سوسیالیستی که در اهواز هستند سال ها علیه استبداد پهلوی سابقه مبارزه دارند. تمام پرونده ها و اسنادی که ساواک علیه اینها درست کرده است اکنون در دست دولت است. ولی ببینیم این ستاریان که دادستان خوزستان است کیست و قبلا چه کار کرده؟ چه گذشته ای داشته است؟ اینها همه اسناد و مدارکی است که حتا در پرونده های ساواک موجود است. بقیه در صفحه ۲۲

اعتراضات بین المللی به دستگیری سوسیالیست های ایران ادامه دارد

اعتراضات جهانی علیه دستگیری اعضا حزب کارگران سوسیالیست در اهواز همچنان ادامه دارد. سازمان های کارگری و دموکراتیک، کارگران و جوانان مبارز در اروپا، آمریکا، آمریکای لاتین، آسیا و استرالیا که همگی مدافع انقلاب ایران هستند و علیه رژیم پهلوی بودند. امروزه همبستگی خود را با مبارزه برای آزادی ۱۵ سوسیالیست زندانی ایران اعلام کرده اند. در شماره های گذشته کارگر گزارش تعداد زیادی از این قبیل تلگراف ها، عریضه ها و اعتراضات بین المللی در کشورهای مختلف را درج نمودیم. در این شماره تعداد دیگری از این پیام های همبستگی را که از کشورهای مختلف بدست ما رسیده است منتشر می کنیم. باید متذکر شویم که بسیاری از این پیام ها قبل از افزایش تعداد زندانیان سوسیالیست از ۹ نفر به ۱۵ نفر فرستاده شده و اشاره به ۹ نفر سوسیالیست زندانی در این پیام ها بهمین علت است.

پرتغال

۱- ۵۲ نماینده مجلس از حزب سوسیالیست پرتغال، ۲ نماینده مجلس سوسیالیست مستقل، و ۳ نماینده مجلس از حزب وحدت سوسیالیستی خواستار آزادی سوسیالیست های ایران شدند.
۲- ۲۰ روزنامه نویس پرتغالی طی تلگرافی آزادی سوسیالیست های انقلابی را خواستار شدند.
۳- در یک میتینگ کارگری که ۴۰۰ نفر در آن شرکت داشتند، قطعنامه ای مبنی برخواست آزادی سوسیالیست های انقلابی ایران به تصویب رسید.

آلمان

۱- یکی از اعضا حزب سوسیالیست آلمان با وزیر دادگستری ایران تماس گرفت و خواستار آزادی سوسیالیست های انقلابی شد.
۲- یک استاد دانشگاه هیلدرسبرگ و ۵ استاد دانشگاه اشتوتگارت خواستار آزادی سوسیالیست های انقلابی گردیدند.
۳- دوتن از شاعران و سرایندگان معروف آلمان شرقی بنام های «پانا» و «کونرت» که بخاطر مبارزاتشان علیه رژیم آلمان شرقی به آلمان غربی تبعید شده اند خواستار آزادی اعضا حزب کارگران سوسیالیست شدند.
۴- ۱۰ نفر از استادان دانشگاه «رور» خواستار آزادی سوسیالیست های انقلابی شدند.
۵- رهبر سندیکای فلز کاران آلمان خواستار آزادی سوسیالیست های ایرانی شدند.

اسپانیا

۱- کنگره سندیکای سراسری کارگران مادرید (ا.و.ز.ت) قطعنامه ای به تصویب رساند و طی آن خواستار آزادی سوسیالیست های انقلابی ایران شد.
۲- در شهر رتافه در اسپانیا سندیکای سراسری کارگران (ا.و.ز.ت) و حزب سوسیالیست کارگری اسپانیا در طی تلگرافی

خواستار آزادی سوسیالیست های انقلابی شد.
۳- سندیکاهای کارخانه جان دیر (کارخانه تراکتورسازی در مادرید) خواستار آزادی ۱۵ سوسیالیست زندانی شد.
۴- فدراسیون فلزکاران و فدراسیون کارمندان طی تلگرافی به آقای بازرگان، آزادی سوسیالیست های ایران را طلب کرد.

سوئیس

۱- ۳ نماینده از حزب سوسیالیست و از سازمان جوانان حزب سوسیالیست به کنسولگری ایران در ژنو مراجعه نمودند و خواستار آزادی اعضا حزب کارگران سوسیالیست شدند.
۲- هیئتی متشکل از مبارزین سازمان های کارگری و سندیکایی در ژنو به آقای رجوی، سفیر ایران در سازمان ملل متحد رجوع نمودند و خواستار آزادی سوسیالیست های انقلابی ایران شدند.
همچنین تلگرافی به دولت ایران و آقای رجوی از طرف ۱۸۳ رهبر از حزب سوسیالیست، ۴ مشاور ملی، رهبران اتحادیه سندیکایی سوئیس و سردبیر مرکزی حزب سوسیالیست مخابره شد.

انگلستان

هیئتی متشکل از رهبران و اعضا سندیکاهای کارگری انگلستان به سفارت ایران مراجعه نمودند و خواستار آزادی سوسیالیست های انقلابی شدند. این هیئت از مبارزین سندیکایی کارگران بارانداز شهر لیورپول و رهبران سندیکای فلزکاران و سندیکای چاپ متشکل شده بود.

ایرلند

رهبر سندیکای حمل و نقل وابسته به سندیکای سراسری کارگران ایرلند بنام «پاری موند» در طی تلگرافی به آقای بازرگان خواستار آزادی اعضا حزب سوسیالیست شدند.
سوسیالیست گردید.

یونان

۱- در مقابل سفارت ایران در آتن، برای آزادی سوسیالیست های انقلابی، صف

اعتراضی در روز ۱۵ ژوئن تشکیل شد که مورد حمله پلیس این کشور قرار گرفت.
۲- نامه ای به آیت الله خمینی و آقای بازرگان فرستاده شد که توسط ۶۵ نفر از روشنفکران، روزنامه نویسان، وکلا، رهبران سندیکای کارگری و استادان دانشگاه امضا شده است و طی آن خواستار آزادی اعضا حزب کارگران سوسیالیست ایران شدند. چند نفر از امضا کنندگان عبارتند از: جاجیس - جورجوس - عضو سندیکای چاپ، کالائوس مانلیوس - رهبر سندیکای چاپ، برلوتوس د پرنین: از طرف کانون وکلائی آتن.

بلژیک

چندین رهبر سندیکاهای مهم بلژیک و رهبران احزاب کارگری در طی نامه ها و تلگراف های اعتراض آمیز خواستار آزادی اعضا حزب کارگران سوسیالیست ایران شدند. از جمله:
۱- ژاک ایرنا: رهبر سندیکای سراسری کارگران در شهر لیژ.
۲- گن مور: رهبر سندیکای ذوب آهن عضو فدراسیون سراسری کارگران بلژیک.
۳- وارن: رهبر سندیکای شیمی عضو سندیکای سراسری کارگران.
۴- بخش حزب سوسیالیست در شهر مارتیل.
۵- سازمان مبارزه علیه اختناق در دنیا که در آن سندیکاهای کارگران و شخصیت های دموکراتیک عضو هستند.

دانمارک

در طی نامه اعتراض آمیزی که به مهدی بازرگان و شورای انقلاب اسلامی و کمیته امام در اهواز فرستاده شد. ۴۰ نفر از نمایندگان مجلس، رهبران سندیکا، اعضای شوراهای شهر، و دانشگاهیان خواستار آزادی اعضا حزب کارگران سوسیالیست شدند. تعدادی از آنان عبارتند از:
۱- اربک بورنیک: از فدراسیون حمل و نقل.
۲- جورج پولن: از فدراسیون فلزکاران.
۳- جچ پترسون و اربک اندرسن: نماینده مجلس و عضو حزب سوسیال دموکرات.
۴- ۷ نفر از نمایندگان مجلس عضو حزب عدالت.

کارگران مبارز سخن می‌گویند

مهدی جوادی

کارکنان بانک‌ها:

هیچ غرامتی به سهامداران داخلی و خارجی نباید پرداخت شود

تقریباً یک ماه پیش بود که دولت اعلام کرد بانک‌های کشور را ملی کرده است. این اقدام چه تأثیری در کار بانک‌ها خواهد داشت و نظر کارکنان بانک‌ها در این باره چیست؟ برای دریافت جواب این سؤال‌ها از خود کارکنان بانک‌های کشور با یکی از نمایندگان سندیکای کارکنان یکی از بانک‌های کهن‌خبر از طرف دولت ملی اعلام شده به گفتگو نشستیم. نوشته زیر حاصل این گفتگو است.

س: نزدیک به یک ماه پیش از ۲۰ بانک خصوصی از طرف دولت آقای بازگان ملی اعلام شد. لطفاً توضیحاتی دربارهٔ دلایل ملی کردن این بانک‌ها و همچنین تغییراتی که پس از این ملی شدن در فعالیت بانک‌ها ایجاد شده بفرمائید.

ج: دولت این کار را فقط بخاطر تنگناهای ج روی مسائل بانک‌ها پیدا کرده بود انجام داد. مشکلاتی در مدیریت بانک‌ها وجود داشت. مسئله عدم پرداخت پدیه‌ها به کارکنان به بانک‌ها مطرح بود. بازاریان و بدهکاران کوچک چون انقلاب را مخالف رباخواری و بهره‌گیری می‌دانند علاقه‌ای به بازپرداخت بدهی‌هایشان نداشته‌اند و انتظار تخفیف‌هایی در بدهی‌های خود داشتند.

دیگر اینکه مسایل بین مدیریت و کارکنان بانک‌ها حاد شده بود. کارکنان بانک‌ها بهیچ شکل حاضر نبودند آن نظم گذشته را بپذیرند. بانک مرکزی خیلی تلاش کرده مدیریت گذشته بانک‌ها را بازسازی کند. در پاره‌ای از موارد به سندیکای بانک‌ها خرده‌گیری می‌کرد که چرا در کار مدیریت دخالت می‌کنند. مثال بانک ایرانیان وضع بحرانی بانک‌ها را روشن می‌کند. بانک ایرانیان ۲۰۰۰ میلیون تومان بدهکاری دارد که تقریباً سفته است. یک قلم‌بند صد میلیون تومانی از این مقدار مربوط به هزیر یزدانی است که بخارج فرار کرده است. کل سرمایه این بانک ۳۰۰ میلیون تومان است. یعنی باید ۱۷۰۰ میلیون تومان بدهی آن از سپرده‌های مردم و با دولت ترمیم شود.

بسیاری از سرمایه‌گذاران عمده قبلی از درباریان بودند که همه فرار کرده‌اند. اینها وام‌های بسیار عمده از بانک‌ها گرفته‌اند که در بسیاری از موارد بیشتر از سرمایه‌های آنهاست که در اینجا باقی گذاشته‌اند.

اگر این اوضاع و احوال بحرانی بانک‌ها ادامه پیدا می‌کرد، شاید سه چهار ماه طول نمی‌کشید که بانک‌ها ورشکسته می‌شدند. دولت کنونی در ابتدا هیچ قصدی برای ملی کردن بانک‌ها نداشت. چون درست دو ماه پیش از این ما یک جلسه‌ای با آقای مولوی رئیس بانک مرکزی داشتیم و او شدیدا از سندیکا می‌خواست که با مدیران همکاری کنیم.

نشان می‌داد تصمیمی دایر بر ملی کردن بانک‌ها نداشتند.

وقتی این مشکلات بانک‌ها حادتر شد دولت تصمیم سریعی برای ملی کردن بانک‌ها گرفت. و بهیچ دلیل هنوز برنامه شخصی برای بانک‌ها ندارد. یعنی اینکه تغییراتی در اوضاع بانک‌ها داده نشده. رابطه کارکنان و مدیریت، همان رابطه قدیم است. در مورد بدهکاران، باز همان روابط قدیم برقرار است. هیچگونه کار برنامه‌ریزی شده انجام نگرفته است.

دو سه ماه پیش سیاست دولت این بود که وام‌هایی با بهره‌های نازلتر در اختیار صاحبان صنایع قرار بدهد تا صنایع بازسازی شوند. ولی نه خود کارخانه‌دارها همکاری کردند. و نه کارگران کارخانه‌ها حاضر به پذیرفتن نظم گذشته و مدیریت گذشته شدند. و نه بانک‌ها علاقه‌ای نشان دادند. الان هم اوضاع بهیچ صورت است.

حالا شورائی تشکیل شده از مدیران بانک‌ها، بنام هیئت هماهنگی، که این هیئت مدیره کنونی بانک‌ها، مدیران عامل کنونی، بجز چند تائی، از همان مدیران قبلی انتخاب شده‌اند. و معیارهایشان، شیوه مدیریت بانک‌ها، نحوه برخوردشان به جامعه، و به کارکنان، دقیقاً مانند گذشته است. چه رسد به همان چهره‌های سابق هستند.

س: در بانک شما سهامداران خارجی بوده‌اند یا خیر؟ اگر بوده‌اند، نقش آنها در هیئت مدیره به بانک قبل از ملی شدن چه بود؟ بعد از ملی شدن بانک وضع آنها به چه صورت است؟

ج: حدود ۳۰ درصد از سهام این بانک به سهامداران اروپائی تعلق داشت. آنها در هیئت مدیره به نسبت سهمشان حق رأی داشتند. یعنی حدود یک سوم آرای هیئت مدیره متعلق به خارجی‌ها بود.

بعد از اعلام ملی شدن بانک‌ها، الان هم که ما در بانک‌ها هستیم، واقعا نمیدانیم که چه می‌گذرد. نمی‌دانیم که از سهامداران خارجی الان در هیئت مدیره هستند یا خیر. در ظاهر دیگر نیابستی که سهامداران خارجی از نظر مدیریت اختیاراتی داشته باشند. در غیر این صورت غیرمنطقی است.

کمزین وظیفه‌ای که دولت با ملی کردن بانک‌ها بعهده دارد، لااقل این است که مدیریت بانک‌ها را از انحصار سرمایه‌داران داخلی و خارجی در بیاورد. حالا چقدر از نظر سهام، این سهامداران داخلی و خارجی را نگهدارد، این دیگر بستگی به کارهای دولت دارد. اگر دولت واقعا نخواهد این سهام را، این سرمایه‌های بزرگ و سرمایه‌های وابسته را ببنف جامعه صادر کند، در حقیقت مثل اینست که به سهامداران غرامت جنگی بدهد.

س: از نظر دخالت و کنترل کارکنان بعمليات بانک‌ها، چه تغییری با ملی شدن بانک‌ها ایجاد شده است؟

ج: اختیارات سندیکاها و شوراهای بانک‌ها در همان حدود سابق است. یعنی بسته به قدرت تشکیلاتی آنها دارد که چقدر میتوانند در مسائل صنفی و اجتماعی که در حوصله‌های آنها می‌گذرد دخالت کنند. مسئله‌ای که در اینجا جای تأسف بسیار دارد این است که دولت در این جریان ملی کردن بانک‌ها به نیروی کارکنان بانک‌ها فوق‌العاده کم بها داده است.

تشکیلات سندیکائی اکثر فرمایشی بودند. کارکنان بانک‌ها توانسته بودند سندیکای اصلی بوجود بیاورند، که شاید بخاطر این بود که دولت در آن زمان به کارکنان بانک‌ها آنقدر حساسیت نشان نمی‌داد، که به محیط‌های کارگری. این تشکیلات در جریان انقلاب آبدیده تر، و متشکل‌تر شدند و آگاهی کارکنان بالا رفت.

ولی متأسفانه دولت بهیچ وجه در این جریان‌ها هیچ ارزشی به نیروی کارکنان و شوراهای سندیکاها کارکنان نداده است. و هنوزکه هنوز است این شوراهای کارکنان تلاش می‌کنند که امتیازاتی در جهت احقاق حق صنفی و اجتماعی بدست بیاورند. درست مانند گذشته.

سندیکاها و شوراهای کارکنان

یکی از مشکلاتی که نمایندگان سندیکاها با آن مواجه هستند این است که کارکنان بانک‌ها حتی نمی‌توانند تصور کنند که دولت حاضر نیست آنها را در کارهایشان شرکت دهد. اکثریت کارکنان باورشان نمیشود که دولت بهمان شکل با سندیکاها و شوراهای رفتار می‌کند که رژیم قبلی عمل می‌کرد. کارکنان بخاطر احساسی که از انقلاب دارند، و بخاطر اعتقادی که به دولت دارند و توقعاتی که از آن دارند خود بخود خیال می‌کنند که الان در اداره بانک‌ها سهم هستند. بهیچ خاطر برای شرکت در اداره و حل مسائل بانک‌ها حرکت نمی‌کنند. عمده کارکنان فکر می‌کنند دولت به آنها حق شرکت در اداره امور را داده و نمی‌توانند این تناقض را حل بکنند که دولت در واقع نمی‌خواهد این اختیارات را به آنها بدهد.

ما اعتقاد داریم که اصولاً بدون شرکت سندیکاها و شوراهای کارکنان بانک‌ها امکان پذیر نیست که دولت بتواند برنامه صحیحی را برای بانک‌ها بعمل بگذارد. یعنی مادامی که شوراهای کارکنان در اداره بانک‌ها شرکت داده نشوند، برسمیت شناخته نشوند، امکان ندارد که دولت بتواند در بانک‌ها هیچ عملی را با موفقیت انجام بدهد. چون اگر کارکنان حاکمیتی را که باید در سرنواخت خود و در مسائل جامعه داشته باشند، به دست نیاورند، دوباره همان احساس بیگانگی با محیط کار، همان احساس بیهودگی گذشته وجود می‌آید. کارمندان از دولت جدا می‌شوند، و این معیارهای یک جامعه انقلابی نیست. مگر اینکه بپذیریم که میخواهند جامعه را بهمان شکل سابق بازسازی کنند. س: کارکنان تا چه حد خواستار مساعده سهام داخلی و خارجی بانک‌های ملی شده، هستند؟

ج: صد درصد. تمام کارکنان می‌خواهند نه تنها سهام خارجی بلکه سهام سهامداران داخلی هم صادره شود. چون هر کارمند بانک، با یک حساب سرانگشتی میتواند حساب کند که این سهامداران در دو سه سال اخیر بیشتر از سرمایه‌های خود بهره‌های بسیار جیب‌زده‌اند. این سهامداران ۲۰۱۵ سال پیش هر کدام ۲۰۰، ۳۰۰ هزار تومان پول آمدند، و الان یک میلیارد تومان سرمایه بهم زده‌اند و می‌بایرداها تومان هم برده‌اند. کارمندان بانک‌ها نمی‌توانند حتی تصور کنند که به این سهامداران غرامت پرداخته شود. حتی بدهکاران بانک‌ها هم این توقع

انتظار دارند که پول سهامداران داده نشود و در عوض شرایط مساعدی برای آنها بوجود آید.

یعنی دولت بجای پرداخت غرامت به سهامداران خارجی و سرمایه‌داران وابسته داخلی، باید همین پول را در اختیار شورای کارکنان بگذارد و آنها هم آن بدهی‌های خیلی پائین را که بدهکاران نشان واقعا خانه خراب هستند و نمی‌توانند پرداخت کنند، ببخشند. مثلاً کسی که ۴۰ هزار تومان ۵۰ هزار تومان، پول گرفته تا خانه‌ای در یافت آباد بسازد، الان هم ۲۰ هزار تومان به بانک بدهکار است، و آنرا نمی‌تواند بدهد و الان هم نمی‌دهد. دولت باید اینها را زندانی کند و خانه‌شان را حراج کند، یا وام‌ها را ببخشد.

دیگر کسبه هستند که در پرداخت بدهی‌هایشان با اشکال مواجه هستند. آنها هم از دولت انتظار دارند که لااقل بهره‌های وام‌ها را ببخشد و برای بازپرداخت این وام مدت درازتری را در نظر بگیرد و وام‌هایشان را در ده سال، ۱۵ سال تقسیم کند. اینها، بخاطر بحران اقتصادی، متضرر شده‌اند و قدرت پرداخت این وام‌ها را ندارند.

س: مبارزات سندیکای شما برای دخالت و شرکت در اداره بانک‌ها، بانسک در چه وضعی است؟ ج: کارکنان بانک در یک چیز وحدت نظر دارند. و آن اینکه نظم گذشته را نمی‌پذیرند. نظم گذشته، نظمی بوسید و طاغوتی بوده که باید از بین برود. این نظمی بود که سالهای سال شخصیت کارکنان در بانک‌ها را تحقیر کرده بود. با استفاده از چماق آرمی‌سپری به کارکنان زور گفته بود، این حاکمیت باید از بین برود. این نظم کهنه و فرسوده بایستی درهم ریخته شود و یک نظم نو، با شرکت خود کارکنان بوجود آید. الان بین کارکنان، و مدیران که می‌خواهند نظم قدیم را در بانک حاکم کنند، این جدال هست.

ولی مسئله‌ای که برای اتحادیه کارکنان بانک‌ها، ۲۱ بانک را در بر میگیرد و متشکل است و از اعتماد کارکنان برخوردار است، مطرح است، اوضاع و احوال دولت می‌باشد. الان در مسائلی که کارکنان دارند، نمایندگان اتحادیه، بهیچال چیزی بسا دولت کنار نمی‌آیند، بخاطر اینکه دولت وقت است، فرضاً مبارزات کارکنان دولت را تضعیف می‌کند، و غیره. کارکنان و نمایندگان یک مقداری این شرایط را درک می‌کنند و بسا دولت همکاری می‌کنند.

ولی بهرحال این وضع نمی‌تواند برای مدت زیادی ادامه پیدا کند. بدون تردید، اگر دولت بخواهد روش فعلی را ادامه دهد، حالا چه خود این دولت وقت طولانی بشود، و چه ظرف چند ماه آینده دولت دائم سرکار بیاید. بدون تردید کارکنان متحد در این مسئله وحدت دارند که بایستی در اداره بانک‌ها حاکمیت داشته باشند، شرکت داشته باشند، یکطرف قضیه باشند، یکطرف دیگر هم دولت باشد، تا مسائل را حل و فصل کنند.

اگر دولت نخواهد به این خواست پاسخ مثبت دهد، به این طریق خودش را در مقابل کارکنان بانک‌ها قرار می‌دهد، و کارکنان بانک‌ها از تمام ابزارهای که در اختیار دارند، از اعتصاب، و تحصن گرفته تا سایر مبارزاتی که حقوق حقه هراسان مزد بگیرگی است، در راه

کارگران کارخانه ری. او. واگ با تشکیل شورای جدید مبارزات خود را به پیش میبرند

روز چهارشنبه ۲۳ خرداد ماه، کارگران کارخانه باتری سازی ری. او. واگ، در غرب تهران سنگای خود را منحل کردند و یک شورای کارگری انتخاب نمودند.

انحلال سندیکا و تشکیل شورا پس از مدت‌ها اعتراض و مخالفت با سیاست‌های نمایندگان سندیکای قبلی صورت گرفت.

نمایندگان سندیکا، طی انتخاباتی که پس از قیام برگزار شد، انتخاب شده بودند. ولی در طول ماه‌های پس از قیام کارگران بیشتر و بیشتر متوجه شدند که نمایندگان سندیکای قدیمی در راه مبارزه برای خواسته‌های فراوان آنها بر نمی‌دارند.

یکی از خواسته‌های مهم کارگران تقسیم سود ویژه کارخانه بوده است. میزان سود کارخانه در سال قبل ۲۶ میلیون تومن به کارگران گزارش شده بود. از این مبلغ ۶ میلیون تومن آن به حاجی برخوردار صاحب قبلی کارخانه که الان از طرف دولت ملی اعلام شده است - داده شد، و ۲۰ میلیون تومن باقی مانده در دست نمایندگان سندیکا باقی ماند. نمایندگان سندیکا از پرداخت این پول به کارگران خود داری کردند. در حالیکه کارگران خواستار آن بودند که این پول بین آنها تقسیم شود.

کارگران خواسته‌های دیگری نیز از جمله اضافه حقوق و حق مسکن دارند. با اینکه نمایندگان سندیکا قول داده بودند که از فروردین ماه اضافه حقوق آنها پرداخت خواهد شد، این خواست هنوز برآورده

نشده است.

تحت فشار و ناراضی بسیاری زاهد کارگران، نمایندگان سندیکا ناگزیر شدند تا جلسه عمومی سندیکا گذاشته شود و انتخابات مجدد صورت گیرد. در این جلسه نماینده سندیکا در مورد پرداخت اضافه حقوق صحبت کرد و دو راه را در پیش کارگران گذاشت: یکی اینکه به کارگران بصورت علی الحساب ماهانه ۲۵۰ تومن اضافه دستمزد پرداخت شود. دوم اینکه کارگران صبر کنند تا از طرف وزارت کار برای اضافه دستمزد دائمی کارگران تصمیم گرفته شود.

کارگران با هر دوی این راه‌های پیشنهادی مخالفت کردند و اعلام داشتند چون سندیکا هیچ قدمی در راه خواست‌هایشان برنداشته است آنرا قبول ندارند و خواستار تشکیل شورای انقلابی کارگران شدند. در همان جلسه بخاطر دخالت کمیته امام قرار شد انتخابات شورا به روز چهارشنبه ۲۳ خرداد موکول شود. در این روز انتخابات با نظارت کمیته امام صورت گرفت و ۶ نفر بعنوان اعضای اصلی و ۶ نفر بعنوان اعضای علی البدل به نمایندگی شورا انتخاب شدند. از این عده یک نفر نماینده کارمندان شرکت است.

در این انتخابات از جانب کمیته امام گفته شد که یک نفر نماینده کارفرما هم باید در شورا عضویت داشته باشد که با مخالفت کارگران روبرو شد.

در این انتخابات کارگران صریحاً گفتند که نماینده‌ها با این شرط انتخاب شده‌اند که برای خواسته‌های کارگران مبارزه کنند. در غیر اینصورت کارگران آنها را بعنوان نماینده خود قبول ندارند.

در این جلسه کارگران خواسته‌های خود را به شرح زیر عنوان کردند:

- ۱- بازگشت به کار و نفر از کارگران اخراجی.
- ۲- دریافت اضافه دستمزد.
- ۳- دریافت ۲۰ میلیون تومن سود ویژه.
- ۴- تصفیه کارخانه از مدبران و رؤسای مفتخور

و غیر قابل قبول.

بازگشت کارگران اخراجی

تحت حمایت شورای کارگران، دو تن کارگری که حدود دو ماه پیش از کارخانه اخراج شده بودند به سرکار بازگشتند. اخراج این کارگران از طرف سرپرست هاسورت گرفته بود. این کارگران، پیش از این، به رفتار خشن و ظالمانه سرپرست‌ها با کارگران و شرایط سخت کار اعتراض کرده بودند. به همین دلیل سرپرست‌ها با پاپوش دوزی برای آنها و به "دلایل اخلاقی" آنها را اخراج کردند.

کارگران اخراجی که به سرکار برگشتند با استقبال و تبریک کارگران مواجه شدند. از طرف دیگر سرپرستان این کارگران بعنوان اعتراض به بازگشت آنها دست از کار کشیدند. عده‌ای دیگر از سرپرستان هم بعنوان همبستگی با آن دو سرپرست، دست از کار کشیدند.

دست کشیدن سرپرستان از کار، در روز ۱۰ تیر فرصتی به کارگران داد تا بهمه ثابت کنند که آنها برای انجام کارشان اصلاً به سرپرستی احتیاج ندارند. آنها تصمیم گرفتند تا در این روز بهترین تولید را داشته باشند. در این روز، با وجود اینکه چند تن از کارگران که طرفدار سرپرست‌ها بودند، در کارها اختلال میکردند، میزان تولید از روزهای دیگر بیشتر شد.

احساس همه کارگران این بود که همه باید به بهترین شکل کار کنند. مثلاً یکی از کارگران می‌گفت که او دستگاهی که برای مدت ۶ ماه خراب بود و کار نمیکرد را به کار انداخت و تمام مدت روز را بالای سر آن ایستاده بود. در این روز، همه کارگران از اینکه بار رفتارهای ظالمانه و غیر انسانی سرپرست‌ها از دوش آنها برداشته شده بود و آنها بدون سرپرست بخوبی کار خود را انجام داده بودند احساس اعتماد بنفس و خوشحالی می‌کردند.

اخراج مدیران و برکناری سرپرستان

در همان روز اعتصاب سرپرستان، کارگران دیگر اجازه ندادند تا چند تن از مدیران و رؤسا در کارخانه ادامه کار دهند. اینها کسانی بودند که کارگران از مدت‌ها پیش خواستار تصفیه آنها بوده‌اند. ولی سندیکای قبلی قدمی در جهت این خواسته کارگران برنداشته بود.

سه روز بعد سرپرست قسمت مونتاژ با وجود اعتراض کارگران به سرکارش بازگشت. ضمناً یکی از نمایندگان شورا به سرپرست خوش آمد گفت. این موضوع خشم بسیار کارگران را برانگیخت.

کارگران قسمت به نمایندگانشان گوشزد کردند چنانچه به چنین اقداماتی ادامه دهند اعتماد کارگران از آنها سلب خواهد شد، و کارگران دست به اعتصاب زدند. نمایندگان شورا از کارگران خواستند که به سرکار بازگردند، و سرپرست را نیز از قسمت خارج کردند. در مقابل دخالت‌های نمایندگان وزارت کار در این جریان، کارگران دست به اعتراض می‌زدند و می‌گفتند "شما می‌خواهید از کارگران دفاع کنید یا سرپرست را به سرکار بازگردانید" و به اینصورت یکبار دیگر مخالفت خود با بازگشت سرپرست قسمت را نشان میدادند.

بدین ترتیب کارگران قسمت مونتاژ، برای بیش از ده روز، یعنی تا زمان آغاز تعطیلات تابستانی، بدون سرپرست کار کرده‌اند.

یکی از کارگران زن این قسمت در این باره، برای خبرنگار کارگر توضیح داد که: "پس از اخراج سرپرست همه احساس آزادی می‌کنند. دیگر برای رفتن به دستشویی بسا توپ و تشرها و مخالفت‌های سرپرست روبرو نیستیم."

"قبلاً همه کارگرها با هم دعوا میکردند و اوقات همه تلخ بود. ولی حالا دیگر کسی دعوا نمیکند، بیس همه کارگران احساس دوستی جدید پیدا شده."

تعطیل کارخانه شده است.

ولی واقعیت قضیه چیز دیگری است. هدف اصلی از تعطیل کارخانه این بود که کارگران مبارز و با سابقه از کارخانه اخراج شوند و به صفوف کارگران که روز بروز در مبارزه برای خواست‌هایشان متشکل‌تر و قدرتمندتر می‌شوند، ضربه وارد شود. اگر کارفرما در این حمله به کارگران پیروز شود می‌تواند بدون ترس از مقابله متحد کارگران، به سودجویی بی‌حد خود ادامه دهد. بعلاوه با اخراج کارگران سابقه دار و استخدام کارگران جدید، کارفرما دستمزد‌های بسیار کمتری را به کارگران خواهد پرداخت.

با تعطیل کارخانه، کارفرما با اعمال فشار بر کارگران شروع به اخراج آنها نمود. بعضی از کارگران بخاطر احتیاجات شدید مالی ناگزیر شدند تسویه حساب کرده کارخانه را ترک کنند. بطوریکه اکنون حدود نیمی از کارگران کارخانه اخراج شده‌اند.

علیه این عملیات خود سرانه و غیر انسانی کارفرما، کارگران دست به مبارزه زدند. کارگران در ابتدا به "مقامات دولتی" شکایت بردند. یکی از کارگران کارخانه در این مورد به خبرنگار کارگر توضیح داد: "ما به اداره کار بندر انزلی، و فرمانداری شهر، و کمیته انقلاب اسلامی مراجعه کردیم و خواستار رسیدگی به وضع ناپسند خود شدیم. ولی متأسفانه هیچکدام از این مراجع به خواسته

های ما رسیدگی نکردند. حتی از این هم بدتر، ما از طرف مأمورین کمیته مورد ضرب و شتم و انواع و اقسام اهانت‌ها قرار گرفتیم." کارگران که پس از حدود یکماه تعطیل تحمیلی کارخانه و انتظار کشیدن بیست در دفترهای کارفرما، و رئیس اداره کسار، و فرماندار، نتیجه‌ای نگرفته بودند و در عوض با حملات عوامل کارفرما، و مأمورین کمیته مواجه شده بودند، ضمن صدور قطعنامه‌ای خواست‌های خود را عنوان کردند و برای کسب این خواست‌ها در تاریخ ۱۶ تیرماه دست به تحصن در کارخانه زدند.

کارفرما که از شکل و یکپارچگی کارگران به وحشت افتاده بود، در ابتدای تحصن سعی کرد تا با پخش کاغذ بپاز طریق عواملش در بین روستائیان طالب آباد در نزدیکی کارخانه، زحمتکشان منطقه را علیه کارگران بشوراند و تحصن را بشکند. بعنوان مثال عوامل کارفرما این دروغ را در بین مردم پخش می‌کردند که "فخاری می‌خواهد کارخانه را باز کند اما کارگران با تحصن خود مانع شروع کار کارخانه شده‌اند." و میگفتند که "کارگران غیر بومی می‌خواهند کارخانه را تصرف کنند" و از مردم می‌خواستند که برای اخراج کارگران متحصن کمک کنند.

ولی وقتیکه کارفرما دید با این دروغ‌ها نمی‌تواند مردم زحمتکش طالب آباد را رو در روی کارگران متحصن قرار دهد، به چماق

کارگران کارخانه جی. بی. ان کیلان به همبستگی همه زحمتکشان نیاز دارند

کارگران کارخانه جی. بی. ان کیلان درگیر مبارزه‌ای سخت با کارفرما برای جلوگیری از اخراج کارگران و باز شدن مجدد کارخانه هستند.

کارخانه جی. بی. ان در ۱۰ کیلومتر جاده انزلی-رشت واقع شده است و محصولات چوبی مانند پارتیشن و جعبه‌های چوبی، تولید می‌کند. در این کارخانه ۱۲۰ کارگر به کار اشتغال داشته‌اند. حداقل دستمزد کارگران کارخانه روزانه ۳۰ تومن است. کارگران ماهر و دارای سابقه کار زیاد حداقل ۱۵۰ تومن در روز دستمزد میگیرند. صاحب کارخانه، بنام حاج محمد رضا فخاری، در تاریخ ۲۰ خرداد ۵۸، کارخانه را تعطیل کرد. صاحب کارخانه ادعا می‌کرد که بعلمت کمیود برق، نبودن امکانات مالی و فقدان بازار برای عرضه محصولات، مجبور به

بدستان و عواملش متوسل می‌شود و دو روز بعد از تحصن، در حمله‌ای شبانه به کارگران و ضمن اهانت به آنها، همه کارگران زن و مرد را با زور از کارخانه بیرون می‌کند.

علیرغم این ضربه کارفرما، کارگران بیش از هر زمان مصمم به ادامه مبارزه برای باز کردن کارخانه و بازگشت تمام کارگران اخراجی به کار، و کسب حقوق عقب افتاده و خواست‌های خود هستند. در این مبارزه کارگران دریافت‌اند که تنها روی نیروی متحد خود و جلب همبستگی سایر کارگران و زحمتکشان می‌توانند حساب کنند.

گروهی از کارگران کارخانه، برای پیشبرد این مبارزه اعلامیه منتشر کرده‌اند. در این اعلامیه تاریخچه حملات کارفرما از ابتدا و مبارزات کارگران تا حمله به تحصن آنها توسط کارفرما شرح داده شده است. اعلامیه سپس اضافه می‌کند: "باین ترتیب تحصن ما اجباراً به پایان رسید. اما مبارزه برای کسب حقوق از دست رفته مان ادامه خواهد یافت و در این راه از کارگران و زحمتکشان منطقه انتظار پشتیبانی از خود را داریم. آنچه ما کارگران و زحمتکشان را به حقوق حقه مان می‌رساند اتحاد و یکپارچگی و شناخت و مقابله با حمله‌های کارفرماست."

در قسمتی از این اعلامیه آمده است: "حاج فخاری که امروزه مردم را با نظیر تحریک می‌کند که گویا او می‌خواهد در کارخانه را باز

کند و ما نمی‌خواهیم. آیا مگر همان حاج فخاری نیست که تا دیروز در کارخانه کارگران را به بهانه های مختلف تنگ مزده و اخراج می‌کرد. آیا فراموش کرده ایم که ۵ نفر از کارگران را به جرم رفتن به دستشویی از کارخانه اخراج کرده بود. او حتی حاضر نمی‌شد یک توالت در کارخانه برای ما بسازد. مگر او نبود که تمام کارگران شیفت شب را اخراج کرد و از نان خوردن انداخت. این حاجی همان کسی است که با عنوان اینکه می‌خواهد حقوق کارگر را پرداخت کند بزرگ تسویه حساب را جلوی او می‌گذاشت و کارگر

می‌خبر از همه جا حکم اخراج خود را بدون اینکه بدانند امضا می‌کرد. اعلامیه در قسمت دیگر، دروغ‌های کارفرما را فاش می‌سازد: "او (حاج فخاری) می‌گوید پول ندامت، برق نمیدهند، جنس را نمی‌خرند و... البته او دروغ می‌گوید. مگر ما کارگران اعلام نکردیم که حاضریم بسیاری راه انداختن کارخانه به او کمک کنیم و با او به اداره برق و وزارت کشاورزی بیاییم و با کمک هم مشکلات کارخانه را برای بازگشایی کارخانه حل کنیم. چرا تا بحال با ما تماس نگرفته است و بجای آن می‌خواهد ما را اخراج کند."

بنا بر این او نمی‌خواهد کارخانه راه ببفتند و این ما هستیم که بطور جدی خواستار باز شدن کارخانه هستیم. او برای اینکه بین ما کارگران روستائیان زحمتکش منطقه جدائی بیندازد میگوید کارگران غیرمحل باید اخراج شوند. ما سؤال می‌کنیم مگر او خودش محلی است که سنگ محلی را به سینه می‌زند. تازه اگر هم محلی باشد فرقی نمی‌کند. مگر چه گلی به سر محلی‌ها زده کنه به دیگران نزده. او مگر غیر از زورگوشی و حق خوری کار دیگر بلد است. اعلامیه در آخر می‌نویسد: "هموطنان

عزیز: ما بطور قاطع برای رسیدن به خواسته هایمان که فعلا اصلی‌ترین آنها باز کردن کارخانه و بازگرداندن کارگران اخراجی بسر کار ۱۵ ماده قطعنامه تحصن است مبارزه خواهیم کرد. ما برای اینکه بتوانیم به خواسته هایمان برسیم به کمک و پشتیبانی تمام مردم زحمتکش ایران و بخصوص زحمتکشان منطقه خود شدیداً احتیاج داریم. ما تمام کسانی را که بخواهند ما را از رسیدن به حقوق خود بازدارند محکوم کرده و هرگونه تفرقه اندازی بین کارگران و زحمتکشان را در جهت منافع ضد انقلاب می‌دانیم."

در کارخانه

'تولید و پخش پوشاک' تهران چه می‌گذرد

هستند و برای نگهداری از بچه های پشیمان احتیاج به مهد کودک دارند. در این کارخانه مهد کودک وجود ندارد. حقوق کارگران تازه استخدامی ۹۰۰ تومان در ماه است. کارگرانی پیدا می‌شوند که با چندین سال سابقه کار کمتر از ۲۰۰۰ تومان در ماه حقوق می‌گیرند. اخیراً، ما پس از ۲ ماه انتظار می‌حاصل برای اخراج شدن حقوق خود، که قرار بود ۳۰ درصد باشد، دست به مبارزه زدیم. در ابتدا کارگران برش‌کار که همگی مرد هستند، ساعت ۱۲/۵ سه شنبه ۵ تیرماه دست از کار کشیدند و برای اعتراض به دفتر رئیس کارخانه، آقای مترجمی رفتند. یکی دیگر از خواست‌هایی که کارگران برش‌کار مطرح کردند تعطیل شدن پنجشنبه‌ها بود. کارگران دیگری به پشتیبانی از برش‌کاران و خواست افزایش حقوق‌ها قصد داشتند دست از کار بکشند که با تهدید و برچسب‌های "ضد انقلابی" و غیره کارفرما مواجه شدند و به سرکار برگشتند. اوضاع ناراضی و نگرانی برای دو روز ادامه پیدا کرد تا اینکه روز پنجشنبه کارگران برش‌کار در سرکار حاضر نشدند. همان روز، در رنگ تفریح، نماینده ما، آقای حسن پور، در کافه تریای کارخانه، برای حدود نیم ساعت علیه کارگران برش‌کار سخنرانی

چند تن از کارگران کارخانه تولید و پخش پوشاک گزارشی از مبارزه کارگران این کارخانه که در شرق تهران واقع شده است بر سر این نشریه کارگر ارسال داشته‌اند. تاریخ این گزارش ۱۳/۴/۵۸ است. هیئت تحریریه کارگر استقبال خود از دریافت چنین گزارشی- هائی از مبارزات کارگران و سایر زحمتکشان اعلام می‌دارد.

متن گزارش کارگران کارخانه تولید و پخش پوشاک، با مختصری تغییر در زیر آمده است.

در این کارخانه حدود ۲۰ نفر مشغول به کار هستند که اکثر آنها زن هستند. زنانی که با از شوهرانشان طلاق گرفته‌اند و مجبورند برای تأمین زندگی خود و فرزندانشان کار کنند، یا دخترانی که با خانواده هایشان زندگی می‌کنند. با اینکه اکثریت کارگران زن

(۲) کاهش ساعات کار به ۴۰ ساعت در هفته،
(۳) ایجاد مهد کودک.
کارگران پس از توافق کارفرما نسبت به پرداخت حقوق‌های عقب افتاده به سرکار بازگشتند.

کارخانه پوشش‌در سال ۱۳۵۲ تأسیس شد و محصول آن نخ، حوله، و مخمل می‌باشد. در این کارخانه حدود ۲۵۰۰ کارگر زن و مرد کار می‌کنند.

سطح دستمزد کارگران در این کارخانه فوق العاده پایین است و بین ۲۸ تا ۳۷ تومان در روز می‌باشد. به همین خاطر حدود نیمی از کارگران کارخانه، برای تأمین زندگی خود ناگزیرند که در روستاها نیز به کار کشاورزی دست بزنند.

شرایط کار در کارخانه سخت است و کارگران مجبورند در هفته ۴۸ ساعت کار کنند. در برابر خطرات مداوم ناشی از کار با دستگاه‌ها،

کرد و توضیح داد که طبق قانون کار کارگران باید ۲۸ ساعت در هفته کار کنند، و این وضع تا تصویب قانون جدید باید ادامه پیدا کند. او گفت که امکان اضافه شدن حقوق کارگران برای یکسال وجود ندارد. چونکه کارخانه قبلاً وابسته به سازمان خدمات اجتماعی بوده و حالا قرار است وابسته به وزارت صنایع و معادن شود.

این مطلب را ما بسیار عصبانی کردیم. یکی از کارگران اعتراض می‌کرد که "هنوز هم مثل همان رژیم سابق است، هیچ چیز تغییر نکرده است." یکی دیگر می‌گفت: "منظورشان این است که تا یکسال دیگر خفه خون بگیریم." ما تصمیم گرفتیم دست به کم کاری بزنیم.

همانروز، بعد از صحبت آقای حسن پور، چند نفر نامه ای در محکم کردن کارگران برش‌کار و کم کاری نوشتند و از همه ما خواستند که آنرا امضا کنیم. ولی از ۲۰۰ نفر فقط ۱۶ نفر آنرا امضا کردند.

وقتی که این تیر طرفداران کارفرما هم به سنگ خورد، آنها سعی کردند تا با تهدید و دروغ پردازی کارگران را وادار به امضا نامه کنند که آن هم مؤثر واقع نشد. به‌صورت با هیچ وسیله ای نتوانستند ما را فریب دهند. و در نتیجه در روز یکشنبه، هفته بعد، اعلام کردند که حقوق‌ها افزایش یافته است. برای حقوق‌های ۹۰۰ تا

کارگران از امکانات این برخورداری نیستند. برای یک گروه عظیم ۲۵۰۰ نفری کارگران کارفرما حتی یک آمبولانس نیز اختصاص نداده است.

کارگران کارخانه یکبار در آذرماه سال گذشته، در زمان دیکتاتور پهلوی برای گرفتن اضافه حقوق و مزایا، حق مسکن، حق خوارسار، و حق سرویس رفت و آمد، دست به یک اعتصاب ۱۷ روزه زدند. علیرغم پیروزی- هائی که کارگران با این اعتصاب بدست آوردند، وضع کار و زندگی آنها همچنان طاقت فرسا و شاق بوده است.

کارگران کارخانه در مقابل سودجویی‌های عظیم کارفرما و شرایط زندگی فلاکت بار خود راهی جز مبارزه نمی‌بینند. کارگران این کارخانه که قسمتی از خواسته‌هایشان را با اعتصاب تیر ماه بدست آوردند، مصمم به ادامه مبارزه برای کسب سایر خواسته‌هایشان و بهبود وضع

۱۰۰۰ تومان ۳۰ درصد، برای حقوق‌های ۱۰۰۰ تا ۱۱۰۰ تومان ۲۰ درصد و همین-طوره بدین ترتیب اکنون هستند کسانی که ۴ سال در کارخانه کار کرده‌اند و فقط ۹۰۰ تومان اضافه حقوق گرفته‌اند. بدینوسیله می‌خواهند بین کارگران جدید و قدیم نفاق را دامن بزنند تا از اتحاد آنان برای مطرح کردن و مبارزه بدور خواست‌هایشان جلوگیری کنند.

کارگران کماکان اظهار ناراضی می‌کنند. ما خواستار تعطیل شدن پنجشنبه‌ها هستیم متأسفانه هیچ نوع سند یگانی در این کارخانه وجود ندارد تا ما خواسته‌هایمان را مطرح کنیم. شورائی هم که در کارخانه وجود دارد کاملاً تحت کنترل کارفرما است. در این شورا هیچ نوع آزادی برای ابراز خواست-هایمان وجود ندارد.

ما کارگران که چندین سال است در این کارخانه مشغول به کار هستیم نگر می‌کنیم. تنها راهی که خواست‌هایمان برآورده می‌شود از طریق مبارزه توسط سازمان‌های متشکل خودمان خواهد بود که تحت کنترل تمام کارگران باشد. تا با اتحاد بین کارگران قدیم و جدید، زن و مرد همه بتوانیم مسائل خود را در محیطی عاری از ترس و تهدید حل و فصل کنیم.

زندگی خود هستند. مهمترین خواسته‌ای که اکنون کارگران در مقابل خود می‌بینند، تقلیل ساعات کار به ۴۰ ساعت در روز می‌باشد.

در این مبارزات کارگران بیشتر و بیشتر اتحاد و همبستگی در داخل صفوفشان علیه کارفرما را ضروری می‌بینند. کارگران در گذشته دیده‌اند که چگونه کارفرما وعاملش سعی کرده‌اند با ایجاد تفرقه بین کارگران، بازدن برچسب‌های "کمونیست"، "ضد انقلابی" به کارگران مبارز، جلوی همبستگی و اتحاد آنها را بگیرند.

برای مبارزه با این نفاق فتنی‌های کارفرما، یکی از خواسته‌های کارگران کارخانه این است که شورای کارگران از مبارزات برحسب کارگران دفاع کند و برای تحقق خواسته‌های آنها، دست به مبارزه با کارفرما بزند.

کارگران کارخانه پوشش در گیلان

برای ۴۰ ساعت کار در هفته مبارزه می‌کنند

کارگران زن و مرد کارخانه پوشش واقع در ۲۰ کیلومتری جاده رشت - انزلی، در روزهای ۱۰ تا ۱۶ تیر ماه دست به یک اعتصاب موفقیت آمیز زدند.

خواسته‌های اساسی کارگران در این اعتصاب بدین شرح بود: (۱) دریافت حقوق‌های عقب افتاده از فروردین ماه ۱۳۵۸،

مرکز پخش

ادبیات سوسیالیستی

کتاب، نشریات و جزوات
بازنهای فارسی و بین‌المللی

کتابفروشی نشر فانوس

آدرس:

خیابان فرانسه، بن بست لولاگر،
شرکت نشر فانوس، ۱، تلفن ۳۱۹۲۸

ساعات کار: ۹ الی ۱ و ۲ الی ۸ بعد از ظهر



کردستان: چشم انداز مبارزه برای آزادی ملی

مصاحبه با يك سوسیالیست انقلابی کرد



اینها بر پایه یک روستا و با چند روستا متشکل شده‌اند و آنها تمرکز سراسری هم یافته‌اند؟
فعلا اینطوری است که ۱۰، ۱۵ یا ۲۰ ده نزدیک به هم در یک ده نسبتاً مرکزی و بزرگ، جمع می‌شوند و شورای این ۱۵، ۲۰ ده را تشکیل می‌دهند و این شورا امور داخلی این دهات را انجام می‌دهد و افراد مسلح این دهات هم باید از این شوراها تبعیت بکنند برنامه هست که این شوراها را که هر ۱۵، ۲۰ ده را نمایندگی می‌کنند، در آینده در یک شورای سراسری و بزرگ متحد بشوند.

گارگر: پس می‌توان گفت که این شوراها بازوهای مسلح خودشان را هم دارند که تحت کنترل شوراها است و اساساً امنیت مناطق را تحت کنترل خودش گرفته است.

بله شوراها دارند در این جهت تقدم می‌گذارند. شورا از دهقانانی که مسلح هستند خواسته که به عنوان بازوی مسلح شورا عمل بکنند و نیروی مسلح را در اختیار شوراها بگذارند و متحداً عمل بکنند.

گارگر: بهدایشی و گسترش این شوراها از چه دوره‌ای آغاز شد؟ آیا این تشکلات چیز جدیدی است و آیا این نمونه‌ها توجه روستاهای دیگر را در مناطق دیگر بخود جلب کرده است؟

این شوراها دقیقاً وقتی درست شد که مالکین و عشایر حمله به دهقانان را شروع کردند و پس گرفتن اراضی را مطرح کردند. دهقانان از این ترسیدند و البته چون قبلاً سازمان سیاسی‌ای نبود که دهقانان را متشکل بکند و دهقانان به آن اطمینان داشته باشند. این بود که یک خود آگاهی در بین دهقانان رشد کرد و دهقانان به سرعت به طرف تشکل رفتند. البته نیروهای سیاسی هم در این کار درگیر شدند. از آن موقع این شوراها دهقانی به عنوان وزنه‌ای در مقابل حمله اربابان ایجاد شد.

گارگر: یعنی در حقیقت شوراها بعنوان سازمانهای متشکل کننده، تضادها را در مقابل حملات زمینداران بوجود آورد و گسترش پیدا کرد؟

بله در وقتی که این شوراها می‌خواستند درست بشوند در هر ده که تشکل می‌شد بدون استثنا زمینداران و مرتجعین محلی افراد مسلح خود را می‌فرستادند تا جلوی این تشکلات و برپا شدن جلسات شوراها را بگیرند. ولی در مقابل این حملات، از شوراها و از دهات دیگری در منطقه جاهانی که حتی شورا هم وجود نداشت، مردم مسلح به کمک شورای تحت حمله می‌آمدند و مسلحانه از ایجاد شورا پشتیبانی می‌کردند. تقریباً در همه مواقع این شوراها که بوجود می‌آمدند پشتیبانی مسلحانه دهقانان و نیروهای سیاسی را پشت سر داشتند.

تعرض نیروهای زمینداران بزرگ و مرتجعین محلی قرار گرفته‌اند. این مرتجعین و زمینداران بزرگ می‌خواهند حتی اصلاحات ارضی نیم بند زمان شاه را هم به هم بزنند و سیستم ارباب رعیتی را به آن شکل سابق زنده بکنند و از دهقانان مشخصاً از هر ده قسمت دو قسمت بهره مالکانه می‌خواهند. ولی دهقانان نه تنها میخواهند زمین هائی را که بدست آورده‌اند حفظ کنند، بلکه برای کسب زمینهای بزرگ دیگر هم که دست نخورده باقی مانده مبارزه می‌کنند. از این نظر مبارزه سیاسی در دهات بشدت رشد کرده است.

گارگر: می‌توانید چند نمونه از این مبارزات در روستاها را ذکر کنید؟

یک نمونه اش مسلح شدن زمینداران مرتجع در مناطق عشایری "شکاک"، "مرگور"، "برگور" و "برادوست" است. در این مناطق اینها به دهقانان اولتیماتوم داده‌اند که باید بهره مالکانه بدهند و گفته‌اند که اصلاحات ارضی را بهم خواهند زد و عده زیادی از خانواده‌های دهقانان این مناطق را بیرون کردند. حالا این خانواده‌های دهقانان در نزدیکی رضاییه در چادر زندگی می‌کنند و وضع بسیار بدی دارند و هنوز نتوانستند برگردند و دولت هم برای برگرداندن اینها هیچ اقدامی نکرده است.

گارگر: ماهیت این نیروهای عشایر چیست؟ چه کسانی آنها را متشکل می‌کنند و از چه طبقاتی می‌آیند؟

اینها زمینداران و مرتجعین محلی هستند و همگی وابسته به رژیم سابق بودند. حال که رژیم برگشته لباس اسلامی پوشیده‌اند و اکثر نام کمیته‌هایشان را کمیته‌های عشایر اسلامی یا کمیته اسلامی می‌گذارند و با دولت و جناح‌هایی از هیئت حاکمه در ارتباط هستند و مقداری هم اسلحه و نیرو دریافت می‌کنند.

گارگر: در نمونه‌هایی که مثال زدید نمونه‌هایی هم هست که عکس این جریان باشد؟ یعنی اینکه دهقانان متشکل شده باشند و رفته باشند تا زمین‌های خود را پس بگیرند؟
بله. در مناطق اطراف مهاباد و برکان عکس اینرا می‌بینیم که شوراها دهقانی تشکیل شده و مردم در جاهانی که زمینداران ده و ارباب آن ده با شوراها عشایر در تماس بوده و ادعاهایی داشته‌اند، اربابان را از ده بیرون کردند و در خیلی جاها زمین‌های اربابان را کاشته‌اند و با محصول آنان را بریده و جمع‌آوری کردند و بین خودشان تقسیم کردند. این شوراها دهقانی دارد سرعت رشد پیدا می‌کند و متشکل می‌شود. مخصوصاً در اطراف برکان، مهاباد و سنقر.

دهقانان برای مقابله با مالکین مسلح می‌شوند

گارگر: این شوراها دهقانی به چه نحوی متشکل شده‌اند؟

مربون و برای حمایت از مرتجعین محلی و زمینداران بزرگ شدت بسیار به ای یافته است. از طرف دیگر آغاز بسیج دهقانان فقیر کرد برای مقابله با حملات مسلحانه زمینداران بزرگ و نیروهای انتظامی طرفدار آنان، به انقلاب در کردستان ریشه و عمق بسیار به ای بخشیده است.

برای پی بردن به آنچه که در این مدت ۵ ماهی که از قیام بهمن ماه می‌گذرد، در کردستان رخ داده، و برای آگاهی از مبارزه ملی خلق برای آزادی ملی و سازمان‌ها و تشکلات این مبارزه و چشم انداز این مبارزه، با یکی از سوسیالیست‌های انقلابی کرد که از نزدیک با وقایع اخیر کردستان آشنا است، به گفتگو نشستیم. آنچه در زیر می‌آید نتیجه این گفتگو است.

هشیاری سیاسی خیلی کمک کرد و مردم را نسبت به جمهوری اسلامی و ماهیت جمهوری اسلامی در قبال، خواست‌های خلق کسود بیشتر آگاه کرد.

در مورد نفعه که یک جنگ ناخوسته و تحمیلی بود جنگی بود بین شیعه و سنی و کرد و ترک و جنگی بود که مرتجعین محلی آنرا برپا انداختند. و باعث تأسف همه آزاد یخواهان کرد و ترک شد. ولی حالا بعد از همه این حوادث به نظر من مبارزه رشد کرده، همبستگی ملی حکم تر شده است آگاهی ملی رشد کرده و مردم بسیاری خواست‌های ملی حالا از هر وقت دیگری آماده تر هستند و پانشاری بیشتری برای احقاق حقوقشان می‌کنند.

شورای دهقانی

گارگر: از آنجا که اکثریت جمعیت کرد را دهقانان تشکیل می‌دهند که البته اکثریت دهقانان خوشنشین هستند یعنی بدون زمین هستند، در این مدت پنج ماه که از گسترش مبارزات می‌گذرد چه مسائل اساسی در بین دهقانان مطرح شده؟ مقصود مسائل اساسی در رابطه با حق خودمختاری، حق تعیین سرنوشت در رابطه با خواست‌های طبقاتی اکثریت مردم کرد یعنی دهقانان است. همچنین چه مسائلی در رابطه با دموکراسی در رابطه با بهوند انقلاب کردستان با مابقی انقلاب ایران مطرح شده است؟ از نظر طبقاتی آنچه که بطور اساسی مطرح است خواست‌های دهقانان است. دهقانان زمین می‌خواهند و دهقانان بهبود شرایط زندگی خودشان را می‌خواهند. البته اکثریت دهقانان سرنوشتی رژیم شاه و بوجود آمدن یک جمهوری را بمنزله بهبود سطح زندگی خودشان تلقی می‌کنند. حالا به نظر من دچار کمی یأس شده‌اند چون تنها چیز تازه‌ای کسب نکرده‌اند بلکه مورد

در طی چند هفته گذشته، وقایع کردستان در صدر اخبار بوده است. رسانه‌های جمعی تحت کنترل دولت و اغلب جراید سرمایه داری از بازگفتن حقایق مربوط به مبارزه مردم کردستان برای دستیابی به آزادی ملی امتناع کرده‌اند. از طرف دیگر دولت با تشدید تبلیغات زهرآگین خود علیه بازبین کرد و سازمانهای سیاسی آنان، علناً حمله نظامی به کردستان را تدارک می‌بیند. در مقابل مبارزه دهقانان بی چیز کرد علیه اربابان و زمینداران بزرگی که در صدد ابقا موقعیت خود و تحکیم نظام برده و وارگشته در روستاها هستند، نیروهای انتظامی و پاسداران اعزامی از شهرهای مختلف را برای برآه انداختن برادر کشی جدیدی در کردستان آماده می‌کنند. این تدارکات و حملات بسا تهاجم پاسداران و نیروهای انتظامی به

گارگر: بهر کلی اوضاع کردستان را در چند ماهی که از قیام بهمن ماه و سرنوشتی سلطنت می‌گذرد، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بعد از پیروزی قیام بهمن ماه مبارزات در روستا رشد یافت و خیلی وسیع شد و مبارزین کارعلنی را شروع کردند و مسائل سیاسی و مسائل مربوط به امور ملی خلق کرد مسائل مربوط به آزادی و دموکراسی بطور وسیعی پیش شد و طرفدار پیدا کرد و بدنبال آن جمعیت‌ها و گروه‌های سیاسی پیدا شدند. این یکطرف نیروهای ملی بسیاری خواست‌های ملی و برای آزادی در ایران و از طرف دیگر نیروهای ارتجاعی جمع شده‌اند که به اسم کمیته‌های اسلامی و کمیته‌های عشایر کار می‌کنند و مخالف جنبش آزادی خواهان خلق کرد هستند.

گارگر: در این چهار ماه یا پنج ماهی که از ظنیان مجدد جنبش ملی خلق کرد می‌گذرد دو واقعه مهم توجه تمام ایران را بخود جلب کرد یکی واقعه سنندج بود و دیگری نفعه. بعد از این حملاتی که برخی از طرف نیروهای ارتشی و برخی از طرف نیروهای دست راستی صورت گرفت، اوضاع کلی جنبش و سطح مبارزه در کجا می‌ایستد؟ جنبش خلق کرد چه نوع تجربیاتی از این مبارزه کسب کرده است؟

البته وقایع سنندج و نفعه از نظر ماهیت باهم اختلاف داشتند. واقعه سنندج اولین برخورد توده‌های مردم با ارتش اسلامی و با نیروهای نظامی دولت مستوقت بازرگان و اولین بمباران یکی از شهرهای کردستان توسط نیروهای ارتش اسلامی بود. مردم در کردستان یکبارچه از سنندج دفاع کردند و از اقصی نقاط کردستان غذا و لباس برای مردم سنندج آوردند. در طی جریان سنندج حس همدردی و حس همبستگی ملی بسیار ارتقا یافت و به نظر من به رشد

مردم و شوراها و ایجاد شوراهای دهقانی چیست؟
عسکری ملحق به مختلف است، نیروی سیاسی مترقی و آزاد بخواد و طبقات زحمتکش شهر از ایجاد شوراهای ده پشتمینی می‌کنند. اصولا باید در نظر گرفت در سالهای اخیر که شهرهای کردستان وسعت پیدا کرده اند در این شهرها طبقات زحمتکش که بوجود آمدند همگی از دهات بودند و ارتباط نزدیک با ده دارند. هر حمله به دهاتی‌های زحمتکش و بی زمین و یا زمین دار کوچک در واقع حمله‌ای است به این طبقات زحمتکش شهرنشین که خودشان د بیروز از ده آمده اند حالا هم در ده یا زمین دارند یا خانواده و فامیلشان در ده باقی مانده اند. زحمتکشان شهر شیدا از شوراهای دهقانی پشتیبانی می‌کنند.

گارگر: ولی آیا تحولات مشابهی با آنچه که در روستاها دارد بوجود می‌آید در شهرها هم چشم میخورد؟ مقصود احزاب سیاسی و نیروهای سیاسی مشخص نیست، بلکه سازمان‌های توده‌ای است.

در شهرها این سازمان‌ها در حالت جنبینی است. اتحادیه بیگاران در شهرها که معمولاً زحمتکش‌ترین افراد هستند، اتحادیه مناطق فقیرنشین و غیره. خواست‌های ایمن تشکلات خیلی مشخص است، از قبیل اینکه در مناطق فقیرنشین آب لوله‌کشی ندارند برق ندارند و خیلی از آنها که بیگانه هستند نمی‌خواهند پول آب و برق را بدهند و بدور این شعارها جمع شده اند.

حمله به شهر بانی مهاباد، تظاهرات سقز و آوارگان قنده

گارگر: یک سؤال می‌خواستم بکنم در رابطه با واقعه حمله به شهر بانی مهاباد که در ایام روزنامه‌های کشور خیلی در این رابطه صحبت کردند. اصل قضیه چه بود؟ حادثه مهاباد در واقع به آن بزرگی و اهمیت سیاسی نبود که نشان داده شد. هم روزنامه‌ها و هم رادیو و هم بیروزاری خود مهاباد (تاجرهای) این را بزرگتر از آنچه هست نشان دادند. عدای از اوباش و چاقوکشان در حالت مستی در حالی که مسلح هم بودند به شهر بانی حمله کردند و البته عمل آنها را همه مردم تقبیح کردند و محکوم کردند ولی آنطوری که من حس می‌کنم هم رادیو و دلتی و هم بیروزاری شهر سعی کردند از آن بهره برداری سیاسی بکنند و آنرا مقدمه بکنند برای یک اقدام سیاسی و بدور شعار اینکه امنیت نیست و شهر بانی باید برگردد و مستقر شود. در حالیکه در آن شرایط مسائل مهمتری مطرح بود مثلاً قیام دهقانی علیه عساکر، در منطقه اطراف مهاباد و سردشت. مسئله حمله به شهر بانی اهمیت زیادی نداشت و مهاجمین دستگیر و زندانی شده اند ولی با این کار دولت می‌خواست نشان بدهد که ناامنی هست. پلیس قوی با تعداد نفرات ضروری است و تاجرهای و شهر بانی می‌خواستند نشان بدهند که ناامنی هست پلیس قوی ضروری است.

گارگر: آیا میتوان از نقطه‌بندی‌هایی که بر سر مسئله حمله به شهر بانی و اتفاقات مشابهی که در شهرها پیش آمده نتیجه گرفت که همزمان با گسترش مبارزات دهقانان ما شاهد یک تفکیک طبقاتی در جنبش کردستان هستیم؟ بله این تفکیک در شهرها مطرح است و در دهات نیز کاملاً مشخص شده است، زمین-داران مترجم و مالکین سابق و طرفداران رژیم سابق همه متحد هستند و مترجمین مذ هبی به طرفی رفتند و نیروهای دیگر در طرف دیگر قرار دارند.

گارگر: می‌خواستم در مورد تظاهرات سقز سؤالاتی بکنم که مدتی پیش صورت گرفت، چه نوع خواسته‌هایی داشت و چقدر وسیع بود؟
خواست مردم سقز، در واقع تقریباً علیه

محمد صدیق خان جاف بود که یکی از زحمتکین اتحاد به عشایری منطقه است. ایمن محمد صدیق خان جاف خود ش کرد عراق است و از مترجمین کرد و مالکین دفاع می‌کند و چون نزدیک سقز است دالما امنیت سقز را آزادی گروهها و سازمانهای سیاسی سقز را مورد تهدید قرار می‌دهد و به بهانه اینکه از نیروهای اسلامی طرفدار جمهوری اسلامی دفاع می‌کند در شهر ناامنی ایجاد می‌کند. مردم سقز، علیه محمد صدیق خان جاف و اصولاً علیه اتحاد به‌های عشایری و نیروهای مترجم تظاهرات کردند.

گارگر: یک مطلب دیگر که در روزنامه‌ها یک مقدار اطلاعات و اخبار در موردش طرح شده، آوارگان قنده است، چه تحولاتی صورت گرفته، چه خواسته‌هایی از دولت دارند و چه پاسخ‌هایی از دولت گرفته‌اند؟

متأسفانه مسئله آوارگان قنده هنوز حل نشده است، اینها در مهاباد و بقیه نقاط کردستان هستند و هنوز بزرگشده اند. از طرف دولت اقدامی صورت گرفته است. ولی از طرف خود مردم، هم از طرف نیروهای ترک و هم از طرف نیروهای کرد، فعالیت‌های وسیعی شده که در قنده دوباره کرد و ترک با هم زندگی بکنند مشترکاً زندگی بکنند و با وحدت خودشان در واقع جواب ردی بدهند به تفرقه افکنی و توپنه‌های مترجمین کرد و ترک که می‌خواهند جنگ کرد و ترک در منطقه راه بیاندازند. شیخ عزالدین حسینی مشخصاً خود شیدا دست اندر کار است که این آوارگان را برگرداند و با نیروهای ترک در قنده تفاهم بکند برای اینکه برادران خودشان را قبول بکنند.

گارگر: یک مقدار می‌خواستم مطلب را چرخش بدهیم روی نیروهای سیاسی که در کردستان فعال هستند. احزاب سیاسی مختلف و نیروهای سیاسی حاکم و نیروهای چپ، اساساً جناح سیاسی طرفدار جمهوری اسلامی آنجا چگونه متشکل شده و چه نفوذی دارد؟

جناح طرفدار جمهوری اسلامی از اوایل موفقیت انقلاب تا به حال دالما از نفوذ و قدرتش کم شده است. و مرتب رو به ضعف می‌رود. حالا هم دوران رکود خود را دارد می‌گذراند. این نیروها البته در دو سه مورد حمله‌های وحشیانه‌ای کردند به گروه‌های مترقی، به گروه‌های چپ و زیر پوشش حمله به کمونیست، خدانشناس، کاباره‌روها و غیره. و از جمله اینکه به کتاب‌فروشی‌ها هم حمله کردند. البته اینها در این کارهای خود موفقیتی پیدا نکردند. باید در اینجا به نقش مثبت شیخ عزالدین که در مقابل آنها با مقاومت ایستادگی کرد و این موج ارتجاع دلهی را آرام کرد اشاره ای بشود. ولی حالا ایمن نیروها مقدار زیادی از قدرت خود را از دست داده اند و در حالت تدافعی ای رکود بسر می‌برند، اکثراً این نیروها از ملاهای مترجم که سابقاً نیز با رژیم بوده اند و از زمینداران مترجم، از خوانین محلی و تاجرهای بزرگ تشکیل شده بود.

گارگر: پایگاه‌های اصلی این نیروها در کدام شهرهاست؟ می‌توان گفت که پایگاه اصلی آن‌ها در سنندج است. چون آنجا از همه جای دیگر قوی تر هستند. و علت اینهم وجود احمد مفتی زاده در سنندج است. ولی در همه شهرهای دیگر کردستان، در زیر نام‌های مکتب قرآن گروه‌هایی هستند که کار می‌کنند و همانطور که گفتیم به شدت رو به ضعف می‌روند. یک علتش اینست که در این گروه‌ها و یا کمیته‌ها عناصر بسیار بدنامی فعالیت می‌کنند و نفوذ و اعتبار خیلی کمی در بین مردم دارند و آنهم بسرعت رو به تحلیل است.

جمهوری اسلامی و خودمختاری

گارگر: این نیروها قبلاً وعده می‌دادند که جمهوری اسلامی

بسیاری از حقوق خلق کرد را به آنها خواهد داد. بعد از انتشار قانون اساسی و اعلام اینکه مذهب رسمی ایران شیعه اثنی عشری است و در حالیکه قانون اساسی در مورد ملیت‌های تحت ستم هیچ صحبتی نمی‌کند، عکس‌العمل توده مردم به این نیروها چه بوده و خود این نیروها دچار چه نوع بحرانی شده‌اند؟

پخش قانون اساسی در خود کردستان بزرگترین ضربه را به نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی وارد آورد، و حربه بسیار مؤثری بود در دست نیروهای ملی و آزاد بخواد کرد. نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی ادعا می‌کردند که در جمهوری عدل اسلامی مسئله ملی حل خواهد شد و همه خلق‌های ایران حقوق خود را بدست خواهند آورد و از نظر مذهبی نیز دیگر ستمی بر ملیت‌ها روا نخواهد شد و مذهب شیعه و سنی برابر خواهد بود و مذهب رسمی ایران اسلام خواهد بود. شیعه شیعه. پخش قانون اساسی نشان داد که همه این تبلیغات دروغین بوده است، نشان داد که چگونه جمهوری اسلامی حق ملیت‌های ستم‌دیده را نخواهد داد و نشان داد که جمهوری اسلامی در مورد مسئله ملی و حتی تساوی مذهب در ایران چه نظری دارد. این خریه بزرگی بود که از نظر تبلیغاتی بر طرفداران جمهوری اسلامی وارد شد و از نفوذشان بیشتر کم شد. از طرف دیگر ایمن نیروها از درون خودشان دچار بحران شده اند چرا که افراد صادقی هم بودند که بعنوان اینکه طرفدار اسلام هستند به این گروه‌ها پیوسته بودند. اینها حالا دچار سرگردانی هستند، دچار تشویش فکری هستند و دارند از این جناح‌های افراطی اسلامی جدا می‌شوند. اعتراض احمد مفتی-زاده به این پیش نویس قانون اساسی نشانه‌ای از این است که این نیروها چقدر تحت فشار مردم هستند.

گارگر: بقایای نیروهای طرفدار بازرانی (قیاده موقت) در کردستان در این چهار ماه گذشته اساساً چه نفوذی داشتند چه نفتی باقی کردند و الان چکار می‌کنند؟ برای اینکه مسئله را بهتر بفهمیم باید به ریشه مسئله برگردیم، اصولاً قیاده موقت در واقع آن چیزی که از طرفداران بازرانی و سازمان تملاشی شده آن باقی مانده سازمانی است دست نشانده اجبر و مزدور. وقتی که بازرانی جنبش کردستان را تسلیم شاه کرد، نه تنها خودش تسلیم شد، بلکه صد هزار نفر از پیش‌مرگان را خلع سلاح کرد و مانع شد که اسلحه‌ها در کردستان پخش بشود و گفت باید آنرا به ارتش ایران تحویل بدهید.

پس از شکست جنبش کردستان اصولاً دیگر بنفع امپریالیست‌ها و رژیم ایران نبود که جنبش کرد دیگری بوجود بیاید و نظارش را هم نداشته باشد. ولی بحرانی که خود رژیم ایران با آن روبرو شد و رژیم بعثی عراق به آن روبرو شد و عدم اطاعت کرد‌های عراق از برنامه بازرانی و اینکه کرد‌های عراق علی‌رغم رهبری دوباره می‌خواستند به مبارزه کشیده بشوند و دست به مبارزه بزنند، باعث شد که در کردستان عراق اتحادیه میهن پرستان کردستان به رهبری طالبانی بوجود بیاید. در این لحظه بود که نیروهای مترجم منطقه و امپریالیست‌های برای اینکه کنترل کسار از دستشان بیرون نرود به عنوان وزنه‌ای در مقابل جنبش کرد‌ها به نام قیاده موقت حزب دموکرات کرد‌های عراق را درست کردند. این سازمان قیاده موقت در بعضی جاها مثل اروپا در بین دانشجویان می‌گوبید که مارکسیست-لنینیست است و در بین مردم عشایر جزء گروه‌های سنت گراست. و در بین نیروهای مسلمان اسلامی است. اصولاً سازمانی است مترجم، مزدور و درست شده در ایران. باید بدانیم که این سازمان در شرایط حقیقتان رژیم شاه تشکیل شده. رهبران این سازمان مشخصاً همان افرادی هستند که در رهبری سازمان بازرانی قرار داشتند و خصوصاً

افراد هی هستند که مسئولین سازمان "پاراستین" بودند. سازمان "پاراستین" شعبه‌ای بود از ساوک و عراق. "پاراستین" یعنی امنیت. این سازمان امنیت بازرانی بود. اول که این قیاده موقت تشکیل شد، فعالیتش در بیرون از ایران بود، در اروپا علیه اتحادیه میهن پرستان کردستان و در قسمت‌های مرزی ترکیه. بعد از انقلاب اینها با جمهوری اسلامی ساختند. اکنون مرکزشان در عظیمه کرج است و خودشان بوسیله نیروی ارتش ایران حمل و نقل می‌شوند. بازرانی که طرفدار شاه بود و ده سال دوست شاه بود جسدش را از آمریکا آوردند ایران و با هلیکوپتر ارتشی از تهران به کردستان منتقل کردند که آنجا از او تشییع جنازه بشود.

حالا مشخصاً این قیاده موقت در کردستان عملاً و مسلحانه از زمینداران و از مترجمین محلی، و از خوانین مترجم وابسته به رژیم سابق حمایت می‌کند و تا حالا دوبار در رضایه با آیت‌الله حسینی و با مسئولین پادگان رضایه ملاقات کرده اند و به کردستان آمده‌اند و اسلحه پخش کرده اند در بین مترجمین محلی و زمینداران مترجم و نیروهای ضد کردی در آن منطقه و عملاً در مقابل نیروهای ملی و قیام‌های دهقانی قرار گرفته اند.

این را هم اضافه بکنم که هیچ تظاهرات توده‌ای در کردستان، در شهر و در ده نیست که از خواست‌هایشان طرده قیاده موقت نباشد. و در دو خواسته ۸ ماده‌ای مهاباد هم که به دولت تقدیم کردند، خواسته‌اش اینست که قیاده موقت خلع سلاح شود و از کردستان طرده بشود. البته باید در نظر گرفت که مردم مخالف خانوارهای آواره کردستان عراق در ایران نیستند و آنها را با آغوش باز می‌پذیرند. برای اینکه همه کرد‌های عراق که به ایران پناهنده شده اند طرفدار قیاده موقت نیستند. قیاده موقت آن نیروی سیاسی مترجم و مسلح وابسته به خانوادۀ بازرانی و رهبران مترجم جنبش گذشته هستند.

حزب دموکرات کردستان

گارگر: بعد از قیام بهمن ماه یک عده از رهبران کردستان که در اروپای شرقی در تبعید بودند به ایران بازگشتند و حزب دموکرات کردستان را دوباره فعال کردند. حزب دموکرات کردستان چه نوع فعالیت‌ها و نفوذی دارد و در چه شهرهایی بیشتر نفوذ دارد و چگونگی عملیاتی را انجام می‌دهد؟

حزب دموکرات کردستان برای ۳۰ سال تنها حزب سیاسی در کردستان بوده و اصولاً تصور مردم نسبت به حزب دموکرات کردستان در واقع مبارزه سیاسی برای حقوق ملی می‌باشد و حزب دیگری نبود. باید در نظر گرفت که حزب دموکرات کردستان بیش از هر چیز یک پرچم و یک سمبل است که بسیاری از مردم در آن جمع شده اند ولی تشکیلات مشخصی ندارد بسا ضوابط و قواعد مشخص خودش. این را باید در نظر داشت که همه کسانی که وابسته به حزب هستند در واقع در یک شرایط مشخص نیستند. یک هاله وسیعی است از مردم که تقاضای حقوق ملی دارند. حزب دموکرات کردستان دوران مختلفی را داشته است، دورانی که فعالیت وسیع در دهات داشته دورانی که رهبری اش به عراق پناهنده شده دورانی که در زیر ضربات رژیم ایران حدود پانصد تن ششصد نفر از اعضای زندانی شده و تضعیف شده است.

همیشه دو خط در رهبری اش بوده، یک جناح ملی یا ناسیونالیست بوده که مخالف رابطه بسیار نزدیک رهبری با حزب توده بوده و یک جناح دیگر بوده که برعکس معتقد بوده که رهبری حزب باید در رابطه بسیار نزدیک با حزب توده باشد و در همین حال باید مستقل کار بکند. بعد از شکست حزب توده در ۲۸

مرداد مخصوص بعد از کشف سازمان آسری، آن جناح ملی یا آن جناح ناسیونالیست که مخالف رابطه شدید با حزب توده بود و می‌ترسید از لحاظ امنیتی هم حزب زهری به بخورد، غالب شد. رهبری که فعلا از مهاجرت به ایران برگشته تقریباً تمام اعضای کمیته مرکزی اش را مهاجرین تشکیل می‌دهند. این رهبری در کنگره سوم انتخاب شده است و آن موقع و در آن شرایط البته این رهبری برای رهبری اوضاع انقلابی نبود برای رویارو کردن کار مهاجرین سیاسی ایران در خارج از ایران بود. در نتیجه این رهبری وقتی به ایران آمد ضعف بسیار زیادی از خود نشان داد. و اصولاً مسائل مختلف سیاسی از قدرت و از ظرفیت این رهبری خارج بود و خارج هست.

گارگر: این رهبری چه نوع سیاسی دارد؟ آیا استالینیست است؟

این رهبری هنوز همگون نیست ولی از نظر شیوه کارش و شیوه زندگی حزبی‌اش می‌شود گفت استالینیست است. از این نظر که اصولاً زندگی سیاسی حزبی را در واقع فلاح کرده اند و همه کارها در بالا انجام می‌گیرد. می‌شود گفت که شیوه‌های استالینیستی بکار می‌برند و این شیوه‌ها را از حزب توده با خودشان آورده اند.

حزب دموکرات و سیاست سازش طبقاتی

گارگر: این رهبری اصولاً چه برنامه‌ای را پیشنهاد می‌کند و در عمل در این دو سه ماه اخیر به چه نوع کارهایی دست زده و در مبارزاتی که درگیر بوده چه برنامه‌ای را پیش کشیده است؟

حزب دموکرات کردستان وقتی که به ایران آمد و به علت آنکه در کردستان خلا سیاسی بود و سازمان سیاسی قوی و وسیعی نبود و این حزب از سنت و اسم برخوردار بود، عدّه زیادی دورش جمع شدند. رهبری حزب برای اینکه به وسیع‌ترین سازمان در کردستان تبدیل شود بسبب این افراد را قبول کرد. در نتیجه عدّه زیادی از افراد ناپاب و ناصالح، مرتجع و وابسته به رژیم سابق و افرادی که در دوران رتجایی مبارزه نکرده اند به این حزب جلب شدند. چرا که گروه‌های سیاسی کوچک چپ افراد روشنفکر انقلابی را جذب کرده بودند به خودشان، و حزب در کردستان در این چند سال کار نکرده بود. بیشتر نفوذ حزب در دهات بود و آنجایی هم که نیروهای چپ کوچک نفوذ داشتند افراد پیشرفته و آگاه‌تر را گرفته بودند. این است که عدّه زیادی افراد با آگاهی سیاسی کمتر و با روحیه مبارزه جزئی کمتر و محافظه کارتر در این حزب جمع شدند و هرچه بیشتر حزب را به سمت راست‌گشاندند. حتی بیشتر از آنکه خود رهبری انتظار داشت این امر باعث شد در این سه چهارماه همیشه حزب دموکرات کردستان در وقایع و حوادثی که اتفاق افتاد و در جریان مبارزه طبقاتی و اختلافات بین دهقانان و مالکین همیشه در جناح راست و محافظه کار قرار گرفته و ضربات زیادی در این رابطه دیده است.

گارگر: مشخصاً در رابطه با وجود آمدن شوراهای دهقانی و مبارزات دهقانان برای تصرف زمین و جلوگیری از تصرف مجدد زمین مالکین گذشته، موضع حزب دموکرات و عملیاتش چه بوده است؟

حزب دموکرات کردستان موضعش این بوده که، از دهقانان پشتیبانی نکرده و موضع محافظه کارانه و سکوت را داشته و همیشه وقتی که نیروهای چپ و جمعیت‌ها این مسئله را عنوان کرده اند و فشار آورده اند در تحت فشار آنها، اعلامیه‌های خیلی شل و خیلیسی د و پهلوانی داده. در مجموع می‌توان گفت که از مبارزات دهقانی و از مبارزات زحمتکش‌ان در ده دفاع نکرده و بالعکس شدیداً و علناً

در اعلامیه‌های متعدد سازش طبقاتی و یعنی سازش با مالکین ارضی، سازش با نیروهای مرتجع در شهرها را به عنوان "وحدت ملی" و در زیر پوشش "وحدت ملی کردی" مطرح کرده و از این لحاظ هم بنظر سن از وجهه و نفوذش در بین نیروهای چپ کم شده و حزب بیشتر بطرف راست رفته.

گارگر: در بین توده‌های دهقان نیز نفوذ کم شده است؟ بله در بین توده‌های دهقان هم که اوایل امید زیادی به این حزب داشتند از نفوذش کم شده. کافست اشاره بکنیم که این حزب با آنکه از نظر سنت و اسم از همه گروه‌های دیگر در دهات بیشتر نفوذ داشت ولی پیشگام برای شوراهای دهقانی نشد و نباله رو بود و هرچا که دهقانان می‌خواستند شوراهای دهقانی درست بکنند برخورد انحصار طلبانه پیش گرفت. دید او از شورای دهقانی سازمان دهقانان وابسته به حزب دموکرات کردستان است که وسیله ای باشد برای سازش و اشاره به این بکنم که در این حوادث اخیر طغیان دهقانی در منطقه "منگور" و در منطقه "تازوقلمه" و "آید"

این جمعیت‌ها به درجه بسیار بالا در شهرهای کردستان بوجود آمده اند و اکثر این جمعیت‌ها هم از نظر برنامه و هم از نظر عمل در طرف چپ حزب دموکرات کردستان قرار دارند و اکثر نیروهای روشنفکر چپ در شهرها را به خود جلب کرده اند. اینها از نظر اسم و از نظر برنامه هنوز متحد الشکل نیستند فقط یک شورای هماهنگی بوجود آورده اند. ولی در نظر دارند که به تدریج به طرف وحدت بیشتر حرکت بکنند. این جمعیت‌ها علیرغم کمبود در برنامه و علیرغم اینکه از نظر اصولی در برنامه شان کمبود است و علیرغم اینکه مرحله انقلاب ایران را مرحله انقلاب دموکراتیک می‌دانند نه انقلاب سوسیالیستی و علیرغم اینکه این جمعیت‌ها از نظر برنامه ای حل مسئله ملی را و حل مسئله زحمتکشان را در چارچوب رژیم دموکراتیک ملی و یا دموکراتیک نوین می‌بینند، باز هم علیرغم همه اینها در جناح چپ حزب دموکرات قرار دارند و در دهات به زحمتکشان و به نیروهای مترقی کمک می‌کنند و آنها را متشکل می‌کنند. در مقابل توطئه‌های مرتجعین

های وسیع توده ای در شهرها باشد. خصوصاً طبقات زحمتکش شهر را در خسود شان بگنجانند. ثانیاً این جمعیت‌ها بصورت حزب واحد درنیايند سازمان‌های وسیع توده ای نظیر شوراهای باشند که در آنجا گروه‌های مختلف کار بکنند و دیدهای مختلف سیاسی حق اظهار نظر و حق بیان داشته باشند و حق آزادی گرایش آنجا وجود داشته باشد و در آن صورت خواهد بود که جمعیت‌ها موفق خواهند بود به سازمان‌های وسیع توده ای مبدل شوند و دچار اصطکاکات درونی هم نشوند و بر سر مسائل تئوریک دچار اختلاف نشوند و بتوانند مشترکاً کار بکنند.

یعنی یک برنامه بصورت جبهه واحد بر سر مسائل مشخص مبارزات عملی با احترام گذاشتن به عقاید مختلف و آزادی گرایش، البته آنطور که من تشخیص داده ام جریان‌ات افتراقی هم هست که نمی‌خواهند جمعیت‌ها اینطور باشند و می‌خواهند جمعیت‌ها را وادار بکنند که یک ایدئولوژی مشخص را قبول بکنند و گرایش مشخصی را قبول بکنند و بقیه



رزمندگان کرد عراقی علیه رژیم بعثی مبارزه می‌کنند.

گرایش‌ها را طرد بکنند و آن بنظر من راه تلاشی جمعیت‌ها است.

گارگر: مثالهای بخصوصی در این مورد دارید؟ مثلاً در مورد اینکه جمعیت‌ها می‌خواستند به یک وحدت برسند که ضروری هم نبود و ضروری هم هست و در شهرهای کردستان از نظر اسم و برنامه متحد شوند، عدای هستند که مخالفند و می‌گویند ما هنوز به وحدت ایدئولوژیکی نرسیدیم. آنها در واقع برنامه شان این است که این جمعیت‌ها به وحدت ایدئولوژیکی برسند یک سازمان حزب مانند باشد با یک ایدئولوژی مشخص و یک گرایش مشخص هم رهبریش بکند و این با مخالفت اکثریت روبرو شده. ولی مسئله هنوز حل نشده است و هنوز باید بحث بشود. بنظر من نیروهای انقلابی در درون جمعیت وظیفه دارند که بطور فعال در این بحث درگیر شوند و در راه تبدیل این جمعیت‌ها به سازمان‌های وسیع توده ای با آزادی گرایش و آزادی عقاید مختلف در درون آنها.

بیماران هواپیمای عراقی

گارگر: راجع به هواپیمای عراقی و بیماران هواپیمای عراقی به مناطق کرد نشین ایران که خبرهای در رسانه‌های گروهی بطور ناقص درج شد ممکن است توضیحاتی بدهید؟ هواپیمای عراقی مناطقی مرزی را بمباران باران کردند کردستان ایران را بمباران

محلی و توطئه‌های جناح ارتجاعی مذهبی وابسته به جمهوری اسلامی توطئه‌های قیاده موقت و وابستگان مزدور آنها و در افشا و شناساندن این نیروهای مرتجع نقش مؤثری داشته اند. و این را هم باید گفت که به دهات هم رفتند و در راه سازمان‌دادن شوراها. های دهقانی هم بعنوان نیروهای روشنفکری که از شهر رفته اند نقش مثبتی را اجرا کرده اند.

گارگر: این جمعیت‌ها در تشکیل شوراهای دهقانی چه نقشی دارند و اصولاً چه فعالیت‌هایی در جهت متشکل کردن این شوراها دارند؟

البته در جمعیت‌ها گرایش‌های مختلف و دیدهای مختلف وجود دارد. دیدهای انحصارطلبانه و دیدهای فرقه‌گرائی هم وجود دارد ولی در مجموع تا حالا این جمعیت‌ها از ایجاد شوراهای دهقانی و از ایجاد شوراهای هائی که وابسته به همه دهات باشد دفاع کرده اند. من سراغ ندارم جایی را که آنها خواسته باشند به شیوه حزب دموکرات‌گسار بکنند. البته جریان‌های نادرست و انحرافی در آنها هست جریاناتی که به نظر من اگر جلوگیری گرفته نشود این جمعیت‌ها را دچار بحران‌های درونی خواهد کرد.

یکی از سائلی که بنظر من مطرح است برای این جمعیت‌ها اساسی است، این است که اولاً این جمعیت‌ها بتوانند به سازمان‌های توده ای تبدیل بشوند و یک

که قیام دهقانی علیه عشاری مسلح بود، حزب دموکرات هرچند در این حملات با دهقانان و با نیروهای سیاسی بود و شرکت داشتند و در "آید" نیروی عمده مسلح بود ولی بعداً اعلامیه ای که داد و دهقانان را تشویق به سازش با اربابان و مالکین کرد و از آنها خواست که به روابط مالکیت که در زمان اصلاحات ارضی بوجود آمده دست نزنند. دلایلشان هم این بود که اینکار "همبستگی ملی" ما را بهم می‌زند. و بنظر من این اعلامیه ای که صادر کردند اثر مثبت شرکت آنها در مبارزه را خنثی کرد.

گارگر: خوب شاید علت آنکه در اول طرف دهقانان را گرفتند این بود که آن نیروهای را که آنها داشتند کنترل کنند. حامیانشان در آنجا خود بخود وارد جنگ شده بودند.

این درست است. جناحی که آنجا قدرت دارند از جناحی هستند که معتقدند باید به شورای دهقانی این منطقه کمک کرد.

جمعیت دفاع از زحمتکشان

گارگر: یکی از گروه‌های سیاسی که در کردستان فعالیت می‌کند جمعیت‌های دفاع از زحمتکشان و حقوق ملی کرد است که بعضی جاها بعنوان جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب شناخته شده‌اند. در مورد برنامه و فعالیت‌های این جمعیت‌ها در چند ماه اخیر و چگونگی تشکیل آنها توضیحاتی بدهید؟



جلال طالبانی

است. اعلامیه های همه گروه های سیاسی و همچنین پیام های شیخ عزالدین هم دوستی و علاقه مردم کرد را نسبت به خلق عرب نشان می دهد. مردم کرد قاطعانه از این مبارزات پشتیبانی می کنند. در همین روزهایی که مسئله در خوزستان به آن صورت حاد مطرح شده بود در خود کردستان مسائل بسیار حادی پیش آمد از قبیل مسئله جنگ در منطقه منگور، جنگ در نزدیکی خانه، درگیری های شدید در آنجا و بمباران منطقه مرزی بوسيله عراق، همه اینها، مردم و گروه های سیاسی را درگیر کرده و امکان نبود که تظاهرات وسیعی به حمایت از خلق عرب ایجاد گردد. ولی دوستی و علاقه و بحث هست و اظهار پشتیبانی هم هست. ولی هنوز به صورت مسئله مرکزی در نیامده است. و اینهم بعلمت وجود مسائل بسیار حاد در خود منقلقه کردستان است.

سرمایه داری

قادر به حل مسئله ملی نیست

گاراگر: با توجه به عکس العملی که دولت در مقابل خلق عرب نشان داد و عکس العمل های مشابهی که در کردستان نشان داد، شما برنامه دولت را در مقابل جنبش ملی خلق کرد چگونه ارزیابی می کنید؟
در اوائل انقلاب بودند عده ای از مردم که معتقد بودند جمهوری عدل اسلامی برابری بین خلق ها را بوجود خواهد آورد و حقوق ملی را خواهد داد. در این چهار پنج ماه که از انقلاب می گذرد مرتباً این توهومات دارد کم می شود و مرتباً از نفوذ و اعتبار جمهوری اسلامی در بین مردم کم میشود و جمهوری اسلامی دیگر نه در پرده، مذهب بلکه عربان آنطور که هست بعنوان ارگانی سرمایه داری ایران دارد خودش را نشان می دهد. و مسلماً در شرایط ایران سرمایه داری ایران قادر نیست نه مسئله ملی را حل کند و نه مسئله زن را حل کند و نه مسئله ارضی را حل بکند. و مسئله ارضی در کردستان واقعا خیلی حاد است. ما دیدیم در منطقه "شکاک" و مناطق دیگر دهقانان را بیرون کردند و دولت اسلامی هیچ عکس العملی از خود نشان نداد و با این کبار مقابله نکرد و بالعکس بدوستی با مرتجعین محلی و زمینداران ادامه داد. و حالاً می بینم اشخاصی که با عشار حلی کبار می کنند و از مرتجعین وابسته به جمهوری اسلامی مسلحه می گیرند و مستقیماً به مقابله با دهقانان فقیر برخاسته اند. مثلاً این را در رضائیه بخوبی می شود دید.

نفوذ و اعتبار جمهوری اسلامی و رهبران جمهوری اسلامی روز به روز در مردم کرد دارد کمتر می شود. و حتی نیروهای مترقی مسلمان دچار شک و تردید شده اند و روز به روز رژیم بقیه در صفحه ۲۳

از سکه خالی است و برای خلق کرد منطقه منقوه اعلام شده است.

دهقانان این منطقه کوچ کرد، اند به مناطق دیگر وعده زیادی از افراد را زندانی کردند. عده زیادی را اعدام کردند. این سیاست شوونیستی و این سیاست تهاجم به کرد ها صعبان و عکس العملی را بوجود آورد و جنبش دوباره شروع به رشد کرد و بعد از چندی در کردستان عراق، اتحادیه میهن پرستان کردستان به رهبری جلال طالبانی تشکیل شد. این اتحادیه برنامه اش این است که جنگ مسلحانه را دوباره تجدید سازمان بدهد و با همکاری نیروهای مترقی عراقی رژیم را ساقط بکند و در چهارچوب عراق دموکراتیک حقوق ملی را برای خلق کرد تأمین بکند. این مبارزه و این جنبش سال های سختی را گذراند ولی با پیروزی انقلاب ایران و از بین رفتن رژیم شاه در واقع پشت جبهه این نهضت که دشمن بود از بین رفت و از آن بعد این نهضت در حال رشد است و آنطور که من اطلاع دارم در اغلب دهات و در همه شهرها سازمان مخفی دارند و مبارزه می کنند.

همانطور که می دانیم در این اواخر عراق بعد از چهار سال همکاری با حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست را از دولت بیرون کرده و عده بسیار زیادی از طرفداران حزب را گرفته و رهبران شان فرار کرده اند و عده زیادی از افراد حزب کمونیست عراق به منطقه ای که زیر نفوذ اتحادیه میهن پرستان کردستان است پناهنده شده اند. بنظر می رسد که یک زمینه همکاری مابین اتحادیه میهن پرستان کردستان و حزب کمونیست عراق دارد بوجود می آید. البته باید در نظر داشت که حزب کمونیست عراق مسئول تمام این سردرگمی هایی که در عراق و جهان در مورد حکومت عراق وجود داشت است. برای اینکه فراموش نمی کنیم که حزب کمونیست عراق چهار پنج سال مداوم تکرار می کرد که حکومت عراق حکومتی است سوسیالیستی ضد امپریالیستی و بعث حزبی خرده بورژوازی و ضد امپریالیستی و تمام برنامه هایش مترقی و ضد امپریالیستی

هدف از این چه بود؟ می تواند هدف های مختلفی داشته باشد. می تواند هدف این باشد که کردستان ایران را بمباران بکنند و نیروهای انقلابی کردستان ایران را بترسانند. ممکن است هدف این باشد که عراق بخواهد به ایران که فکر می کند ارتشش ضعیف است فشار بیاورد. برای اشغال آن سه جزیره. ممکن است مسئله این باشد که یک درگیری با ایران بوجود بیاورد که ایران مجبور بشود ارتش را بیاورد در آن منطقه مرزی، ممکن است مسئله این باشد که درگیری با ایران بوجود بیاورد با هو و جنجال زیاد که هم حکومت عراق توجه را از مسائل داخلی متوجه به مسائل خارجی بکند و هم اینکه با ایجاد اختلاف با ایران به یک وحدت با ایران برسد که ایران شیعه ها را تحریک نکند و مجدداً مشترکاً با ایران بر سر کرد های هر دو طرف به توافق برسد.

همانطور که می دانید پیمان الجزایر دو ماده سری داشت که مربوط است به اینکه هر دو طرف موظفند از ایجاد جنبش آزاد یخش ملی در داخل خاک خود شان جلوگیری بکنند و ممکن است عراق با فشار به ایران می خواهد اینها را ساقط بدهد به اینکه به توافق مجددی برسر این مسائل برسد.

ولی گذشته از هدفی که رژیم عراق تعقیب می کند، آن چیزی که باعث تعجب مردم کردستان شد و بحث می کردند عکس العمل بسیار شل و آبی دولت جمهوری اسلامی ایران است. در حالیکه دولت موقع به موقع تکرار می کند که کردستان جزو ایران است و نباید جدا شود ولی با اینحال عکس العمل دولت ایران در مقابل بمباران شدید بوسيله نیروهای بیگانه بسیار شل و سست بود و مردم از این خیلی ناراضی بودند و انتظار عکس العمل بسیار شدیدتری را داشتند. ولی خود مردم کردستان با تظاهرات و اعتراضات وسیع علیه این عملیات رژیم بعثی عکس العمل نشان دادند و انتقادات شدیدی از دولت مرکزی ایران کردند که چرا اینقدر سست و شل برخورد می کند و تظاهرات وسیعی در تمام کردستان ایجاد شد.

جنبش خلق کرد در عراق

گاراگر: میخواستیم چند سؤال در رابطه با جنبش خلق کرد در عراق مطرح کنیم. اصولاً این جنبش در چه سطحی است و چه نوع رهبری دارد؟

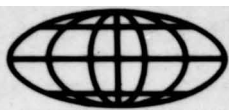
البته جنبش خلق کرد در عراق شکست بزرگی خورد اصولاً با توجه به اینکه رهبری جنبش در دست جناح بسیار ارتجاعی و وابسته به بازرانی قرار گرفته بود جنبش دچار شکست شد و این رهبری جنبش را به شکست کشاند. این جنبش شکست هایی که صد هزار پارتیزان خلق سلاح شدند و نیروهای بعثی در منطقه دوباره مستقر شد البته نتایج سیاسی بزرگی برای منطقه کردستان عراق دارد. نتایجی که شاید در روزهای اول بنظر نرسد.

بعد از اینکه جنبش در سال ۱۹۷۵ شکست خورد و بازرانی به ایران پناهنده شد و جنبش را خلق سلاح و تسلیم ایران کرد، برای مدت کوتاهی رژیم بعثی به کردستان عراق مسلط شد. در این مدت رژیم عراق سیاست بسیار شوونیستی و بسیار ظالمانه در منطقه بکار برد. یعنی کرد ها را به تعداد بسیار زیاد از خاک کردستان به منطقه جنوب برد و تعداد بسیار زیاد خانواده ها را به منطقه جنوب برد. کرد های بسیاری را از کار بیکار کرد در منطقه و مأمورین عرب را به کردستان آورد. از طرف دیگر در تمام طول مرز کردستان عراق با کردستان ایران، ترکیه، سوریه مرز را به طول ۲۰ کیلومتر از سنگه خالی کرد. تمام دهات را با بولد زر خراب کرده تمام چشمه ها و آبهای منطقه را منجمد



شیخ عزالدین حسینی

است و برای نمونه هم فقط این را داشت که رابطه سیاستشان با شوروی دارد گسترش پیدا می کند. حزب کمونیست عراق لا یقطع تکرار می کرد که عراق راه رشد غیر سرمایه داری را طی می کند و این راه رشد بنفع توده های مردم است و مبارزین کرد را دائماً سرزنش می کرد که با این رژیم به سینه زده برمی خیزند و به نیروهای مترقی دیگر دائماً حمله می کرد که اینها "شد شوروی" هستند و به همین دلیل با حکومت عراق مبارزه میکنند. باید توده های مردم را روشن کرد و آگاه کرد که سیاست سابق حزب کمونیست عراق چه بود، و از این نظر است که به توده ها میشود آگاهی سیاسی داد و تربیت سیاسی کرد که



بیانیه حزب کارگران سوسیالیست درباره پیروزی انقلاب در نیکاراگوئه



وزندگان ساند نیست، سقوط رژیم ساموزا را جشن می‌گیرند.

کوبا است. امپریالیست‌ها تمام تلاش خود را بکار خواهند برد تا انقلاب نیکاراگوئه از مسیری نظیر آنچه کوبای انقلابی بیست سال پیش، پیش گرفت جلوگیری کنند.

برعکس، منافع ابتدائی توده‌های نیکاراگوئه حکم می‌کند که اینک راه برادران و خواهران کوبائی خویش را پیش گیرند و دیگر باره در سطح جهانی الهام بخش و محرومین سراسر جهان گردند. طریق کوبا، یعنی طریق منهدم ساختن کامل دیکتاتوری، شکستن یوغ امپریالیسم و گرفتن قدرت و مصادره سیاسی طبقات حاکم بومی، تنها از این طریق شریایی ایجاد می‌شود که بتواند نیازهای اساسی توده‌های فقیر نیکاراگوئه نظیر غذا، مسکن، بهداشت، کار برای همه و آموزش برای همه را برآورده کرد.

برای نیل به اهداف توده‌های مستند و استوار شده و برای جلوگیری از دخالت امپریالیسم حکومت جدید نیکاراگوئه، باید نظیر حکومت انقلابی کوبا کارگران و دهقانان را مسلح کرد، قشونهای مردم را تشکیل دهد. باید سازمانهای مستقل توده‌ای که هم اکنون پیدا شده اند گسترش یابند. هرگونه راه حلی براساس حفظ دستگاه دولتی ساموزا باید مطرود اعلام شود. مجلس مؤسسان واقعی از طریق رأی عمومی و مستقیم مردم برگزار شده، خواستها و اراده مردم را منعکس سازد.

انحلال گارد ملی، آزادی همه زندانیان سیاسی، تضمین همه حقوق دموکراتیک، لغو تمام قرارداد های اقتصادی، نظامی سیاسی با امپریالیستها، امتناع از پرداخت قرضهای تحمیلی امپریالیسم، مصادره ملی‌سازی تمام دارائی ساموزا و خانواده‌اش سران رژیم قدیم و سرمایه داران بومی تحت کنترل کارگری، اجرای یک برنامه اصلاحات ارضی اصیل واقعی - اینها هستند قدمهایی که با برداشتن فوری آنها راه برای ایجاد جامعه ای سالم و نوین باز خواهد شد و منافع اکثریت زحمتکش حفظ خواهد گشت. تنها حکومتی که مدافع منافع کارگران، روستائیان و سایر اقشار مستند و استوار، تنها حکومتی که نمایندگان طبقات حاکم صاحب مال و امپریالیسم در آن شرکت نداشته باشند، می‌تواند برنامه فوق را به مرحله عمل درآورد.

این راهی است که بیست سال پیش مردم کوبا پیش گرفتند و امروز تنها راه حلی واقعی است که در برابر مردم ایسران و نیکاراگوئه قرار دارد.

زنده باد انقلاب نیکاراگوئه

۱ مرداد ۱۳۵۸

آیا بنفع آنانست که وامهای دیکتاتوری را از کشورهای امپریالیستی ببرد از آنست؟ وامهایی که بخاطر منافع امپریالیست‌ها و برای خرج کشتار مردم نیکاراگوئه اخذ شده بود؟

آیا به نفع آنان است که در خیابان گارد ملی، یعنی کسانی که مایلند هر لحظه اختناق را دوباره برقرار کنند، تحت لوای نیاز به ارتش در دست‌هایشان ابقا شوند؟ آیا بنفع آنانست که جنایات دیکتاتور ساموزا پوشیده بماند و با از طریق محاکمه ای علنی و باز اسرار جنایات آنان و نیز هزار و یک پیوندشان با امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران در مقابل چشم همه مردم گشوده شود؟

برای همه انقلابیون نیکاراگوئه و جهان روشن است که در این کشور نیز مثل کشور ما، اگر سقوط دیکتاتوری به سرنگونی سلطه امپریالیست‌ها و سرمایه داران بومی منجر نشود، پیروزی تنها یک پیروزی کم‌درام خواهد بود و بزودی تمام دستاوردهای توده‌ها به باد فنا خواهد رفت.

انقلابیون سراسر جهان میدانند که برای پایدار ماندن دستاوردهای انقلاب باید درسهای انقلابات گذشته ایران، گواتمالا، بولیوی و شیلی آموخته شود. قطار انقلاب اگر در نیمه راه متوقف شده بعقب باز خواهد گشت - نمونه انقلابی موفق و پایدار انقلاب

زمینهای قابل کشت و اکثریت صنایع سودآور، تجارت و حمل و نقل - امپریالیسم جهانی خاصه امپریالیسم آمریکا در سمت ارباب و شریک ساموزا برای چهار سال گذشته منابع طبیعی و ثروت نیکاراگوئه را به یغما برده اند و از این کشور بعنوان پایگاهی در "مخمس" منطقه سود جسته اند.

اینک پیروزی قیام مردم نیکاراگوئه میتواند در سراسر قاره آمریکای لاتین برای طغیانهای وسیع ضد امپریالیستی نقش جرقه ای را ایفا کند. بهمین جهت طوسی چند سال گذشته امپریالیسم آمریکا تمام تلاش خود را بکار برده تا از سقوط رژیم دست‌نشانده ساموزا جلوگیری کند.

امروز که در اثر پیروزی قیام، رژیم ساموزا سرنگون شده است، مردم نیکاراگوئه بسا همان مسائلی روبرو هستند که پس از سرنگونی سلطنت شد و تا امروز در مقابل مردم ما بوده است. چگونه منافع توده عظیم زحمتکش حفظ خواهد و راه بروی بازگشت استبداد و ارتجاع بسته می‌گردد؟

آیا بنفع مردم نیکاراگوئه است که دارائی امپریالیستهای آمریکائی، ژاپنی و اروپائی، حامیان رژیم ساموزا، حفظ شود و استثمار آنان از مردمی که مبارزه انقلابی را بسرانجام رساندند ادامه پیدا کند؟

تهاجم امپریالیست‌ها علیه انقلاب افغانستان

امپریالیست‌ها در واشنگتن پشتیبانی کامل می‌شود، زیرا که آنها از سیخ توده‌های کارگر و دهقان برای بدست آوردن این خواست‌ها وحشت دارند.

از زمان سرنگونی داود که بیش از یکسال قبل اتفاق افتاد، دهقانان از یک برنامه وسیع اصلاحات ارضی سود برده که در آن

شده و شخصیت‌های مذهبی این حمله ارتجاعی را در تحت لوای "حفظ اسلام" رهبری می‌کنند. اما هدف واقعی آنها اقتصادی است نه مذهبی.

مخالفت با اقدامات حکومت فعلی که می‌خواهد قدرت اقتصادی و اجتماعی زمین‌داران نیمه فئودال را بشکند از طرف حامیان

در میان جشن و سرور مردم نیکاراگوئه در خیابانها، رئیس جمهورانتخابی ساموزا که قرار بود در آن کشور نقش آخرین سنگر قانون اساسی را بازی کند، ناگزیر به فرار گشت و حکومت جدید ساند نیستها قدرت را بدست گرفت.

با سقوط رژیم ساموزا، شش ماه پس از سقوط دیکتاتوری پهلوی ایران، در ظرف کمتر از یکسال، دومین ضربه کاری برد ستگاه امپریالیسم آمریکا وارد آمده است. پیروزی قیام نیکاراگوئه همانند قیام پیروزمندهم ماه ایران، الهام بخش توده‌های خاصه بر میلیونها سراسر جهان خواهد بود و راه مستقیم به نفع از توده‌های محروم آمریکای جنوبی و مرکزی در مبارزه علیه رژیمهای دیکتاتوری خودشان و نیز امپریالیسم آمریکا قوت قلب خواهد داد.

پیروزی مردم نیکاراگوئه در مبارزه ای که در طی یکسال اخیر دهها هزار کشته از آنان بجای گذارده است، پس از پیروزی مردم ما بر سلطنت خونخوار پهلوی و باند مستشاران آمریکائی آن گواهی تازه و پر طراوت از این حقیقت است که نه توپ‌ها، تانکها، مسلسل‌های رژیم‌های دیکتاتوری و نه کمکهای نظامی و مهارت‌های فنی که از طرف سرکردگان امپریالیسم جهانی برای حفاظت از دیکتاتورهای نظامی از قبیل شاه و ساموزا در اختیارشان گذاشته میشود، در برابر جنبشهای سیاسی و اجتماعی توده، کثیر زحمتکش بی اثر است. هنگامی که اراده و عزم جزم توده عظیم متمرکز سیاسی پیدا کند، عمل سیاسی تجلی یابد، هیچ مانع منفجره ای را برای مقابله با آن نیست. پیروزی مردم نیکاراگوئه بر رژیم ساموزا، برای مردم زحمتکش کشور ما بویژه شایان ستایش و قابل تحسین است.

مردم ما از طریق تجربه مستقیم خود با "خاندان پهلوی" با زجر و ستمی که طی چهار سال مردم نیکاراگوئه توسط خانواده ساموزا متحمل شده اند، احساس آشنا دارند.

قریب چهار سال پیش سلسله ساموزا توسط امپریالیسم آمریکا بر سر کار آمد و توسط مستشاران آمریکائی برای چپاول امپریالیستی این کشور تربیت شد. گارد ملی ساموزا، با شباهت بسیاری به ارتش شاهنشاهی و پلیس و ژاندارمری آن اساسا برای سرکوب مردم نیکاراگوئه بوجود آورده شد و تا بن دندان مسلح گردید. در طی چهار سال حکومت خانواده ساموزا از طریق سیاست اختناق پلیسی، در شرایط فقر مفرط مردم این کشور، خانواده او بخش عظیمی از اقتصاد نیکاراگوئه را بخود اختصاص داد. یک سوم

با حمایت امپریالیسم آمریکا چریک‌های ضد انقلابی در افغانستان برای سرنگونی رژیم نور محمد ترکی مبارزه می‌کنند تا اقدامات اجتماعی مترقی را که از زمان سرنگونی دیکتاتوری محمد داود در آوریل ۱۹۷۸ آغاز گردیده بعقب برگرداند.

افسران ارتش سابق، زمینداران خلع‌ید

ترجمه از هفته نامه اینترکنینتال پرس

دارائی تعداد زیادی از زمینداران بزرگ مصادره گردیده و مغانا بین آنها تقسیم شده است. حدود ۱۸۰ هزار خانوار تاکنون زمین بدست آورده اند. (قرار است برنامه اصلاحات ارضی شامل ۶۸۰ هزار خانوار روستائی بشود) اقدامات متعدد مترقی دیگری نیز از

زمان بیرون راندن داود انجام گرفته است • برای اولین بار در تاریخ افغانستان اتحاد به های کارگرای قانونی اعلام شده اند • تمام بد هکاری های دهقانان لغو گردیده • برنامه سوادآموزی آغاز شده و مدارس جدید و مراکز بهداشتی در مناطق روستائی ساخته شده است • اقداماتی نیز برای بهبود وضع زنان انجام گرفته است • آموزش و پرورش به زبان های اقلیت های ملی افغانستان ترویج یافته و نشریات مختلف به زبان مادری ایسن ملیت ها چاپ شده است •

این اقدامات رژیم ترکی را بسیار محبوب کرده است • صدها هزار نفر در کابل و شهرهای دیگر به طرفداری از این دستاورد ها به تظاهرات برخاسته و اغلب در زیر پرچم های سرخ رزه رفته و شعار " مرگ بر امپریالیسم " را داده اند •

حکومت کارتر سخت از این جریانات در افغانستان به وحشت افتاده است • تخریب کارتر از این است که بسیج کارگران و دهقانان افغان ممکن است بر رژیم ترکی فشار گذاشته او را به مابرای مقاصد خودش سوق داده و سرمایه داری را سرنگون سازد • اینکار

عامل محرکه تازه ای برای مبارزات توده ای در آسیای مرکزی خصوصا در کشورهای همسایه ، یعنی ایران و پاکستان بوجود خواهد آورد • با آنکه کاخ سفید خصومت خود را نسبت به رژیم کابل مخفی نکرده است ولی بخاطر احساسات وسیع ضد جنگ در ایالات متحده مجبور شده است که محتاطانه حرکت کند • امپریالیست های آمریکا حمایت خود را از نیروهای چریکی ضد انقلابی از طریق قدرت های دیگر خصوصا توسط رژیم نظامی دیکتاتوری ژنرال ضیا الحق در پاکستان انجام داده اند •

تاکنون برخورد های مسلحانه در چند استان افغانستان گزارش داده شده است • برای اولین بار در ۲۳ ژوئن ، در خود کابل نیز برخورد های مسلحانه صورت گرفت • اما فعالیت های ممتد دست راستی ها بیشتر در شرق و در امتداد مرز پاکستان بوده است • دو گروه اصلی دست راستی ، حزب اسلامی و جمعیت اسلامی از طریق پایگاه های خود در پاکستان فعالیت می کنند • مخالفین رژیم ضیا الحق در پاکستان ، واشنگتن را متهم به کمک به چریک های دست راستی از

پاکستانی در مرز ۱۰۰۰ میلی با افغانستان تقویت شدند و مانورهای وسیع نظامی انجام گردید • کابل نیروهای پاکستانی را متهم به چند تجاوز مرزی نموده است •

تعدادی از رهبران حکومت پاکستان علنا خواستار تهاجم به افغانستان در تحت لوی کمک به " مبارزین آزادی اسلام " شده اند • خطر چنین تهدید هائی روشن است •

پیروزی امپریالیسم در افغانستان تنها باعث عقب راندن بسیاری از دستاورد های اجتماعی که در آنجا بدست آمده خواهد شد بلکه به انقلاب ایران نیز ضربه عظیمی می زند • بخاطر روابط نزدیک مسکو با افغانستان (که با اتحاد شوروی مرز مشترک دارد) ، حمله حمایت شده از طرف آمریکا به آن کشور باعث گسترش خطر برخورد های هسته ای خواهد شد •

مخالفین دخالت امپریالیسم آمریکا در کشورهای دیگر باید از خطری که در افغانستان می رود آگاهی کامل داشته باشند • آنها باید آماده بسیج بر علیه هر حمله ای علیه انقلاب افغانستان باشند •

رژیم چکسلواکی حمله به حقوق دموکراتیک را تشدید می کند

مریم دانا



چکسلواکی بهار ۱۹۶۸ - توده ها به مقابله با تانک های شوروی برمی خیزند •

رژیم هوساک در مقابل نهضت آزاد یخواهی از طریق روشهای تنبیهی و اختناق وارد عمل شده است •

" نهضت قرار داد ۷۷ " اواخر سال ۱۹۷۸ تحت فشارهای شدید رژیم قرار گرفته است • اولین حمله در ماه اکتبر گذشته (آبان ماه) با دستگیری مهمترین سخنگو و مبارز این نهضت " ساباتا " آغاز شد • دستگیری ساباتا بخاطر ملاقات او با مبارزین سیاسی لیپستان و دفاع از کارگران در لیپستان برد • در ماه ژانویه ساباتا به ۹ ماه زندان محکوم شد در ماه ۱۸ ماه دیگر به این حکم اضافه شد • ساباتا یکی از مبارزین بنام بهار پراگ در سال ۱۹۶۸ بود • وقتی که ماه اوت تانکهای شوروی وارد چکسلواکی شدند و رژیم دویچک را سرنگون ساختند و رژیم هوساک را سرکار آوردند ساباتا از مخالفین سر سخت دخالت استالینستیهای مسکو بود • ساباتا در کنگره مخفی حزب کمونیست چکسلواکی (کنگره ۱۴) که روز بعد از تصرف پراگ توسط تانکهای شوروی بر قرار شد به کمیته مرکزی ایسن سازمان مخفی انتخاب شد • در سال ۱۹۷۱ ، ساباتا بخاطر مبارزاتش علیه رژیم هوساک دستگیر شد و به شش سال زندان محکوم گردید • بطوریکه خانواده ساباتا اطلاع داده اند وضع سلامتی او بسیار وخیم است و تاکنون دو بار حمله قلبی داشته است •

بقیه در صفحه ۲۳

طریق این کشور و تشویق رژیم ضیا - به فعالیت های تبلیغاتی خصمانه بر علیه کابل نموده اند •

همچنین نیروهای ارتجاعی افغانستان از طرف نیروهای سرمایه دار ایران که از طریق شخصیت های اسلامی فعالیت می کنند حمایت می شوند و به آنها اجازه داده شده که مدت فتری در شهر مشهد باز کنند •

حکومت خمینی - بازرگان می ترسد که نمونه های مترقی اقدامات اجتماعی در افغانستان به معیتر شدن انقلاب ایران کمک کند • آنها رژیم ترکی را به " ضد اسلامی " بودن متهم کرده اند تا اساس همبستگی با انقلاب افغانستان را بین توده های ایران سست کنند و مانع از گسترش تأثیرگذاری متقابل دو انقلاب بر یکدیگر شوند •

با این همه ، خطر فوری در رابطه با انقلاب افغانستان از جانب اقدامات رژیم پاکستان است • اقداماتی که مورد حمایت کامل ایالات متحده هم هست •

رژیم ضیا الحق علاوه بر کمک به نیروهای چریکی تهدید کرده که مستقیما در افغانستان دخالت نظامی می کند • در ماه ژوئن سرپازان

را پایه گذاری نمود و برنامه انتقالی را پایه آن قرار داد • در سال ۱۹۷۲ بخاطر فعالیت و عقایدش زندانی شد و تا سال ۱۹۷۵ در زندان ماند • بعد از آزادی با وجود اینکه مدام پلیس مخفی او را تحت نظر داشت به فعالیت خود ادامه داد • او یکی از پایه گذاران " نهضت قرار داد ۷۷ " بود و در بحث های داخلی این سازمان اسناد و مدارک سیاسی مهمی نوشته است • این اواخر کتابی نیز منتشر ساخته است در مورد حقوق مدنی و سیاسی در اروپای شرقی که " کمیته دفاع از کارگران " در لیپستان آنرا بچاپ رسانید •

اتهاماتی که علیه پیتراوهل مطرح کرده اند از همه شدید تر است : اتهام به اختلال گری و خرابکاری • در قانون چکسلواکی مطابق اصل ۹۸ (که سختترین ماده قوانین سرکوب این کشور است) این جرم حداقل ۳ و حداکثر ۱۰ سال زندان دارد • سایر دستگیرشدگان نیز مطابق این قانون ممکن است به پنج سال حبس محکوم شوند • اصل ۹۸ ، اختلال گری را به این شرح تفسیر می کند : " فعالیتی که اعتماد شهروندان را از سازمانهای دولتی سلب نماید " این اتهام بقدری مبهم است که هر موقع علیه هرکس میتواند استفاده شود • مدتی که دادستان علیه این عده عنوان کرده است اینست :

" پخش آثاری که باعث سلب اعتماد مردم از دولت میشود " • منظور از این آثار ظاهرا اسناد " نهضت قرار داد ۷۷ " و " کمیته دفاع " است • جالب توجه است که رژیم هوساک مدت ها بود از این ماده علیه مخالفان استفاده نکرده بود • در واقع این بار میخواهند سایر مبارزین " نهضت قرار داد ۷۷ " و سازمان دفاع را تحت فشار قرار دهند تا از مبارزه دست بکشند •

نهضت قرار داد ۷۷ دو بار يك اطلاعیه که در اوایل سال ۱۹۷۷ به مقالات دولتی چکسلواکی نوشته شده بود متشکل شد • در این اطلاعیه اعضا کنندگان از دولت خواستار شدند که حقوق سیاسی و مدنی اولیه که در قوانین این کشور مندرج است ولی توسط مقامات مسئول در محل نقض گشته است را احیا نماید • این اطلاعیه تأکید میکند که بسیاری از حقوق اساسی فقط بر روی کاغذ وجود دارد و نه در واقعیت جامعه این سازمان

در مقابل مبارزات رشد یابنده کارگران و زحمتکشان در اروپای شرقی بوروکرات های مسکو و دست نشاندهان آنها در اروپای شرقی با تشدید اختناق به سرکوبی ایسن مبارزات پرداخته اند •

در چکسلواکی ، رژیم " هوساک " سرکوبی بی سابقه ای را علیه مبارزه برای دموکراسی سوسیالیستی آغاز کرده است •

روز ۲۹ ماه مه (۸ خرداد) صبح زود ، پلیس مخفی چکسلواکی ، ۱۰ نفر از رهبران " نهضت قرار داد ۷۷ " - سازمانی که مدت دو سال است برای احیای حقوق مدنی و سیاسی در چکسلواکی مبارزه می کند - را دستگیر نمود • تمامی این اشخاص عضو " کمیته دفاع از اشخاصی که غیر عادلانه مجازات شده اند " نیز بوده اند • این کمیته از کلیه زندانیان سیاسی در چکسلواکی دفاع می کند ، بیش از یکسال است که فعالیت خود را آغاز نمود و در این مدت نفوذ زیادی کسب کرده است •

کسانیکه در اثر حلات جدید رژیم اختناق چکسلواکی اخیرا دستگیر شده اند عبارتند از : جیری دنیس بیر که سابقا در سال ۱۹۶۸ در رادیو پراگ کار میکرد و عضو حزب کمونیست بود ولی بعد از طغیان بهار ۶۸ چکسلواکی بخاطر فعالیتش در مبارزات سراسری که در این سال علیه بوروکراسی حاکم شدت بی سابقه یافت ، از حزب اخراج و از کار بیکار گشت و واکلاو بنددا یکی از رهبران " کمیته دفاع " و از سخنگوهای " نهضت قرار داد ۷۷ " ، دانا نکلوا یکی از رهبران نهضت فرهنگی زیرزمینی و واکلاو هاول ، نماینده نویسنده بنام چکسلواکی که در سطح جهانی شهرت دارد و در هر دو سازمان " کمیته دفاع " و " قرار داد ۷۷ " مبارزه میکند است •

جاریلا بلبکو ، جیری نکل ، و اوتوا بدناورا که در هر دو سازمان فعالیت میکردند • و بالاخره پیتراوهل مبارز سوسیالیست ، که بطور علنی نزد یکی خود را با سازمانهای تروتسکیستی و اعتقاد خود را به برنامه انتقالی که لئون تروتسکی پایه گذاری کرده است ، اعلام نموده است •

پیتراوهل سالهاست که در چکسلواکی علیه استالینسم مبارزه کرده است • در سال ۱۹۶۹ حزبی بنام حزب سوسیالیست انقلابی

سرمایه‌داری قربانیان نظام خود را جلوی جوخه آتش می‌فرستد

حسن صبا

روز چهارشنبه ۲۰ تیرماه، بنا به رای شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی تهران سه زن روسی به جرم فحشا و ترویج فساد اعدام شدند.

حکم اعدام این سه نفر که متعاقب فرمان عفو عمومی سرسپردگان رژیم سابق، صادر و به مرحله اجرا گذاشته شد، نمونه بارز دیگری از ماهیت ریائی عدالت سرمایه داری است که حاکمین امروزی ایران می‌خواهند تحت لوای "عدل اسلامی" عرضه کنند.

اکثر مطبوعات سرمایه داری و رسانه های گروهی تحت کنترل دولت کوشیدند تا اعدام این سه روسی را گامی در جهت ریشه کنی فحشا معرفی کنند، گامی که نشانگر قاطعیت نظام جمهوری اسلامی در مبارزه علیه فساد و ایجاد معیارهای اخلاقی نوین، سالم و اسلامی است. در حقیقت عکس قضیه صادق است. سرمایه داری روسی، قدمی محاسبه شده به طرف هیئت حاکم بود تا نشان دهد دارودسته سرمایه دار و زمیندار حاکم با چه شقاوت، قساوت و سنگدلی می‌تواند با قربانیان نظام فاسد و بی‌اخلاق خود رویرو شود.

چه کسی است که نداند فحشا پدیده ای به قدمت تمدن، چیزی نیست که از ذهن و جسم ناپاک و پلید "پری بلنده"، "شربا ترکه" و "اشرف چهار چشم" ریشه گرفته باشد و با قتل بیرحمانه آنان از میان هزاران و چه کسی است که نداند از میان هزاران و ده ها هزار نفری که بمنابین مختلف تن به حقارت خود فروشی می‌سپارند، شاید یک مورد هم نتوان پیدا کرد که این عمل از سراراده و اشتیاق شخصی صورت گرفته باشد.

پایه اجتماعی فحشا، بنیادهای جامعه طبقاتی و حقیر بی‌اندازه زن بسود مردانی است که می‌توانند بابت آن پول بپردازند. در رهتوس جامعه جانی که ثروت، قدرت و آسایش با هم در آمیخته است فحشا بصورت خدمات جزئی متقابل صورت می‌گیرد. تنها در بخش‌های تحتانی جامعه است که فحشا در مظاهر چون "پری بلنده" و "اشرف چهار چشم" که نامشان حاکی از زندگی خفت بار و تحقیر روزانه شان هست، متجلی می‌شود.

روسیان نگویند بختی ازین دست برخلاف تبلیغات سخنگویان سرمایه داری بر مراتب پیش از اینکه عاملین پلید فساد باشند، قربانیان نظام فاسد و پلیدی هستند که بخاطر منافع اقلیتی قلیل، اکثریت عظیم مردم زحمتکش و در مانده را به فقر و گدایی می‌کشاند. زنان طبقات محروم که بار تبعیض و خرافات هزار ساله را نیز بدوش می‌کشند و امکانات آموزشی، اجتماعی مساری با مردان همداستان از آنان دریغ شده است و پیوسته بدانان آمیخته شده که برای امرار معاش باید بروی مرد خود

اتکا کنند، قربانیان اصلی این نظام بیرحمانه و شیطانی هستند.

تلاش برای ادامه حیات در این جنگل وحشی سرمایه داری، روزانه ده ها تن از زنان را و نه زنان طبقات متمول و صاحب مال بلکه وامانده ترین، مطرودترین و ذلیلترین آنان را به راه فحشا می‌کشاند.

با قتل سه روسی، طبقه حاکم سرمایه دار نه عوامل فساد بلکه قربانیان فساد نظام و دستگاه اجتماعی خود را به مجازات رسانده است.

اخلاقیات راهزنان

نمایندگان سرمایه داران می‌خواهند این بی‌عدالتی را تحت لوای اخلاقیات جمهوری اسلامی و تقوی و تدین جا بزنند. اما این یک دروغ بزرگ است. دم خروس سرمایه داری، همه جا از زیر عبا جمهوری اسلامی آشکار است و اخلاق سرمایه داری، اخلاق راهزنان است. اخلاق میکیدن خون مظلومین بی‌پناه و حمایت از گردنکشان و جانیان دم گلفت است. و برای شناختن اخلاق خواجه های حرم سرمایه داری که حضور روسپیان را نمی‌توانند در جامعه تحمل کنند جستجوی زیادی لازم نیست. در اطلاعات ۲۱ تیرماه، در همان شماره و در همان صفحه ای که ماجرای قتل سه روسی با آب و تاب درج شده است، بخشی از مصاحبه "آیت الله آذری قمی، دادستان انقلاب اسلامی ایران درج شده است. ایشان پیرامون دستور عفو عمومی چنین می‌گویند:

"البته نظر شخصی من اینست که عفو شامل سرمایه دارهائی که از مملکت رفته اند و یا در داخل مملکت مخفی شده اند و کارخانه ها و شرکت های خود را رها کرده اند و اقتصاد مملکت را در حقیقت مختل کرده اند بشود تا این افراد در هر کجا هستند سرمایه هایشان را برگردانند و شخصاً در اداره شرکت ها و اداره کارخانه های خود شان مشغول بشوند و از تجربیاتی که دارند مملکت استفاده بکند."

اینست معنای اخلاق سرمایه داری. دزدان، راهزنان، چپاولگران اعظم که فساد خود شان، ثروتشان، نظام اجتماعی شان هنوز ادامه دارد و زندگی میلیونها نفر از زحمتکشان را به تباهی کشانده اند نه فقط قابل عفو هستند بلکه مملکت به "تجربیات" چپاول-گپشان هم نیاز دارد. ولی زنان مطرود و وامانده ای که سراسر به حقارت کشیده شده اند، باید به شیوه قرون وسطایی آتش زدن جادوگران، معدوم گردند، تا از گسترش فساد بروی زمین جلوگیری شود.

هدف واقعی هیئت حاکمه

اما همچنانکه پیشتر گفته شد هدف واقعی هیئت حاکم پاک کردن زمین از فساد نیست، از میان بردن فحشا هم نیست. چرا که در اینصورت به از میان بردن عوامل اصلی توسعه فساد و فحشا دست می‌زند. قدمهای اساسی در راه از میان بردن فقر و بیگاری بر می‌داشت. به تبعیض علیه زنان که آنان را را یکسره وابسته به مرد نان آور می‌سازد خاتمه می‌داد و همه گونه امکانات مادی مساوی بسا مردان برای آموزش زنان فراهم می‌کرد. به تحقیر روزانه زن خاتمه می‌داد و نظایر آنها حقیقت اینست که همه قدم های دولست و رهبران مذهبی دقیقاً در جهت مخالف برداشته می‌شود.

هیئت حاکم سرمایه دار و زمیندار در هر قدمی که برمیدارند نه اخلاقیات انتزاعی، بلکه نیازهای طبقه خود و نظام خود را در سر دارند.

حاکمین ایران می‌خواهند تحت عناوین مختلف مجازات اعدام را بعنوان حربه ای برای ایجاد رعب و وحشت در میان توده های مستعبد و مستقر سازند. بلافاصله پس از قیام هیئت حاکم جدید برای استحکام بخشیدن به سلطه خود و نیز برای جلوگیری از افشای بسیاری از اسرار محرمانه رژیم گذشته، دست به اعدام فوری بخشی از سرکردگان رژیم گذشته زد.

توده عظیم مردم در این اعدام ها، تجلی خشم انقلابی خود را می‌دید. با آن مخالفتی نداشت بلکه این اعدام ها را نوعی امتیاز بخود تلقی می‌کرد.

اینک کشتی بانان سرمایه داری ایران را سیاست دگر آمده است. دوران تسویه حساب با رژیم گذشته بسر آمده و دوران سازش با عوامل رژیم گذشته و سرکوب و تسویه حساب با مردم انقلابی و توده زحمتکش فرا رسیده است.

در همه جبهه ها عفو و آشتی با سرکردگان رژیم پیشین با حمله به توده مردم همراه است همزمان با آشتی با تیسساران ارتش شاهنشاهی، همافران، پیشقراولان نظامی قیام بهمین ماه باید سرکوب شوند. همزمان با عفو و آزادی سناتورهای احسنست گوی مجلس فرمایشی انقلابیون سوسیالیست، مجاهدین و فدائیان و کارگران صنعت نفت باید دستگیر و زندانی شده بدست همان شکنجه گران ساواک شکنجه شوند.

در این محتوای سیاسی است که مقوله "مفسد فی الارض و مجازات اعدام نیز اندک اندک تغییر مکان داده، گرجه امروز بسوی روسپیان نشانه رفته است لکن هدف اینستکه بعنوان بخشی دائمی از حیات اجتماعی در

میان تمام توده مردم ایجاد رعب و وحشت کند. ناگفته پیداست که هدف اصلی و نهائی حاکمین ایران مبارزین، معترضین و انقلابیون خواهند بود.

هیئت حاکمه و اخلاقیون آن، شیوه قرون وسطایی و عهد بربریت اعدام را عاملی در جلوگیری از ترویج فساد و جنایت قلمداد می‌کنند. این دروغ محض است. نتیجه صدها تحقیق علمی و آمار و ارقام در این زمینه و در سراسر جهان خلاف این مدعا را به ثبوت رسانیده است.

هدف نهائی مجازات اعدام مطلقاً مبارزه با فساد نیست هدف ایجاد محیطی ملسو از ترس و وحشت و کسب حمایت برای خوشنیت سعیت پلیسی علیه درماندگان، قسرا و معترضین است.

مجازات اعدام وسیله ای برای مبارزه علیه فساد و اجرای عدالت نیست بلکه حربه ای برای ستمگری طبقاتی است. هدف آن تقویت نظام سودجو از طریق ارباب مظلومین و عصیان زده ها است.

هدف دیگر هیئت حاکم چه از اعدامها و چه از تأکید ریائی که بروی اخلاقیات بطور کلی می‌گذارند، منحرف کردن افکار عمومی از مسائل واقعی است که با آن دست بگریبند. ۶ ماه پیش مردم آگاه انقلابی ما، با انقلاب عظیم و قیام بهمین ماه بر همه افسانه های دروغین سلطنت خط بطلان کشیدند. مردم ایران با قیام بهمین ماه، با عمل سیاسی جمعی خود راه واقعی مبارزه علیه همه گونه فساد را نشان دادند و وقوف خود را نیز از این مسئله نشان دادند که با مبارزه های نمایشی علیه گرانفروشی رژیم استبدادی، مسئله گرانفروشی حل نمی‌شود. مبارزه با فساد در زمین، به فساد پایان نمی‌دهد، اعدام چند تا قاچاقچی مواد مخدر به اعتیاد پایان نمی‌بخشد.

مردم ایران آگاه شدند بر اینکه هیچیک ازین بلایای اجتماعی تقصیر آنان نیست سبب اصلی همه نابسامانی ها، همه فسادها نظامی است که سلطنت استبداد مظهر رهبر آنست.

رهبران کنونی ایران که پس از سرنگون شدن سلطنت می‌کوشند همان نظام استعمارگر سرمایه داری را حفظ کنند، ناگزیر بنحوی دیگر می‌خواهند افسانه های نقش بر آب شده گذشته را دوباره سرهم کنند. تا از اینطریق افکار عمومی را از واقعیات اجتماعی، بیگاری، بحران، فقدان آزادی و فساد ثروتمندان منحرف کرده، گناه را دوباره به دوش مردم بپاندازند. هیئت حاکم می‌خواهد همه ماتب را گناه مردم قلمداد کند و مسئولیت را از شانه مسئول واقعی، نظام خونسخت آفرین، فاسد و بی‌اخلاق بردارد.

علیه مجازات ظالمانه و غیر انسانی

رئوس جامعه نیز چون گذشته ادامه دارد. کوسه های حریص بانکدار، کماکان به چپاول خود ادامه می‌دهند. مطابق گزارش روزنامه ها برای اینکه چپاول آنها جنبه شعی خود بگیرد سخن از این می‌رود که به واژه بهسره، عنوان کارمزد اطلاق گردد. استعمار وحشیانه سرمایه داران از کارگران کماکان ادامه دارد، تاراج دسترنج کارگران توسط سرمایه داران را سهم سرمایه می‌خوانند. در مورد مسائل دیگر نیز ثروتمندان می‌دانند که امور شخصی خود را چگونه خارج از معرض دید عموم

بزرگی را پیرامون جامعه ما و انقلاب مان بازگو می‌کنند. در شرایطی که چرخ های سهمگین انقلاب زمین و زمان را درهم می‌کوبد، زندگی روزمره میلیونها آدم با هزاران مسئله خورد و کلان خود کماکان ادامه می‌یابد.

تصور واقعه دردناک هست اما دشوار نیست. به انسان از این دست که بیش از آنکه جنایتی در حق جامعه کرده باشند خود محکوم و قربانی نظام دیرپوز و امروزند دست بسته در میدانی در انتظار بزرگ و کوچک، بدست قلمچامی شلاق می‌خورند. زندگی در

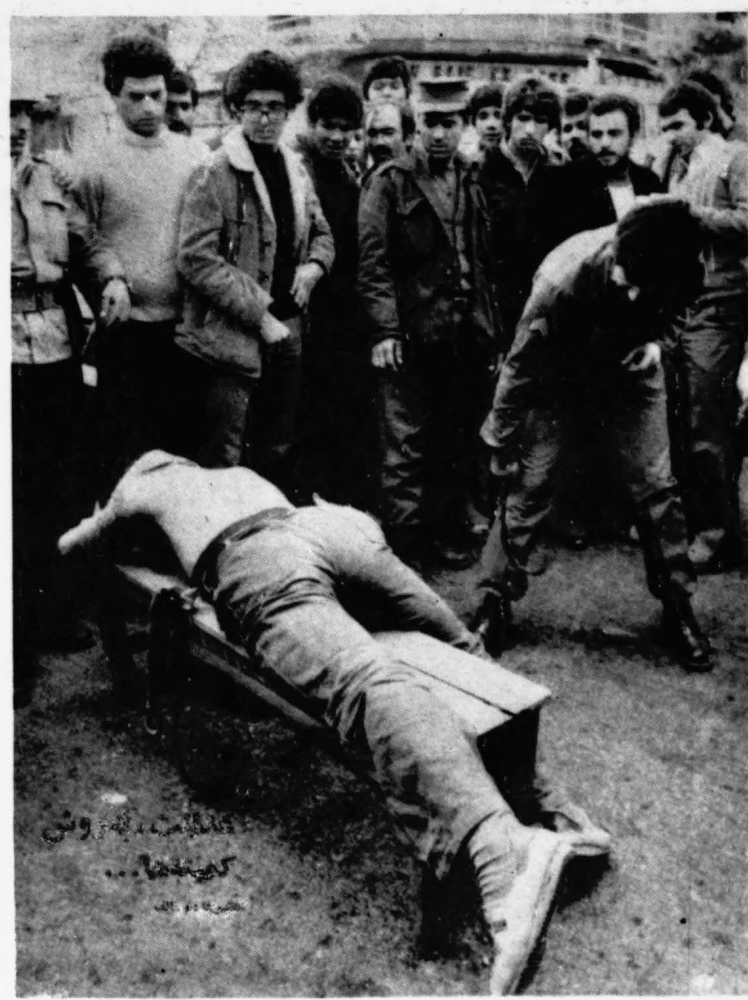
شد با استقبال وسیع مردم شهر کرد رویرو شده و تا مدت ها به دیوارها و پتینر مغازه ها در این شهر نصب بود.

روز دوشنبه ۲۸/۳/۱۳۵۸ ساعت ۶ بعد از ظهر در چهار راه بازار شاهد شلاق خوردن سه جوان به جرم قماربازی بودیم، جرمی که تنها ناشی از بیگاری و فقر مادی است. جرمی که در صحنه انقلاب عظیم مردم ما عملی بس کوچک و ناچیز بشمار می‌آید. لکن همین حوادث ناچیز چه حقایق

اعلامیه زیر در رابطه با شلاق زدن سه نفر در شهر کرد از طرف بخش حزب کارگران سوسیالیست در این شهر انتشار یافت. در روزی که قرار بود سه نفر با بچرم قماربازی در این شهر شلاق بزنند و کمیته شهر، مردم را توسط بلندگوهای نصب شده بر انوسیبل به تماشا می‌صحنه شلاق زنی فرامیخواند، صحنه تماشا بسرتب تظاهراتی علیه شلاق زنی تبدیل شد و چندین هزار نفر در خیابان ها فریاد زدند "شکنجه محکوم است". اعلامیه زیر که در فردای همانروز پخش

سامان دهند و مجالس باده گساریشان را بدون آنکه توجه کسی را برانگیزد برگزار کنند. بار دیگر ما شاهد عدالت سرمایه داری هستیم: توری چنان بافته شده که کوسه های عظیم الجثه براحتی از آن عبور می کنند، لکن ماهیان کوچک را از آن راه فراری نیستند. می توان مطمئن بود که در آینده ما شاهد شلاق خوردن صاحبان کارخانه ها و سرمایه - داران دم کلفت در میادین شهر نخواهیم بود. این بی عدالتی و هتک حرمت انسانی ظاهرا سزاوار مظلومین و ضعفا نیست که صدایشان به گوش کسی نمی رسد برای ثروت - مندان و اشخاص "متشخص" حتی در خارج در این اعلامیه نه قصد و نه فرصت هست تا توجیحات مجازات های غیر انسانی نظیر شلاق زدن و انگشت بریدن و نظایر آنها مورد بحث قرار گیرد این نکته که از طریق چنین اعمالی، دزدی و جنایت از جامعه رخت بر می بندد دروغ و ریائی بیش نیست جنایت و مجازات هر دو در آخرین تحلیل عمیقاً در سازمان جامعه ریشه دارد. از میان بردن جنایت و اجرای عادلانه مجازات تنها می تواند بر اساس تحول اساسی نظام اقتصادی و اجتماعی صورت بگیرد. تا زمانی که نظام طبقاتی کنونی هست دزدی های کلان ثروت - مندان از مجرای قانونی ادامه خواهد یافت، تا زمانی که فقر هست و کار نیست دزدی های کوچک برای بدست آوردن لقمه نانی ادامه خواهد داشت.

تا زمانیکه انسان موجودی است از سود بیگانه، بیچاره و ذلیل در کلاف نیروهای سهمگین و غیر قابل کنترل سرمایه داری، از گذشته اش اندوهبار و از آینده اش بیمناک، اعتیاد در سطح وسیع خاصه در تحتانی ترین اقشار جامعه ادامه خواهد یافت. خشنترین تهدیدات، غیر انسانی ترین، موهن ترین مجازات ها قادر به ریشه کن کردن این پلیدی ها نیست بلکه نمک است که بر زخم هایی عمیق پاشیده می شود خشونت و جنایت که زائیده خشونت و جنایت های هر روزه نظام



در قانون اساسی جدید باید تصویب گردد که کلیه مجازات های عجیب، غیر انسانی و توهین آمیز که با حرمت انسان مغایرت دارد غیر قانونی است.

سرمایه داری است با تهدید به خشونت بیشتر و مجازات های خشن تر از میان رفتنی نیست. کارگران، زحمتکش و آزاد پخواهان

امنیت هنوز در خاطر ها زنده است. گرچه این فجایع در پیروز در مورد زندانیان سیاسی اعمال می شد، لکن امروز وجدان انسانی مردمی انقلابی اجازه نمی دهد که چنین ظلمی در حق هیچکس حتی دزدان و قمار - بازان اعمال گردد. هدف از اینگونه مجازات ها شکنجه است، نه فقط شکنجه شکنجه کشیده بلکه شکنجه افکار عمومی بطور کلی. برای ایجاد نوعی رعب و وحشت در سراسر جامعه بی جهت نیست که شلاق زدن ها، این میراث دوره برده داری، میراث برده دارانی که به برده خود به عنوان حیوان مینگریستند و به خود حق تازیانه زدن او را می دادند. امروز در میادین و در انتظار عمومی برگزار می شود. از طریق درهم کوبیدن حرمت انسانی شکنجه شده در ملا، عام با نیان امر می کوشند تا شأن انسانی را در سراسر جامعه در هم کوبند تا سایه ترس و خوف بر سر کل جامعه بیفتد شلاق مظهر تبعیت و اطاعت حیوان وار است.

اگر طبقه حاکم بتواند بدون مخالفت برنامه شلاق زدن های آزمایشی خود را به مرحله اجرا بگذارد قدم بعدی بریدن انگشت و قدم بعدی کشیدن زبان حق طلبان و آزاد پخواهان به جرم کفر از حلقوشان خواهد بود. شدت عمل طبقات حاکم پیوسته بدین سوی، بسوی اختناق عقاید و محدود کردن دموکراسی کشش دارد.

برای جلوگیری از تکرار تعدیات رژیم گذشته لازم و ضروری است که مردم خود عدالت را اجرا کنند.

کلیه جرائم باید در دادگاه های علنی و با حضور هیئت منصفه رسیدگی گردد. در قانون اساسی جدید باید تصریح گردد که کلیه مجازات های عجیب، غیر انسانی و توهین آمیز که با حرمت انسانی مغایرت دارد، غیر قانونی است.

حزب کارگران سوسیالیست بخش شهر کرد

طرح تقسیم بندی دریا: حمله جدیدی به حقوق زحمتکشان و زنان

از دریا استفاده کند، تجهیزات و تسهیلات لازم برای استفاده عموم بالاخص زحمتکشان و کم درآمد ها بچود آید، و در نتیجه درآمد بیشتری نیز وارد بندر شده و بطور عادلانه بین پلاژداران و اهالی، و نه در دست عده ای مفتخور، تقسیم شود، اما اساسی فرماندار طرح عجیبی پیشنهاد کرده اند.

بعد از مسائل اساسی مملکتی از قبیل بیکاری، گرانی، و همچنین مجازات های غیر انسانی و بدوی - شلاق زدن - که در این بندر به حالت تشدید یافته دیده می شود، ناگهان خبر از تصمیمی مختص به این شهر می رسد، اول خبر از تغییر نام بندر و بعد از مسائلی که بطور مستقیم زندگی فرد اهالی را تغییر خواهد داد.

اول از همه اینکه چنین تصمیماتی را نمی شود در پشت سر مردم یا حضور عده ای انگشت شمار از اهالی گرفته و بعد به مردم ابلاغ کرد، چون نتیجه آنرا رژیم شاه مخلوع با سرنگونی خود نشان داده مردم انقلاب نمی کنند که تصمیمی که در زندگی آنان بطور مستقیم تأثیر می گذارد از بالا گرفته شود، مردم می خواهند خود در تصمیم گیری شرکت جویند و بعد از آن طرح را بموقع اجرا در آورند. تمام وقایعی از نوع - طرح تقسیم بندی دریا - تنها نشانه عدم واگذاری کار مردم به مردم است و مقدمه ای برای خفقان بیشتر، که از مسائل کوچکی چون تغییر نام يك بندر شروع شده به خفقان سیاسی گسترده و بقیه در صفحه ۲۳

نمی توانند در برابر چنین ظلم و بی عدالتی ساکت بنشینند. خاطره شلاق زدن ها، ناخن کشیدن ها و دست و پا بریدن های سازمان

مبارزه برای بخش نشریه 'کارگر' در تبریز

مشت محکم بر دهان یاهو گویان منافق یعنی طرفداران و فروشندگان نشریه کارگر و حزب کارگران سوسیالیست کوبند. بدین ترتیب 'مجمع' سعی نموده تا زمینه سیاسی جلوگیری از بخش نشریه کارگر در تبریز را فراهم سازد. حملات بی دریبی به فروشندگان نشریه کارگر در سراسر ایران و دستگیری ۱۶ نفر از اعضای 'حزب کارگران سوسیالیست' در اهواز حمله به حقوق دموکراتیک کلیه زحمتکشان و آزاد پخواهان است. حمله به 'حزب کارگران سوسیالیست' همزمان با تخریب میتینگ جنبه دموکراتیک ملی در دانشگاه تهران، دستگیری بدون دلیل حماد شیبانی، محمد رضا سعادت، رهبران مبارز خلق عرب و نیز رهبران اعتصاب صنعت نفت در زمان شاه مخلوع، صورت می گیرد.

اینها همه بیانگر این حقیقت هستند که علیرغم پیروزی عظیم ترین قیام انقلابی تاریخ کشور ما، علیرغم سرنگونی سلطنت پهلوی و منطقی شدن دارودسته تیسارها و مستشاران آمریکائی در ایران، هنوز احزاب کارگری و سوسیالیستی از حقوق دموکراتیک اولیه برای تبلیغ و ترویج نظریات خود برخوردار نیستند. دولت آقای بازرگان به خواستهای صریح مردم ایران برای آزادی کامل احزاب سیاسی، آزادی بیان و اندیشه نه تنها هنوز پاسخ مثبت نداده است بلکه در مقابل این حملات سکوت اختیار می کند. در پایان این اعلامیه، از همه سازمان - های مترقی و آزاد پخواه خواسته شده که صدای اعتراض خود را نسبت به اینگونه محدودیت ها بر سر راه آزادی بیان و اندیشه و احزاب بلند کنند.

تبریز یکی از شهرهایی است که در آن فروشندگان نشریه کارگر، بطور مداوم تحت آزار و اذیت گروه های دست راستی و برخی از کمیته های محل قرار گرفته اند. در ظرف چند هفته گذشته، ضرب و شتم فروشندگان کارگر علیرغم اعتراضات مکرر آنها به کمیته های تبریز ادامه یافته است. معمولاً در مقابل اعتراضات فروشندگان مضروب کارگر، این فروشندگان به کمیته ها برده می شوند و در آنجا نیز بجای رسیدگی به شکایت آنان مورد تهدید و ضرب و شتم مجدد قرار می گیرند.

این آزار و اذیت، از چند هفته پیش بطور سازمان یافته شروع شده است. اعضا سازمانی بنام 'مجمع دیپلمه ها و فسوق - دیپلمه های مسلمان آذربایجان' علناً اعلام کرده اند که از فروش نشریه کارگر در تبریز جلوگیری خواهند کرد. بدنبال این وقایع، هیئت اجرائیه حزب کارگران سوسیالیست در تبریز، اعلامیه ای تحت عنوان 'برای آزادی همه احزاب سیاسی - به جلوگیری از بخش نشریه کارگر و ضرب و شتم فروشندگان آن در تبریز خاتمه دهید' چاپ شده است. در قسمتی از این اعلامیه آمده است:

'مجمع دیپلمه ها و فوق دیپلمه های مسلمان آذربایجان' در تاریخ ۵/۳/۲۵ اعلامیه ای منتشر کرده و علت جلوگیری از بخش نشریه کارگر را مخالفت و تکذیب یکی از مقالات نشریه شماره ۵ کارگر تحت عنوان 'دیپلمه های بیکار تبریز' اعلام نموده است. در پایان این اعلامیه اعضای 'مجمع دیپلمه - ها و فوق دیپلمه های مسلمان آذربایجان' عموم مردم را به یاری خود طلبیده تا 'با

لنین

بعنوان سازماندهنده مبارزات انتخاباتی

داده خود را از مبارزه سیاسی بازنشسته کرده اند.

حزب کارگران سوسیالیست فعالانه در انتخابات مجلس خبرگان شرکت خواهد کرد. و از طریق شرکت خود، صدای کارگران و زحمتکشان را بلند خواهد کرد و حقیقت را که هیئت حاکم اینهمه در صد دختفای آنست بیان خواهد کرد.

الهام بخش سوسیالیست ها در این مبارزه انتخاباتی استادان اعظم مارکس، انگلس، لنین و تروتسکی خواهند بود. سازمانده اصلی مبارزه انتخاباتی آینده لنین خواهد بود. چرا که در این مبارزه انتخاباتی راهنمای سوسیالیست ها آنگه از همان روحیه ای هستند و همان مقاصد را دنبال می کنند که لنین در سال های تدارک انقلاب اکتبر در سر داشت و همان آموزش ها و تعالیمی را بکار می برند که لنین در نقش سازمانده مبارزات انتخاباتی حزب بلشویک، برای کارگران آگاه سراسر جهان از خود بجای گذاشت.

مارکس و انگلس و انتخابات

همچنانکه پیشتر گفته شد هدف اساسی سوسیالیست ها تسخیر قدرت سیاسی بدست کارگران است. با وجود اینکه مارکس و انگلس، این دو بنیانگذار سوسیالیسم علمی مبارزات مستقل کارگران را تنها راه حصول این وظیفه می دانستند و مطلقاً باور نداشتند از طریق شرکت در انتخابات می توان بدین هدف دست یافت اما مارکس و انگلس هر دو طرفدار سرسخت حق رأی عمومی بودند و قویا برای حق رأی خصوصاً برای کارگران مبارزه میکردند.

مطابق نظریه انگلس مبارزات قانونی کارگران بزرگترین دشمن طبقه سرمایه دار است. کارگران می توانند با استفاده از حق رأی مبارزه خود را برای آزادی گسترش دهند و از طریق شرکت در انتخابات میتوانند عقاید خود را تبلیغ کرده، کارگران را علیه نظام سرمایه داری متشکل کنند. انگلس ضمن اشاره به اوضاع دهه آخر قرن نوزدهم آلمان توضیح می دهد که مبارزات انتخاباتی بمراتب از "ماجراجویی های انقلابی" گروه های کوچکی که می خواستند از طریق جنگ های خیابانی قدرت را بدست گیرند مؤثرتر است. سوسیالیست های آلمانی در دوران انگلس با شرکت در انتخابات با وجود قانون ضد سوسیالیستی که بیسمارک صدراعظم آلمان وضع کرده بود، توانستند به سرعت رشد کنند.

انگلس درس شرکت سوسیالیست های آلمانی در انتخابات غیردموکراتیک را چنین توصیف کرد که دخالت سوسیالیست ها در انتخابات یکی از برنده ترین حربه ها علیه سازمانهای دولتی و نیز برای افشای احزاب دیگر در مقابل توده ها و وسیله ای برای تبلیغ برنامه حزب بود. در صورت پیروزی در انتخابات و بدست آوردن کرسی در مجلس میتوان از آن بعنوان

هیئت حاکم روز دوازده مرداد را بعنوان روز انتخابات مجلس خبرگان اعلام کرده است. هدف حاکمین امروزی ایران سرگزازی انتخاباتی غیر دموکراتیک و تشکیل مجلسی کوچک و مشورتی است که تنها معدودی از نمایندگان سرمایه داران، زمینداران و سرسپردگان هیئت حاکم بتوانند در آن شرکت جست بطرفی صرفاً نمایشی قانون اساسی جدید را تصویب کنند و جمهوری اسلامی، یعنی حکومت سرمایه داری را مستقر سازند. سوسیالیست ها از مدت ها پیش مقاصد هیئت حاکم را بازگو کرده خواستار برگزازی مجلس مؤسسان واقعی شده اند که در آن نمایندگان طبقات کارگر و زحمتکش و نیز کلیه نیروهای سیاسی از جمله احزاب کارگری و سوسیالیستی بتوانند شرکت جویند و از طریق بحثی علنی و وسیع پیرامون کلیه مسائل مملکتی، حقایق و نیز راه حل های گوناگون در مقابل کلیه مردم قرار گیرد و بدین ترتیب تصمیمات اساسی در مورد سرنوشت کشور در مقابل دیدگان توده عظیم مردم زحمتکش و با آگاهی کامل آنان از حقایق گرفته شود و امور مملکت طبق اراده و با شرکت و مشارکت عموم مردم اداره شود. سوسیالیست ها طرفدار چنین دموکراسی هستند چرا که معتقدند در شرایط وجود دموکراسی واقعی و در صورتیکه کلیه اطلاعات و حقایق در اختیار توده مردم گذاشته شود، اکثریت کارگران و زحمتکشان این سرزمین حاضر به قبول حکومت و حاکمیت بود ولو اینکه این حکومت نقاب "جمهوری اسلامی" به چهره بزند. اکثریت توده عظیم در شرایط دموکراسی و بحث آزادانه خواستار تشکیل حکومت خود یعنی جمهوری کارگران و دهقانان خواهند بود. یعنی حکومتی که نیازهای انسانی و میرم آنان را مافوق سود جوئی سرمایه داران و زمینداران قرار دهد. نتیجتاً بجای اسیر شدن در تله های هیئت حاکم، کارگران و زحمتکشان از طریق مبارزات مستقل خویش گام در راه ساختن جمهوری کارگران و دهقانان خواهند نهاد. این استراتژی کلی سوسیالیست ها است یعنی کمک و مبارزه در جهت کسب قدرت به دست کارگران و زحمتکشان.

هیئت حاکم درست بدلیل مخالفین، دشمن سرسخت دموکراسی است. می خواهد حقایق را از چشم توده عظیم پنهان کند. همه تصمیمات باید پشت درهای بسته گرفته شود. همه حقایق باید از دسترس توده مردم دور نگه داشته شود چرا که تنها از این طریق می توان حکومت اقلیتی قلیل را برگرده اکثریتی عظیم تحمیل کرد. نتیجتاً با انتخابات مجلس خبرگان می خواهند گروهی قلیل از "خبره" ها یعنی سرسپرده های هیئت حاکم را در یک اطاق در بسته جمع کنند تا برای مردم تصمیم بگیرند.

در این شرایط وظیفه سوسیالیست های انقلابی چیست؟ تمام نمایندگان سیاسی سرمایه داری بر انتخابات مجلس خبرگان صحه نهاده اند. گروه هایی هستند که غیر دموکراتیک بودن انتخابات کنونی را بهانه قرار



دست زد.

در همین ایام بود که لنین با دنبال کردن سنت های انقلابی که مارکس و انگلس بجای گذارده بودند به توسعه استراتژی انتخاباتی سوسیالیست های انقلابی پرداخت. اولین تجربه حزب بلشویک شرکت در انتخابات دوما (پارلمان روسیه) ۱۹۰۵ بود. دوما مانند پارلمان های اروپای غربی نبود زیرا که روسیه یک جمهوری بورژوازی نبود بلکه هنوز تزار بر آن سلطنت می کرد، اما بخاطر بوجود آمدن طغیان های انقلابی، تزار ناگزیر شده بود تا پارلمان را بعنوان امتیازی به توده ها برگزارد کند.

بلشویک ها از تاکتیک تحریم انتخابات استفاده کردند و دوما بخاطر اعتصابات عمومی اکتبر ۱۹۰۵ تشکیل نگردید. این تاکتیک در آن شرایط موفقیت آمیز بود و لنین نیز آنرا تصدیق کرد. تاکتیک تحریم دوما با شرایط مشخص و امکانات انقلابی در روسیه آنزمان مطابقت می کرد.

در سال ۱۹۰۶ که انتخابات دیگری اجرا شد بلشویک ها دوباره آنرا تحریم کردند. لنین بعداً اعلام کرد که تحریم این انتخابات اشتباه بود. بلشویک ها تصور می کردند که موج انقلابی تزار و پارلمان او را درهم خواهد نوردید. اما چنین نشد. این اشتباه در پیش بینی شرایط سیاسی موجب شد که بلشویک ها نتوانند تاکتیک خود را با شرایط واقعی وفق دهند.

این یک اشتباه تاکتیکی کوچک بود با این همه لنین بعداً نوشت که در هر حال این اشتباه بود. تحریم از طرف بلشویک ها باعث نشد که انتخابات کنار گذاشته شود و دوما تشکیل شد. در عرض چند ماه بعد از آن حکومت تزار خود دوما را منحل کرد و انتخابات جدیدی را برای اوایل سال ۱۹۰۷ اعلام کرد تا مجلسی وفادارتر به خود بوجود آورد. با وجود اینکه این انتخابات فرمایشی

معیار حمایت توده ها و وسیله ای برای عرضه کردن قانونی حزب به مردم استفاده نمود و حزب را در موقعیتی قرار داد که بتواند به آسانی در مقابل حملاتی که برای غیرقانونی کردن آن می شود، بایستد و مبارزه کند. فعالیت انتخاباتی حزب اسلحه ای قوی برای مبارزه در راه حق موجودیت حزب بود.

لنین و انتخابات سرمایه داری

مارکس و انگلس به مبارزه انتخاباتی بعنوان هدفی نهایی نمی نگریستند. بلکه مبارزه انتخاباتی را بعنوان وسیله ای در راه تبلیغ برنامه انقلابی و پیشبرد حمایت از مبارزات مستقل کارگران و زحمتکشان تلقی می کردند.

پس از مرگ مارکس و انگلس و در دوران رشد و شکوفایی سرمایه داری، بسیاری از پیروان اروپائی آنان، از جمله سوسیالیستهای آلمان دستخوش انحطاط گشتند. در اثر این انحطاط، اکثریت احزاب سوسیالیستی اروپا در آغاز دهه بیستم چشم انداز از انقلابی خود را از دست داده، هدف اساسی سوسیالیستی یعنی تسخیر قدرت بدست کارگران و زحمتکشان را به پوته فراموشی سپردند. در اثر این انحطاط فعالیت های انتخاباتی آنان نیز شکل دیگر خلاف آنچه انگلس در سر داشت بخود گرفت. سوسیالیست های اروپائی از فعالیت انتخاباتی و کرسی پارلمان نه در جهت پیشبرد مبارزات مستقل توده ستندیده بلکه در جهت اصلاحات قانونی جزئی سود جستند.

این انحطاط سوسیالیست های اروپائی ضمن سنت های دیگر، تداوم سنت مارکسیسم در زمینه سیاست انتخاباتی را نیز از هم گنست و در میان برخی از روند های انقلابی سبب پیدایش این اندیشه شد که بایست بطور کلی بر شرکت در انتخابات سرمایه داری

بود. اما این بار به سوسیال دموکراتها و احزاب رادیکال دیگر نامزد های انتخاباتی مشترکی را معرفی کردند. چند تن از بلشویک ها به این دوامی دوم انتخاب شدند. در ژوئن ۱۹۰۷ دمای دوم توسط یک کودتا منحل گردید و نمایندگان سوسیال دموکرات دستگیر و زندانی شدند. انتخابات جدیدی برای نوامبر ۱۹۰۷ اعلام شد. این مرتبه یک جناح ماوراء چپ در حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه (که شامل بلشویک ها و منشویک ها می شد) بوجود آمد. این جناح که اکثریت رهبران سازمان بلشویک ها هم در آن بودند، یوچک تحریم انتخابات را اتخاذ نمود. آنها موضع خود را بر پایه تجربه دومی دوم که ازین رفته بود و تحریم موفقیت آمیز ۱۹۰۵ قرار داده بودند و میخواستند که حزب در این انتخابات شرکت نکند. لنین تنها رهبر مرکزی بلشویک ها بود که موافق شرکت در این انتخابات بود. پس از بحث داخلی در حزب بلشویک های ماوراء چپ شکست خوردند و حزب نامزد هائی در انتخابات معرفی کرد. امروز در سبهای آن مبارزه درونی حزب بلشویک باید مطالعه شود. چرا که در آنجا بحث سیاسی بود که اصول سیاست انتخاباتی انقلابی مطرح گردید. در چه زمانی انقلابیون سوسیالیست در انتخابات سرمایه داری شرکت می کنند و در چه احوالی به تحریم انتخابات دست می زنند.

لنین در مخالفت با تحریم این انتخابات گفت:

- ۱- تحریم دوما (پارلمان) همانطور که تجربه نشان داده است تنها در زمانی تصمی صحیح از جانب انقلابیون است که شرایط تاریخی برای یک تحریم فعال مساعد است. یعنی شرایطی که یک طبقه انقلابی وسیع آشکار وجود داشته باشد که در جهت حمله مستقیم بطرف رژیم و سرنگون ساختن آن از طریق قیام گام بردارد.
- ۲- اگر تحریم را بعنوان وسیله ای فی نفسه مؤثر، جدا از جریان رشد فراگیر عمومی و سریع انقلاب و حمله مستقیم تمام مردم برای سرنگونی رژیم کهن در نظر بگیریم بجای پیروی از عقل تحت تأثیر احساسات خود مان عمل کرده ایم.

برنامه بلشویک ها در مبارزه انتخاباتی

تجربه و تحلیل انتخابات ۱۹۱۲ برخورد لنین به مبارزات انتخاباتی و شرکت بلشویکها در پارلمان سرمایه داری را بوضوح نشان می دهد. برخلاف انتخابات ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ انتخابات ۱۹۱۲ در موقع گسترش سریع طغیان های جنبش طبقه کارگر انجام گرفت. در نتیجه امکانات بیشتری برای تبلیغات وسیع وجود داشت. در سال ۱۹۱۱ یکسال قبیل انتخابات لنین در مقاله ای تحت عنوان "مبارزات انتخاباتی و پلاتفورم انتخابات" (مجموعه آثار لنین جلد ۱۷) نوشت: "انتخابات دومای چهارم قرار است که سال آینده برگزار شود. حزب سوسیال دموکرات باید مبارزات انتخاباتی اش را هم اکنون آغاز کند. تبلیغ و تهییج و سازماندهی متمرکز و شدید در دستور روز قرار داد. و انتخابات آینده بهانه طبیعی، غیرقابل اجتناب و موجبی برای کار ما عرضه می کند." بعبارت دیگر مبارزات انتخاباتی در مرکز فعالیت های تبلیغاتی حزب قرار داشت.

لنین سپس به اهمیت پلاتفورم انتخاباتی اشاره می کند و اینکه چنین برنامه ای فقط برای انتخابات تهیه نشده بلکه برنامه از برنامه کلی حزب و از تجربیات سال های قبلی آن ناشی می گردد. "اغلب اوقات امری لازم و مفید است که به پلاتفورم انتخاباتی سوسیال دموکراسی یک

انتخاباتی اضافه کنیم که مسئله اصلی عمل سیاسی امروز را ابراز کرده و فوری ترین و مناسب ترین بهانه و موضوع برای درک تبلیغات سوسیالیستی را عرضه کند. در دوران ما فقط سه نکته زیر می تواند جملات اصلی باشند. این شعارهای کلی عبارتند از: ۱- جمهوری ۲- صادره تمام املاک زمینداران ۳- هشت ساعت کار در روز".

اینها شعارهای انتخاباتی بلشویک ها بودند که به زبان ساده در آورده شده بود و آنرا به میان توده های مردم می بردند. در ژانویه ۱۹۱۲ (انتخابات در نوامبر بود) بلشویک ها یک پلاتفورم انتخاباتی مطابق با خطوط سیاسی که لنین عرضه کرده بود پذیرفتند. مبارزات انتخاباتی با نشر اولین روزنامه علنی بلشویک ها **پراودا** که در چهار صفحه منتشر می شد همزمان بود. انتشار **پراودا** بزرگترین پیروزی برای حزب بلشویک بود. زیرا که وسیله اصلی برای تبلیغات مبارزات انتخاباتی و بخش برنامه حزب بود. با خواندن مقالات آنزمان لنین در **پراودا** می توان دید که ساختن **پراودا** و مشکل نمودن مبارزات انتخاباتی از هم

"لنین پیشرفت فعالیت انتخاباتی را همانند گسترش روزنامه و تعداد اعضا حزب دنبال می کرد و بعد از انتخابات همیشه تحلیل های مفصلی از نتایج و معانی آراء بدست آمده احزاب و کل انتخابات می نوشت."

ناگسستی بودند. لنین مقالات جامعی در درباره تعداد مشترکین جدید روزنامه و ترکیب اجتماعی آنان و درصد طبقه کارگر در بین آنها نوشت. لیست مشترکین برای لنین که در تبعید در لهستان بود فرستاده شد و او پیشرفت روزنامه و مبارزات انتخاباتی را با هم از نزدیک دنبال می کرد.

قوانین انتخاباتی آنزمان روسیه بسیار تبعیض گر و محدود بود. اغلب کارگران و دهقانان حق رأی نداشتند. به اضافه قوانین انتخاباتی بسیار مشکل و غیرقابل فهم بودند. لذا لنین مجبور بود که قوانین را بدقت بررسی و تحلیل کند. تروتسکی میگوید که لنین تنها مارکسیستی بود که تمام امکانات و موانع قوانین انتخاباتی آنزمان را مطالعه کرده بود. او نه تنها وارد ترین فرد در حزب راجع به این مسائل بود بلکه متشکل کننده کل مبارزات انتخاباتی بود و از لحاظ سیاسی حزب را تشویق می کرد و روزانه کارهای تکنیکی آن را رهبری می نمود. اینکه لنین متشکل کننده مبارزات انتخاباتی آنها از خارج از کشور بود امری بسیار شگفت انگیز است.

لنین پیشرفت انتخابات را همانند گسترش روزنامه و تعداد اعضا حزب دنبال می کرد. بعد از انتخابات همیشه تحلیل های مفصلی از نتایج و معانی آراء بدست آمده احزاب و کل انتخابات می نوشت. در مناطق کارگری فقط سوسیال دموکراتها انتخاب شدند. فراکسیون آنها شامل شش نماینده بلشویک بود. هر شش نفر بلشویکی که به دومای چهارم انتخاب شدند کارگر بودند و بعضی از آنها در جنبش اتحادیه های کارگری از دیرباز فعالیت کرده و رول رهبری کننده ای بازی کرده بودند. ایسن درباره منشویک ها صادق نبود و فقط یک یا دو نماینده آنها کارگر بود.

در دور اول انتخابات دولت به بهانه های مختلف سعی می کرد که کارگران کارخانه های سن پیترزبورگ را فاقد شرایط لازم برای انتخاب کردن ننخیم دهند. این باعث تظاهرات وسیع کارگران در دفاع از حق رأی و انتخاب کردن نمایندگان خود گردید و آگاهی سیاسی کارگران در این سطح بود و

در نتیجه بعضی از رأی گیری ها در این مناطق باطل اعلام شد و انتخابات جدیدی برگزار گردید. در چنین شرایطی می توان به راحتی دید که تحریم انتخابات در بین کارگران محبوبیتی نداشت و آنها هنوز توهمات راجع به این انتخابات داشتند که باید بلشویک ها همراه با آنها در این مبارزات شرکت می کردند و از این تجربه می گذشتند.

نمایندگان بلشویک ها در دومای تزار

سیزده نماینده سوسیال دموکرات دوما شش بلشویک و هفت منشویک - نخست در یک فراکسیون مشترک فعالیت می کردند. در روز افتتاح اولین دوره جلسات دومای چهارم فراکسیون مشترک از شرکت در انتخابات کمیته ریاست و رئیس جلسات خود داری کرد. این عمل حاکی از سیاست نمایندگان بلشویک برای دو سال و نیم آینده در دوما بود. آنها در جلسات درباره وضع طبقه کارگر صحبت کرده و افشاکاری می نمودند. وزیران مختلف دولت را در رابطه با کارهایشان استیضاح کرده و

"لنین پیشرفت فعالیت انتخاباتی را همانند گسترش روزنامه و تعداد اعضا حزب دنبال می کرد و بعد از انتخابات همیشه تحلیل های مفصلی از نتایج و معانی آراء بدست آمده احزاب و کل انتخابات می نوشت."

در کمیته ها شرکت می نمودند. اما آنها در نوشتن لوایح و در رأی گیری آنها شرکت نمی کردند. وقتی قانونی که تا اندازه ای بنفع طبقه کارگر عرضه می شد به آن رأی مثبت می دادند. ولی چنین لوایحی خیلی کم در دوما ارتجاعی مطرح می شد.

نمایندگان بلشویک مرتباً از دست و آزار می شدند. گاهی از شرکت آنها در جلسات مجلس جلوگیری بعمل می آمد و یا دستگیر می شدند. اغلب موقع صحبت در دوما با سر و صدا و جیغ و فریاد نمایندگان دیگر مواجه می شدند و مرتب توسط پلیس تزار دنبال می گردیدند. با این وین و کارهای خود در تحت مشکلات شرایط ادا می دادند. قرار بود که تمام نمایندگان دوما مصونیت سیاسی در مقابل دستگیری داشته باشند و فقط توسط خود دوما و نمایندگان دیگر محاکمه بشوند. ولی دولت مرتب سعی به لغو مصونیت سیاسی آنها می کرد. هر موقع که دولت به این عمل دست می زد توده ها با تظاهرات وسیع خود جلوی اینکار را می گرفتند. حقوق نمایندگان بلشویک هر بار لغو می شد تأثیر عمیقی بر روی رادیکالیزه کردن کارگران داشت و آنها صادقانه اعتقاد داشتند که نباید به نمایندگان آنها اهانت شود. نمایندگان بلشویک نیز مرتب با کارگران کارخانه ها رابطه مستقیم داشتند. آنها به محل کار کارگران می رفتند و کارگران به ستاد فراکسیون آنها نماینده می فرستادند.

در بین جلسات دوما نمایندگان بلشویک به مناطق طبقه کارگر می رفتند و با آنها گفتگو کرده و اطلاعات جمع می کردند و مهمترین فعالیت های داخلی حزب را متشکل میکردند. باید بخاطر داشت که در تمام این ایام حزب بلشویک بطور زیرزمینی فعالیت می کرد. آنها نمی توانستند مانند یک حزب سیاسی قانونی عمل کنند. اما وجود فراکسیون در دوما که اعضایش تا اندازه ای بطور علنی فعالیت می کردند و از دستگیر شدن مصونیت سیاسی داشتند و اعتباری که آنها بین توده های کارگران داشتند باعث می شد که حزب در موقعیت بهتری قرار گیرد. آنها می توانستند خیلی از کارهای حزب را بهتر و آسان تر از

انجام دهند. حق تشکل کنفرانس ها و جمع آوری اعانه برای روزنامه را داشتند. مسئولیت اصلی آنها گذراندن قوانین از مجلس نبود بلکه تشکل کردن فعالیت های معمولی یک حزب انقلابی بود.

لنین نه تنها رول اصلی را در تشکل و جلو بردن فعالیت های انتخاباتی بازی میکرد بلکه رول عمده را در رهبری فعالیت های فراکسیون بلشویک ها در دوما داشت.

نشریات بورژوازی سخنرانیهای نمایندگان بلشویک را منعکس نمی کردند. تنها راه بخش عقاید نمایندگان بلشویک چاپ سخنرانی های آنها در جزوات کوچک و اعلامیه ها و صفحات **پراودا** بود. چهار هزار نسخه ای که از **پراودا** هر روز در مناطق کارگران سن پیترزبورگ فروخته می شد وسیله اصلی برای بخش عقاید این نمایندگان بود. بلشویک ها از طرف کارگران بعنوان نمایندگان خودشان شناخته شده بودند. و آنها **پراودا** را می خریدند تا صحبت های نمایندگان کارگران را بخوانند.

مانند هر فراکسیون پارلمانی دیگر نمایندگان بلشویک نیز گاهی در مقابل فشار های ایجاد شده در محیط پارلمان بورژوازی حساسیت نشان می دادند. اغلب اوقات لنین در نامه های خود از آنها می خواست که مواضع خود را دقیق تر و محکم تر بر روی مسائل مختلف ابراز کنند. این خصوصاً در آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ صادق بود.

این تنها مسئله فراکسیون بلشویکها نبود. در آغاز تشکیل دوما آنها با منشویک ها در یک فراکسیون مشترک فعالیت می کردند. اما اختلافات سیاسی بین منشویک ها و بلشویکها نه تنها در فراکسیون دوما بلکه در کل حزب در عرض یکسال بعد از انتخابات آنچنان زیاد شده بود که بلشویکها فراکسیون جداگانه خود را تشکیل دادند. در فراکسیون دوما هفت نماینده منشویک که اکثریت را داشتند میخواستند که از ابراز عقیده بلشویکها توسط "دیسپلین اکثریت" جلوگیری کنند. تا آنکه انشعاب قطعی بین بلشویک ها و منشویک ها بر سر مسئله جنگ بوجود آمد.

این انشعاب باید برای کارگران آگاه توضیح داده می شد. فعالیت وسیعی برای بدست آوردن حمایت کارگران توسط بلشویکها آغاز گردید. که این از طریق جمع آوری اعضاء، ترتیب مناظره ها در کارخانه ها بین نمایندگان بلشویک و منشویک، مقالات در **پراودا** و غیره انجام می شد.

بلشویک ها از موضع گیری نمایندگان خود در دوما استفاده می کردند تا منشویک ها را افشاء کرده و بین آنها و توده ها شکاف اندازند و این را به بهترین نحوه انجام دادند. آنها به این امر که منشویک ها مرتب در مسائل مختلف مواضع لیبرال ها را می پذیرفتند اشاره می کردند. این مسائل را در روزنامه مطرح کرده و با کارگران درباره آن صحبت می کردند. در عرض چند هفته روشن شد که بلشویک ها از حمایت بیشتری در بین توده ها برخوردار بودند. این حمایت بسیار قابل توجه بود. بطور مثال از ۱۸ اتحادیه مهم کارگری، بلشویک ها در ۱۴ اتحادیه اکثریت را داشتند.

نمایندگان بلشویک در پارلمان و مسئله جنگ

با آغاز جنگ جهانی اول و وارد شدن روسیه در این جنگ نمایندگان بلشویک در دوما به اعتبارات جنگی رأی موافق ندادند و روی این موضع قاطعانه ایستادند. آنها به این اعتبارات جنگی رأی مخالف داده و جلسه در دوما را همراه منشویک ها ترک کردند. بعداً نیز روی این موضع ایستادند و در حالیکه منشویک ها در مقابل فشارهای ایجاد شده

"امروز در آستانه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان، سوسیالیست های

ایرانی بر اساس سنن مارکس، انگلس، لنین و تروتسکی در این انتخابات

شرکت میکنند ."

بلشویک ها و مجلس مؤسسان

حمایت پیگیرانه بلشویک ها از وجود آمدن مجلس مؤسسان کمک نمود تا اگرچه احزاب بورژوازی و اصلاح طلبان برای انتخابات مجلس مؤسسان افشا گردید . با آنکه بلشویکها از مجلس مؤسسان در مقابل تجدید بنای سلطنت یا کودتای نظامی دفاع می کردند ولی برای توده ها شکی باقی نماند . نگذاشتند که هدف آنان نه جمهوری پارلمانی بلکه جمهوری کارگران و دهقانان است که بر پایه شوراهای ساخته شده باشد .

زمانیکه بالاخره انتخابات برای مجلس مؤسسان اعلام گردید بلشویک ها نیز در آن شرکت کردند . لیست نامزد های انتخاباتی باید تا تاریخ ۱۲ اکتبر از طرف احزاب مختلف به کمیسیون انتخاباتی عرضه می شد . روز انتخابات ۱۲ نوامبر اعلام شده بود . بین این روزها شوراهای در تحت رهبری حزب بلشویک قدرت سیاسی را بدست گرفتند . یک انقلاب اجتماعی که از زنده ترین نوع آن در تاریخ جهان بود پیروز گشت . حال مسئله ای مطرح شده بود : آیا بلشویک ها باید

مواضعی که احزاب اصلاح طلب در رابطه با حکومت شوراهای اتخاذ کردند اغلب توهمات توده ها در باره سیستم پارلمانی بر طرف شده بود .

این تجربه را بعدا لنین در کتابش "کمونیسم چپ : بیماری کودکان" اینطور بیان می کند : "نتایجی که از این بدست می آید قطعا ثابت می کند که ، شرکت در پارلمان بورژوازی - دموکراتیک حتی چند هفته قبل از پیروزی جمهوری شوراهای چه بعد از این پیروزی نه تنها به برولنای انقلابی صد مای نزدیک بلکه کمک نمود تا به توده های عقب افتاده ثابت شود که چرا اینگونه پارلمانها سزاوار منحل شدن هستند ، و به منحل نمودن آن کمک کرد ، و کمک نمود تا پارلمانتاریسم بورژوازی از لحاظ سیاسی منسوخ بشود ."

دروس مثبت تجربه بلشویک ها در پارلمانتاریسم همراه نمونه های منفی آن توسط احزاب اروپای غربی در قطعنامه کنگره دوم بین الملل کمونیستی (بین الملل سوم) در سال ۱۹۲۰ بطور مشروح بحث و تدوین گردید . بطور خلاصه بعضی از نکات مهم آن از اینقرار است :

● پارلمانها یا کنگره های بورژوازی نمی توانند به هیچ طریقی عرصه مبارزه برای اصلاح یا بهتر نمودن سرنوشت مردم کارگر باشد .

● انقلابیون سوسیالیست پارلمانتاریسم را بمثابه یک تشکیلات دولتی در مقابل دیکتاتوری طبقه کارگر تلقی می کنند . آنها امکان جلب حمایت پارلمان را نخواهند دید .

● تنها طریق مبارزه اصولی طبقه کارگر علیه حکومت سرمایه داری طریق مبارزه عمل توده ای است ، گرچه تاکتیک های پارلمانی مهم هستند اما آنها تابع و مکمل این مبارزات می باشند .

● هدف اصلی کارهای انتخاباتی در مجالس سرمایه داری تبلیغات است که بشون از طریق آن با کارگران و دیگر اقشار مردم که تاکنون تماس نداشته ایم دسترسی پیدا کرد .

● فعالیت های انتخاباتی نباید جهت بدست آوردن رأی صورت بگیرد بلکه باید برای بسیج عمومی انقلابی صورت گرفته و کل اعضا حزب که شامل رهبران و نامزد های انتخاباتی می شود را در برگیرد .

● امتناع از شرکت در انتخابات از لحاظ اصولی امری کودکانه و ساده لوحانه است .

مسئله نوع دخالت در انتخابات که شامل تحریم نیز می شود یک مسئله تاکتیکی است که باید در رابطه با شرایط مشخص اتخاذ گردد .

این تزه و مواضع سیاسی که در بین الملل سوم بحث گردید بخاطر تأیید بسیار قوی در بین احزاب جوان و مبارزی بود که برنامه بین الملل را قبول کرده بودند ولی هر نوع شرکت در سازمان های قانونی از جمله شرکت در انتخابات و نیز اتحادیه های کارگری را رد می کردند .

امروز در آستانه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان ، سوسیالیست های ایرانی بر اساس سنن انقلابی مارکس ، انگلس ، لنین و تروتسکی ، در این انتخابات شرکت می جویند تا در انتخابات سرمایه داری بعنوان سکوی برای کمک به ساختن جنبش سوسیالیستی و بلند کردن صدای کارگران و زحمتکشان ایران استفاده کنند .

آنها جنگ امپریالیستی و دخالت طبقه حاکم امپریالیست خودشان را در این جنگ در جلسه دوما تزار محکوم کردند . البته با اتخاذ این موضع فقط چند ماه دیگر طول کشید که پنج نماینده بلشویک و شش رهبر دیگر بلشویک ها که در کشور بودند دستگیر ، محاکمه و روانه زندان با اعمال شاقه در سربیره شدند .

با وجود جو مخالف و شوونیستی که سراسر روسیه را در بر گرفته بود و تشدید اختناق دولتی محاکمات بلشویک ها باعث بوجود آمدن تظاهرات وسیع اعتراضی کارگران و دانشجویان شد . در کارخانه ها بر علیه حکومت نمایندگان کارگران تظاهرات وسیعی صورت گرفت . اخبار دادگاه و مواضع ضد جنگ آنها در سراسر کشور توسط اعلامیه های بلشویکها پخش گردید .

مهم است که به نحوه فعالیت های دفاعی آنها اشاره ای کنیم . آنها یک فعالیت وسیع دفاعی برای بخش حقایق در سراسر کشور آغاز نمودند . این حقیقت که رهبران انتخاب شده طبقه کارگر را به سبیری می فرستادند تأثیر عمیقی بر روی آنان که هنوز توهمات به مجلس مقننه و پارلمانتاریسم داشتند گذاشت .

درس های آن تجربه دو سال و نیمه انتخاباتی چه بود ؟ فعالیت انتخاباتی و انتخاب شدن نمایندگان به دوما برای حزب غیر قانونی بلشویک باعث بوجود آمدن مشروعیت گردید و امکانات قانونی مهمی برای این حزب زیرزمینی فراهم آورد . این موقعیت در خدمت دسترسی و تحکیم رابطه با توده های کارگران بکار گرفته شد . و باعث گردید که سیاستهای

یکی دیگر از دروس مهم ، رابطه این فعالیت ها با انقلابات فوریه و اکتبر ۱۹۱۷ بود . تروتسکی در تاریخ انقلاب روسیه می نویسد که اگر شرایط انقلابی در سال ۱۹۱۴ بوجود آمده بود امکان داشت که بلشویک ها مستقیما قدرت می رسیدند بدون آنکه مملکت مانند سال ۱۹۱۷ به حکومت موقتی از ائتلاف منشیوک ها و سوسیال رولوسیونرها با احزاب سرمایه داری برسد .

ضمنا او اشاره می کند که بخاطر جنگ جهانی اول ، شوونیسم ملی و مورد حمله قرار گرفتن حزب ، بلشویک ها قادر نبودند که در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ قدرت را بدست آورند . تروتسکی توضیح می دهد که کارگران آگاه که در دوس حزب بلشویک را در دو سه سال قبل از آغاز جنگ آموخته بودند ، رل اساسی را در انقلاب فوریه بازی کردند . در سال های بین ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ حزب بلشویک مهمترین حزب کارگری در مناطق طبقه کارگر بود . دوسی که در زمان قبل از جنگ اندوخته شده بود - فعالیت های تبلیغاتی ، شرکت بلشویک ها در دوما ، مطالبی که در سخنرانی های خود گفته بودند ، نشر پر اودا - همه در فوریه ۱۹۱۷ حیاتی بود .

بعد از انقلاب فوریه که رهبران بلشویک از تبعید برگشته و حزب به باز سازی خود پرداخت ، ریشه های فراوانی که حزب در زمان قبل از جنگ بین توده ها دوانسده بود ،



جریان بازسازی حزب آماده نمودنش را برای انقلاب اکتبر آسانتر ساخت . زیرا که رابطه مستقیمی بین فعالیت حزب بلشویک در زمان ۱۴-۱۹۱۲ و پیروزی انقلاب اکتبر موجود بود . فصل دیگری در تاریخ بلشویک ها نحوه دخالت آنها در فعالیت های انتخاباتی و بطور کلی نظرشان درباره مجلس مؤسسان در سال ۱۹۱۷ بود . حکومت موقت که پس از سرنگونی رژیم تزار قدرت رسیده بود مرتب قول می داد که مجلس مؤسسان را برقرار خواهد کرد . اما در عمل آنها به عقب می انداخت . موضع بلشویک ها حمایت از تشکیل مجلس مؤسسان بود زیرا که هنوز در بین توده ها خصوصا دهقانان توهمات راجع به احتیاج به مجلس مؤسسان و یک نوع حکومت جمهوری بورژوازی وجود داشت که لازم نبود این توهمات در طول سال ۱۹۱۷ از بین می رفت .

وقتی که مجلس مؤسسان در هفته اول ژانویه ۱۹۱۸ دو ماه بعد از به قدرت رسیدن حکومت شوراهای ملاقات کرد ، بلشویک ها قطعنامه ای عرضه کردند که در آن از مجلس مؤسسان حمایت شده بود که از حکومت شوراهای حمایت کند . بلشویک ها در این مجمع اکثریت را نداشتند و نمایندگان با دادن رأی منفی به این قطعنامه خود را افشا نموده و ثابت کردند که مخالف حکومت کارگران می باشند . بلشویک ها مجلس مؤسسان را بنام حکومت شوراهای منحل نمودند . تا آن زمان که دو ماه از انقلاب گذشته و توده ها نجار جدیدی بدست آورده بودند و بخاطر

حکومت تزار و احزاب سیاسی و همچنین لیبرال ها و منشیوک ها افشا گردید . خصوصا کمک کرد تا خط قاطعی بین حزب بلشویک و منشیوک های اصلاح طلب کشیده شود . این نشان داد که انقلابیون می توانند از تهبسون پارلمان استفاده کنند بدون آنکه خود فاسد شده و برای سیاست های ارتجاعی حکومت سرمایه داری مسئولیت قبول کنند . کارهای پارلمانی می تواند با فعالیت های دیگر حزب ترکیب شده و رل مرکزی را در ساختن حزب بازی کند .

برای اینکه فراسکسون پارلمانی خط اصلی سیاسی خود را حفظ کرده و مؤثر واقع شود باید تابع سیاست های کل حزب و برنامه انقلابی آن باشد . منشیوک ها و نمایندگان پارلمانی سوسیال دموکراسی اروپای غربی در آن موقع شروع به توسعه روش پارلمانی خود کرده بودند . اما بلشویک ها ثابت کردند که



نامه‌های رسیده

سازمان سیاسی خلق عرب به اعدام مبارزین اعتراض کرد

سازمان سیاسی خلق عرب ایران با صدور بیانیه‌ای که در تاریخ ۳ مرداد در روزنامه پامداد منتشر شد به اعدام اخیر ۴ مبارز عرب و حملاتی که از طرف دولت به این سازمان می‌شود اعتراض نمود. متن دو بیانیه در زیر منتشر شده است.

* * *

ملت مبارز و شریف ایران بازم ۴ نفر از جوانان خلق عرب بنام - های عبد الزهرار ریس - عبد الجلیل دریس - عبد النعم را بهی و خضیر ربیعی که تا دیروز در سیاهچالها و زندانهای پهلوی راه قهرمانانه خلقهای ایران را ادامه میدادند با بستن اتهامات خیالی و غیره واقعی چون بمبگذاری و قیام بر علیه جمهوری اسلامی دیک دادگاه فرمایشی بنام دادگاه انقلاب اسلامی بدون در نظر گرفتن قوانین بین المللی و نیز موازین شرعی و بدون برخوردی از حقوق هیچگونه دفاعی محاکمه و اعدام گردیدند. آیا آنها عملی جز ادامه مبارزات قبلی خود که همانا احقاق حقوق خلقها عمل دیگری مرتکب گردیده اند؟ (تاکنون ۱۷ نفر در مدت یک هفته اعدام شده اند) لذا خلق عرب از تمامی خلقها و جمعیتها و سازمانها و گروه - های مترقی و پیشرو خواستار مداخله بساری متوقف ساختن این اعدامهای وحشیانه و نیز پایان دادن به فضای پلیس و ترور و وحشت که هم اکنون بر منطقه حکمفرماست میباشد.

* * *

دومین بیانیه سازمان سیاسی خلق عرب به این شرح است:

بنام خلق عرب و خلقهای تحت ستم ایران بعد از پیروزی شکوهمندانه خلقهای ایران و وزیدن نسیم آزادی سازمان سیاسی خلق عرب همراه با سایر سازمانها و گروههای خلقی در راه احیای قومیت و فرهنگ از دست رفته خود در چهارچوب ابرمان آزاد و دموکراتیک با ایمان به وحدت و تمامیت ارضی ایران مبارزات خود را بر علیه تنگ نظران و انحصار طلبان شروع کرد.

ولی در این هنگام مرتجعین ، فئودالها و نیز شونیستها که از بیداری این خلـــــــص بوحشت افتاده بودند و ادامه حیات خود را تنها در به استعمار کشیدن هر چه بیشتر خلقها می دیدند با همکاری امپریالیسم بین المللی که توانسته است در انقیاب شکوهمند ما بوسیله عناصر مرتجع و سرسپرده خود جایی باز کنند شروع به مسموم کردن افکار عمومی در مورد اینکه این حرکتها و جنبشها مردمی و خلقی نیست و مارکهای چـــــــون تجزیه طلبی و ضد انقلابی بر آنها نهاد و این حمله ها در مورد سازمانها و گروههای مبارز و پیشرو دو چندان میباشد تا بدین وسیله پایگاهی که اینگونه سازمانها در میان توده ها بدست آورده اند خدشه دار ساخته و زمینه را برای رسیدن به مقاصد شوم و شیطانی خود که همانا ادامه سلطه امپریالیستی و ارتجاعی خود بر خلقهای بها خاسته و منحرف کردن افکار عمومی در مورد خواسته های مشروع آنها برسد . لذا سازمان سیاسی خلق عرب ضمن محکوم ساختن اینگونه توطئه ها و سنمایشی ها از هر مرجعی که باشد قاطعا اعلام میدارد که هدف اساسی سازمان سیاسی خلق عرب مبارزه در راه احیای حقوق باهمال شده خلق عرب در چهارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک که در آن تمام اقلیت ها بتوانند بطور مساوی و برابر و بدون هیچگونه تبعیضی زندگی و فعالیت نمایند در این راه پشتیبانی و همکاری تمام گروههای پیشرو مترقی را خواهان است.

مردم کشتی و برادرگشی تشویق کنند . البته عده ای هستند که به حرفهای من گوش می دهند و اگر این اسکان هست که ما را در حزب بپذیرد با کمال میل حاضریم تا خون در بدن داریم در راه این حزب فدا کنیم . چون من نیز پشتیبان کارگر و کشاورز هستم و خودم هم فرزند کشاورز میباشم . یک مدت هم کارگر ساده بودم و با درد آنها هم آشنا هستم . البته بنده در همان زمان طاغوتی هم ضد خلق نبودم و فقط به این علت وارد ارتش شدم که بتوانم ذره ای از زحمات پدر و مادرم را سرگیری کنم . اگر قابل پذیرش در حزب هستم به من اطلاع دهید .

م . ت .
د زفول

دستیابی به یک جامعه آزاد

با اعتقاد به اینکه انقلاب ایران با شرکت و پیگیری تمامی توده های تحت ستم وزحمتکش آغاز گشته و تا دستیابی به یک جامعه آزاد و بدون هرگونه دست اندازی از سوی جوامع استعمارگر امپریالیستی و وابسته ها و دست اندرکاران داخلی آنها که سعی در ایجاد یک دیکتاتوری نوین دارند راه خود را ادامه خواهند داد که خود مستلزم متحد شدن و پیوستن گروه های مبارز و طرفداران آنها خواهد بود . لذا خواهان پیوستن به حزب کارگران سوسیالیست هستم . اضافه می نمایم که تاکنون در هیچ حزب و گروهی فعالیت نداشته ام .

ف . ر .
تبریز

دلیل برای ورود به حزب

رفقا سلام . امید است که فکرتان هرروز بازتر و بازتر شود . من حاضریم برای پیشبرد پیروزی حزب دست به هرکاری بزنم حتی فدا کردن جانم ولی به یک شرط که وابسته به هیچ کشوری نباشد ! و خود مستقلا به امور خویش برسد . در غیر اینصورت . . .

دلیل من برای ورود به حزب اینست : در نظام و رژیم طاغوتی قدیم حق کارگر با حد اکثر قدرت و استثمار خورده می شد و در نظام یاقوتی جدید همین حق با اشتها و ولع خورده می شود . بطور کلی میتوانم بگویم که فقط مهره ها عوض شده . این فقط یک دلیل از هزار دلیل منست و اگر به حزب خود ملحق شوم تمام آن چیزهایی را که در دل دارم و نمی توانم بزبان بیآورم با شما رفقای عزیز در میان می گذارم . به امید این که تمام کارگران جهان بر سرمایه داران پیروز شوند البته به یک ترتیب - اتحاد - همفکری - رهبری درست .

درد بر شهیدای راه حزب سوسیالیسم جهان ش - ت
تهران

کسانی که مایل به عضویت در حزب کارگران سوسیالیست ، همکاری با نشریه کارگر و یا کسب اطلاعات بیشتر میباشند ، می توانند با آدرس زیر با ما مکاتبه نموده و یا از طریق تلفنی با ما تماس بگیرند .

تهران

صندوق پستی ۲۱/۳۵۸۶

تلفن ۹۲۷۹۲۷

این موضوع باعث سرگرمی و تفریح آنها میشود . و اکنون بطور پراکنده مردم می شنوند که می خواهند از این بعد " ضد انقلابیون " (کمونیست ها و آزاد یخواهان) را در میدان شلاق بزنند . اکنون ۳۱ / ۳ / ۵۸ آقای صدر حاج سید جواد ی برای تصفیه کمیته ها و بررسی این موضوع وارد شهسوار شده است .

شهسوار
ر .

علاقتمند هستم اما ...

من علاقه زیادی به آشنائی با حزب کمونیست دارم . اما بعلمت اینکه شوهرم یک فرد مذهبی و متعصب میباشد بهیچ عنوان اجازه نمی دهد که من روزنامه کارگر ، یا پیغام امروز و یا کتابهای کمونیستی را بخوانم . همین دیروز دست من روزنامه کارگر را دید آن را در جلوی چشمم پاره پاره کرد . من نمی دانم تکلیف من با این شوهر چیست . من به او می گویم من فقط می خواهم عقاید آنها را بدانم و او میگوید کمونیست کسی است که خدا را نمی شناسد و توهم نباید مقالات و کتاب های آنها را بخوانی .

بند رانزلی
م . د .

یک سرمایه دار زمین مرا غصب کرده

اینجانب یکی از علاقمندان و خریداران هفته نامه سوسیالیستی کارگر هستم . چون شما حامی زحمتکشان ، کارگران و دهقانان بوده اید و همیشه از حق ما دفاع مینمائید . اینجانب هم یکی از ستمدیدگان این مملکت هستم که حقوق حقه مرا تضییع نموده اند . بد را اینجانب بنام محمد کوهی دهقان مزرعه همت آباد از بخش شهرستان شهرهای استان اصفهان بود که سالهای متدای مشغول زراعت بود و زیر استثمار مالکین این مزرعه برای آنها کار می کرد و در تیرماه سال ۱۳۵۰ فوت نمود . بعد از فوت او خانواده اینجانب در امور زراعت مزرعه تصرف داشت ولی مالکین آن که از سرمایه داران استان اصفهان می باشند سه سال قبل در دوران رژیم پهلوی مزرعه را با زور و تقلد از خانواده اینجانب غصب نمودند و ما را بیچاره کردند . از آن تاریخ تاکنون برای احقاق حق خود هر چه به مراجع اصلاحات ارضی استان اصفهان مراجعه می نمائیم جواب رد می دهند و آن اداره از مالکان این مزرعه که از سرمایه داران هستند حمایت می کند . از این جهت برای احقاق حق خود به کمک شما نیاز دارم .

منصور کوهی
اصفهان

شلاق در شهسوار

مأموران کمیته شهسوار زنی را که دارای ۵ بچه است بجرم فحاشگی دستگیر می کنند و به میدان شهر می آورند . مردم شهر جمع میشوند و یکی از افراد کمیته که نقاب زده بود شلاق بدست میخورد . زن را بزنند که با مخالفت مردم روبرو میشود . مردم می گویند یک زن باید او را بزنند . عده ای از مردان داد می زنند که چادرش را باید بردارید . مأمور کمیته که با وجود نقاب از طرف مردم شناسائی شد ، یک مرد مشروبخوار و منحرف است و طبق نظر مردم و آگهی گروه هشداریا ماشین کمیته وعده ای از دوستانش در ساعت ۱۰ شب زنان منحرف را برای عیاشی می برد . او چادر زن را میکشد و در نتیجه زن می افتد و تمام بدنش نمایان میشود . مردان نسبت به آن زن فحاشی کرده و حرفهای رکیک می زنند . از زنان خواسته میشود که یک نفر بیاید و او را شلاق بزنند . در همین حین ماشینی می آید و زنی به اصطلاح "تجاهد" از ماشین پیاده میشود و دو اطلب شلاق زنی میشود . با کمال بیرحمی چنان شلاق میزند که عده ای از مردان حاضر در میدان گریه می کنند و زن در تمام مدت شلاق خوردن فقط می خندیده است . در زمان شلاق خوردن مردان حرفهای رکیک می زنند و

پانزده ساله و مارکسیست

پانزده ساله هستم . در یک خانواده مارکسیست زاده شده و از این مکتب تبعیت دارم . برای مدتی از هواداران برویا قرص حزب توده بودم . اما بزودی بی بردم که این حزب ، آن چیزی نیست که من بدنبالش هستم . پس از آن مدتها مطالعه کردم و عاقبت به حزب کارگران سوسیالیست رسیدم . برای معرفی خود فقط لازم می بینم اعلام کنم که من از نظر ایدئولوژی اصلا ضعیف نیستم . بنده سمیات شدن را کسر شأن خود می دانم و از اینرو مایلم که خیلی فوری به حزب کارگران سوسیالیست بپیوندم .

تهران
ج - ف

موش کور؟

... آنچنان پله ای بدور خود تنیده اید که چشمتان فقط درون پله را می بیند . نتیجه ای که در اولین بررسی از نشریه شما گرفتم تنها در یک جمله خلاصه شدنی است و آن اینست که : شما عوام فریبید و دیگر هیچ !

تحت لوای دفاع از زحمتکشان اهانت به کلیه افشار جامعه و رهبری آن بعمل می آورید . آنچنان در بررسی از فرآیند های انقلاب صحبت می کنید که هیچ موش کوری تا به این حد بد بین نبوده است . قد مهای مثبت حکومت بازرگان را عقب نشینی می نماید . حزب توده از آن روزی که رهبری انقلاب را قبول کرده و رای به جمهوری اسلامی داده محبوبیت بیشتری در بین خلقمان بدست آورده چه خلق ما درس گذشت را در مکتب اسلام آموخته است .

اما اگر بوسیله عینک های مارکس و انگلس دنیا را می بینید و الگویتان انقلاب اکتبر روسیه است و رهاورد های آن باید به شما بگویم اینجا ایران است و خلق آن خلق ۱۰۰۰ و شیعه اثنی عشری .

تهران
رنجبر

باید این پرونده ها باز شود تا معلوم شود این آقای ستاربان کیست و از چه قماش است؟ و همینطور افراد دیگری که رهبری کمیته ها را در دست دارند.

زندانی کردن انقلابیون و شکنجه چند ماه پس از قیام مطلب مہمی را عنوان می کند و آن اینکه قیام بہمن ماه نتیجہ عمل تودہ " عظیم مردم بود ولی رہبری ای کہ قدرت را در دست گرفت یک رہبری محافظ منافع سرمایہ داری است و تا مغز استخوان محافظہ کار است.

در نتیجہ وجود این تضاد ، این رہبری نمیتواند خودش را حفظ کند مگر از طریق بازسازی زندان های سیاسی سابق ، از طریق سرکوبی و از طریق اعمال شکنجہ و از طریق جنایاتی مثل تیرباران ۵ نفر در خرمشہر و این بہ یکی از نہادہای سرمایہ داری تبدیل شدہ کہ این نظام ہرجا بخواہد خودش را تحکیم کند دوبارہ باید ترور و شکنجہ را برقرار کند . در سراسر دنیا ، جہان سرمایہ داری ، جہان شکنجہ و زندانیان سیاسی است . لکن اکثریت مردم بطور قاطع مخالف این شکنجہا و وحشیگریہا ہستند . حکومت خمینی - بازرگان جزو آن یک درصد کل جامعہ است کہ با شکنجہ مخالف نیست . و ہموارہ سعی بر پوشاندن این حقایق می کند .

خبرنگار دیگری موضوع ادعای مقامات اہواز را کہ گفتہ اند این ۵ نفر مشمول مسبد اندازی بہ مسجد خرمشہر ہستند مطرح کرد و بابک زهرانی در توضیح این مطلب گفت:

" اولاً ببین اندازی کار پروا کاتورهہا و عواملی است کہ می خواہند دست بہ تحریک و تخریب بزنند . شما نمیتوانید هیچ اعلامیہ ، یا موضعی از طرف سازمان خای خلق عرب و یا نشان بدہید کہ در آن استفاده از بمب - اندازی و خشونت تجویز شدہ باشد . و همان طور کہ در جراید کشور ہم درج شدہ ، هیچ سازمانی مسئولیت این بمب اندازی را قبول نکرده است . و تازہ در هیچ کجای دنیا فردی را بدین داشتن وکیل مدافع و بدین روشن شدن حقایق و ارائه سند و مدرک در عرض سہ ساعت جلوی جوخہ آتش نمی گذارند . اینکار جنایت صرف است و مسئول آنہم ستاربان است .

دوین حال حقایق دیگری ہم دردست است . در رابطہ با حملہ ای کہ مدتی قبل بہ ستاد خلق عرب در خرمشہر صورت گرفت ،

چند ساعت قبل از پایان مدتی کہ خود مقامات برای خلع سلاح بہ ستاد خلق عرب دادہ بودند ، عدہ ای بہ مسلسل بہ آنجا حملہ کردہ و کشتار راہ انداختند . در این جریان اخیر ہم امکان دارد کہ عوامل خود کمیٹہ در انداختن این بمب ہا دست داشتہ اند . جنبش انقلابی در سراسر جہان با این نوع تحریکات و صحنہ سازی ہا آشنا است . سازمان های جاسوسی و پلیسی خود دست بہ بمب اندازی و تخریب می زنند و بعداً یکعدہ از مخالفین را فوراً تیرباران می کنند .

" این " محاکمات " دو سہ ساعتہ و اعدام های پشت سر آن چیزی است کہ مطابق

با تبلیغات عوامفریبانہ ہیئت حاکمہ فعلی قرار است ما را بہ جامعہ توحیدی برساند . ولی ما دقیقاً با اینگونہ کارہا آشنائی داریم . طومار پنجہا سال جنایت پهلوی در این مملکت نمونہ های زیادی از اینکارہا را در سہرارد . ما معتقدیم کہ اکثریت مردم ایران مخالف اینگونہ جنایات ہستند . بہین خاطر حزب کارگران سوسیالیست برای افشای تمام این جنایات و جلوگیری از بازگشت بہ دوران زندانیان سیاسی و شکنجہ پیشقدم می شود و در این راہ دست ہمکاری خود را برای اتحاد بطرف تمام نیروہای انقلابی در سطح ایران و جہان دراز می کند ."

اعتراضات جدید بہ دستگیری ۱۵ مبارز سوسیالیست

در طی قریب بہ دو ماہی کہ از دستگیری و اخیراً شکنجہ ۱۵ نفر از اعضای حزب کارگران سوسیالیست در اہواز می گذرد عدہ زیادی از شخصیت های مختلف فرهنگی و سیاسی و همچنین سازمان های مختلف درخواست آزادی زندانیان سوسیالیست را کردہ اند . تاکنون چندین سازمان کارگری و دموکراتیک از طریق امضای نامہ های اعتراضی ، درج مقالہ در مطبوعات و سیا صدور اعلامیہ مخالفت خود را با دستگیری سوسیالیستہای زندانی اعلام کردہ اند . عدہ ای از این سازمان ہا عبارتند از جہہ دموکراتیک ملی ، حزب تودہ ، حزب ایران ، نہضت رادیکال ، سازمان اتحاد برہرای آزادی ، سازمان وحدت کمونیستی ، کانون زندانیان سیاسی .

از جملہ شخصیت های برجستہ سیاسی و ادبی نیز کہ تاکنون خواہان آزادی سوسیالیست های زندانی و یا روشن شدن اتهامات آنان بطور رسمی و محاکمہ آنان در دادگاہ های علنی شدہ اند ، عبارتند از: شیخ عزالدین حسینی ، علی اصغر حاج - سید جوادی ، غلامرضا ساعدی ، احمد شاملو ، محمد تقی دامغانی از رہبران جمعیت حقوقدانان ، اسماعیل زادہ ، وکیل حصاد شیبانی ، رحمت اللہ مقدم مراغہ ای ، رہبر نہضت رادیکال ، عدہ ای از اعضای کانون نویسندگان ، عدہ ای دیگر از شعرا ،

بہ بیانہ جلوگیری از "تجزیہ طلبی" خلغہای تحت ستم را سرکوب می کنند

یکی دیگر از خبرنگاران دربارہ "مظاہرات وحدت" کہ روز ۲۶ تیرماہ در تہران و شہر - ستان ہا برگزار شد سئوالاتی مطرح کرد و زہرائی در پاسخ گفت:

"مظاہرات دہروز یک ظاہرات بسیار متضاد بود . خیلی از شمارہا این بود کہ مرگ بر اسرائیل زندہ باد فلسطین ، فلسطین بہروز است . خوب وقتی کہ شما بسک چنین شعاری می دہید خیلی سخت است کہ مردم مدت کوتاہی آنجا را ترک می کنند و مہاجمین مجدداً بہ داخل ستاد ریختہ و با تبر شروع بہ شگستن در و پنجرہ می کنند . سہس مہاجمین تعداد ۱۰ ہزار نسخہ از نشریہ کارگر ، ۳ ہزار جلد کتاب و مقدار زیادی از وسایل شخصی از قبیل ساعت مچی ، ضبط صوت ، رادیو و دوربین و غیرہ را بخرارت می برند .

در مقابل شکایت حزب کارگران سوسیالیست بہ کمیٹہ مرکزی اصفہان ، مقامات کمیٹہ گفتہ اند کہ نمیتوانند شکایتی در این مورد قبول کنند و باید بہ ژاند امری مراجعہ کرد . مقامات ژاند امری نیز اظہار داشتند کہ چون ایمن

تجزیہ راہ انداختہ است ولی می بینم کہ جائی تجزیہ نشدہ است و فقط کشتار مبارزین صورت گرفتہ است .

"آنچہ کہ اتفاق افتادہ این است کہ مبارزینی کہ از قیام سہرآوردند و پاسداران انقلاب را ساختند ، کمیٹہ ہا را ساختند و نظام پهلوی را تا رومار کردند یک رہبری محافظہ کار دارند کہ اینہا را از ہم تفکیک کردہ و بین آنہا نفاق انداختہ و پاسداران را برای برادرکشی بہ نقاط مختلف ایران اعزام کردہ . این واقعیت جہان است . علیرض ہمہ تبلیغات آقای قلمب زادہ از پشت تلویزیون ، تمام مردم دنیا اینرا فہمیدہ اند . ہمہ ایران

جریان " سیاسی " است ، باید شکایت بہ کمیٹہ بردہ شود .

در مقابل این حملات وحشیانہ در مقابل واقعہ شکنجہ وحشیانہ سیامک ابدالی کہ یادآور دوران سیاہ شکنجہ های ساواک است ، حزب کارگران سوسیالیست ، دست استمداد خود را بطرف ہمہ آزاد بخواہان ، احزاب و گروہ های مختلف سیاسی دراز کردہ و از آنہا می خواہد کہ ہمہدا درخواست کنند:

- بہ شکنجہ و ضرب و جرح فرزندگان نشریہ کارگر و اعضای حزب کارگران سوسیالیست در اصفہان خانہ دہید .

می دانند کہ پاسداران را گرفتند و برای برادر کسی اینطرف و آنطرف فرستادند . صحبت از تجزیہ ہم اہدا صحت ندارد .

"خواست های تودہ" مردم ہم کہ قیام کردند خیلی سادہ است . مردم ملیت ہما حقوق ملی شان را می خواہند . مردم گسرد حقوق ملی شان را می خواہند و همینطور مردم عرب و ترکمن . حق تدریس زبان مادری می خواہند . اصالت ملی خود را می خواہند . مردم عرب اینرا می خواہند . مردم ترکمن ہمینطور . بعد از پنجہا سال سرکوب شدن زیر سلطہ سلطنت پهلوی این خواست رامیخواہند نظامی کہ قرار است بہ نظام توحیدی برسد این خواست ابتدائی را ہم نمیتواند بدہد و جوابشان را با گلولہ می دہد .

" این واقعیت جہان است و این حقیقت را حزب کارگران سوسیالیست مکرراً تأکید خواہد کرد . در نتیجہ ظاہرات دہروز یک حالت متضادی داشت . عدہ زیادی را سوار اتوبوس کردہ بودند و بہ آنجا آورده بودند . بہر حال نیم میلیون نفری کہ در تہران جمع شدہ بود ، حمایت زیادی را نشان نمی داد . این ظاہرات ظاہرات چہار میلیونی دوران سرنگونی رژیم پهلوی نبود . آنہا ظاہرات انقلابی مردم بود . اینہا ظاہرات عوامفریبانہ حزب جمہوری اسلامی بود . یک چیز اساسی کہ دارد روشن می شود اینست کہ جوہر اساسی تمام مبارزات ایران در عرض ۷۰ سال گذشتہ اہدا بہ قیام بہمن ماہ خلاصہ نمیشود . این مبارزات از زمان ستارخان شروع شد . مبارزہ برای آزادی ، آزادی بیان ، آزادی کلام آزادی عقیدہ . این آزادی ہا را جمہوری اسلامی دارد نفی می کند . ظاہرات دہروز یک حالت متضاد دیگری ہم داشت یک مقدار زیادی از کارگران در این ظاہرات بودند اینہا همان کارگرانی ہستند کہ در کارخانہ ہایشان دارند اعتصاب می کنند ، اینہا همان کارگرانی ہستند کہ ہیئت حاکمہ علیہ آنہا جرم صادر می کند ، حق اعتصاب را از آنہا می گیرد . اینہا همان کارگرانی ہستند کہ دارند برعلیہ سرمایہ داران و کارفرماہا اعتصاب می کنند . برای اضافہ دستمزد ، حق اولاد ، حق مسکن ، حق ایاب و ذہاب مبارزہ می کنند . برای مدت درازی نمی شود کہ کارگران علیہ کارفرمایان در کارخانہ اعتصاب کنند و بعد در خیابان ہا برفع کارفرماہا ظاہرات کنند . برای مدت زیادی نمی شود این کار را ادامہ داد .

" یک نکته دیگر کہ باید در رابطہ بسا خلق عرب بگویم اینست کہ باید حقوق مساوی برای خلق های ستمدیدہ برسمیت شناختہ شود . ولی ہیئت حاکمہ کہ مخالف دادن این حق بہ خلق های ستمدیدہ است ، اس و اساس نیروی تفرقہ و تجزیہ طلبی در ایران است . وقتی کہ می خواہد تودہ مردم ایسراں را از مبارزات مردم کردستان تجزیہ کند اسم کردہا را می گذارد تجزیہ طلب . خیلی کلک سادہای است . وقتی کہ می خواہد ہمبستگی مردم ایران را با مردم عرب قطع کند اسم آنہا را می گذارد تجزیہ طلب ."

• شکنجہ گران و ضاربین را کہ ہمہ از اوباش شناختہ شدہ اصفہان ہستند فوراً تحت تعقیب قانونی قرار دہید .

• آزادی بیان و عقیدہ و آزادی فعالیت ہمہ احزاب را برسمیت بشناسید

۳۰ تیر ماہ ۱۳۵۸

دایرہ دفاع حزب کارگران سوسیالیست

پس از فاجعه سندی و نقد، میروان سومین شهر منطقه کردستان است که در مورد تهاجم پاسداران اعزامی و قوای ارتش قرار می‌گیرد. واقعه میروان در پی حمله گروه پاسداران انقلاب اسلامی به تظاهرات مردم میروان در اعتراض به عدم بخش‌خواست‌های آنان از رادیو و تلویزیون و تحریف وقایع کردستان از طریق رسانه‌های جمعی صورت گرفت. جمعیت راه رهایی زحمتکشان در کردستان ایران - بخش‌مهاجمی طی اعلامیه که منتشر کرده است، جهان واقعه میروان را اینطور گزارش می‌دهد:

در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۲۳ از طرف مردم میروان تظاهراتی به منظور اعتراض به تبلیغات رذیله‌نمایی رادیو تلویزیون ترتیب یافته بود بعد از قرائت قطعنامه در این باره به راهپیمایی اعتراض‌آمیز خود ادامه دادند و در مسیر راه از افراد مستقر در ستاد (سازمان مجاهدین میروان و حومه) که اکثر از افراد ساواکی و طرفدار مفتی زاده و قیاده مفت بودند و تحت عنوان اسلام به پاسداری از انقلاب [؟] تشکیل یافته بودند خواستند که بآنان بپیوندند. در این اثنا بود که رگبار گلوله باصطلاح مجاهدان بطرف مردم شلیک شد که در همان لحظه اول ۳ نفر شهید و عده زیادی مجروح شدند مردم نیز

بد فاع از خود برداخته و چند نفر از پاسداران کشته می‌شوند و بعد از مدتی درگیری ستاد را به تصرف خود در می‌آورند. شورائی منتخب از مردم و گروه‌های سیاسی اداره شهر را به عهده می‌گیرد. هیئتی برای مذاکره که فرمانده باادگان میروان نیز جزو آنها بوده برای مذاکره با شورای شهر وارد گتنگ می‌شوند. و در مذاکرات مربوطه اصرار می‌کنند که شهر را باید بوسیله نیروی مجاهد اعزام شده از تهران و یا ارتش اداره بشود. گرچه این درخواست با مخالفت شدید اعضای شورای شهر روبرو می‌شود. ولی آنها بعد از اتمام مذاکره به شورا اخطار می‌کنند که ما در هر حال ارتش و مجاهدین را به شهر خواهیم آورد. شورا نیز بوسیله رادیو مستردم را از تصمیم باادگان میروان مطلع می‌کنند. و مردم قهرمان شهر بعنوان اعتراض به داخله ارتش و مجاهدین تصمیم به ترک و تخلیه شهر می‌گیرند. در حال حاضر میروان از سکنه شهر خالی شده است. تا حال هیئت‌های ایران تلاش کرده‌اند تا از طریق رسانه‌های گروهی بخصوص رادیو تلویزیون، طمع خواسته‌های مشروع و برحق خلق کرد را از ناحیه ضد انقلاب و یا گروه‌های کوچک سیاسی وانمود کند ولی حرکت قهرمانان میروان نشان داد که خلق کرد یکپارچه

میخواهد برای کسب حقوق ملی بها خیزد. و با این عمل حقانیت مبارزه خود را برای مردم ایران و تمامی جهان ثابت کند. در طی چند هفته گذشته حملات تبلیغاتی شدید دولت مرکزی به مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای رهایی از یوغ ستم ملی، با شروع عملیات نظامی ارتش و سپاه پاسداران اعزامی به کردستان ایجاد خطرناکی به خود گرفته است. این لشکرکشی به کردستان که از طریق رسانه‌های عمومی سانسور شده تحت لوای آرام می‌شود. "آذربایجان غربی" صورت می‌گیرد. هیچگونه هدفی جز به خون کشیدن مبارزه ملی خلق کرد و سرکوبی مبارزات دهقانان کرد علیه زمینداران بزرگ این منطقه که از طرف هیئت حاکمه کونی حمایت می‌شوند، ندارد.

مردم ستمدیده و محروم کردستان، اکنون بیش از پیش نیازمند حمایت و همبستگی تمام کارگران و زحمتکشان ایران و تمام خلق‌های تحت ستم هستند. در ۵ ماهی که از عصر حکومت هیئت حاکمه خمینی - بازرگان می‌گذرد، برای کارگران و دهقانان و همه زحمتکشان کردستان روشن شده است که این حکومت نه تنها هیچ برنامه‌ای برای پایان دادن به ۵۰ سال سرکوبی ملی "شاهنشاهی" ندارد، بلکه برعکس از طریق حمایت از زمینداران بزرگ،

بوده اند، می‌خواهد به هر قیمت شده از پاره شدن زنجیرهای ستم ملی در کردستان جلوگیری کند. همزمان با تشکیل شوراهای دهقانی در کردستان، حملات و تحریکات دولت مرکزی علیه مبارزه خلق کرد شدت یافته است. دهقانان و زحمتکشان کردستان اکنون بروشنی صف بندی دوستان و دشمنان خود را دیده اند. زمینداران بزرگ و خان‌های سابق همگی تحت لوای کمیته‌های اسلامی و یا "مکتب‌های قرآن" در شهرها و روستاهای مختلف برای جلوگیری گسترش مبارزات دهقانان بسیج و مسلح شده اند و به سرکوبی دهقانانی که می‌خواهند زمینهای غصب شده خود را پس بگیرند می‌پردازند. در این میان نیروهای نظامی و پاسداران اعزامی از شهرهای دیگر به کمک مالکین بزرگ و خان‌ها فرستاده می‌شوند.

در پی مداخله ارتش و پاسداران در میروان، و دستگیری عده‌ای از اهالی شهر، در اغلب شهرهای کردستان تظاهرات راه پیمایی هائی صورت گرفت. از جمله تاکون در مهاباد، اشنویه، سردشت، بوکان، سقز و بانه مردم دست به تظاهرات زده و خواهان آزادی دستگیر شدگان میروان و پایان دخالت نظامی دولت در این منطقه شدند.

گوردستان... خمینی - بازرگان بعنوان ارگان رژیم سرمایه - داران و بورژوازی ایران خود شرا نشان می‌دهد. مردم هر روز بیشتر مطمئن می‌شوند که این رژیم برای آزادی ملی و رفاه اجتماعی را نخواهد آورد.

کارگر: در مقابل این برنامه‌های که دولت دارد شما بعنوان یک سوسیالیست انقلابی چه برنامه عملی برای تضمین حقوق خلق کرد پیشنهاد می‌کنید؟ اولاً در خود کردستان توهامات مردم در مورد رژیم جمهوری اسلامی از بین رفته و مردم در این باور هستند که آزادی خلق‌ها را نخواهد آورد. اعلام قانون اساسی این موضوع را تأکید کرد. من معتقدم در سایر نقاط ایران هم این مسئله ادامه خواهد داشت. نفوذ رهبران و نفوذ جمهوری اسلامی رو به کمبود است و برای حل مسئله ایران مسئله را فقط نباید در چارچوب کردستان دید. آنچه مربوط به نیروهای ملی‌گردد و اکثر آزادخواهان کرد و خلق کرد است که اکثر اعلام کرده اند که در فرماندوم

برای قانون اساسی شرکت نخواهند کرد. مردم کرد و چه جمعیت‌های مختلف و چه شیخ عزالدین حسینی آشکارا اعلام کرده اند که در فرماندوم شرکت نخواهند کرد. برنامه‌ای که در جهت تحقق خواست‌های خلق کرد است ایجاد مجلس مؤسسان از طریق انتخابات آزاد و مستقیم است که در آرزوی مردم آزادانه شرکت کنند و آزادی فعالیت تبلیغاتی برای انتخاب مجلس مؤسسان باشد. آزادی تبلیغات برای برنامه‌های مختلف باشد و بعد مسئله مجلس مؤسسان براساس بررسی این برنامه‌ها انتخاب شود. اکثریت خلق کرد طرفدار چنین مجلس مؤسسانی هستند. من معتقدم بعنوان گامی برای پیروزی مجلس مؤسسان، و در راه مجلس مؤسسان در کردستان امروز شعار ایجاد مجلس ملی گردد باید مطرح شود. این می‌تواند توده‌های وسیع مردم را جلب کند و خواسته‌های مردم کرد را قوی‌تر کند. در مورد مجلس مؤسسان این شعار شعاری است که مبارزین انقلابی چه در مورد خلق کرد و چه در مورد سایر خلق‌ها باید آنرا مطرح بکنند. همراه شمار

مجلس مؤسسان، شعار ایجاد مجلس ملی برای خلق‌ها و مجلس مؤسسان "کوچک" نیز باید مطرح بشود تا از آن طریق مردم خلق‌های تحت ستم، ترک‌ها، آذربایجانی‌ها، کرد-ها، عرب‌ها و بلوچ‌ها بتوانند مسائل و مشکلات مشخص خود را مطرح کنند و این خواست‌های مختلف بیاید و در مجلس مؤسسان سراسری مطرح بشود. این شعار می‌تواند شعار مرکزی باشد در مورد مسئله ملی‌واز طرف مارکسیست‌های انقلابی بیاید مطرح شود. در کردستان سوسیالیست‌های انقلابی باید خواست مجلس ملی کرد مطرح کنند و به این خواست دامن بزنند. این خواست البته هنوز بطور عام و وسیع در نیامده یعنی توده‌های وسیع هنوز این خواست را مطرح نکرده اند. ولی زمینه پذیرش این خواست کاملاً موجود است. و اگر سوسیالیست‌های انقلابی این خواست را بدرستی مطرح کنند و برایش تبلیغات کنند به یک خواست مرکزی در مورد مسئله ملی تبدیل می‌شود. مجلس ملی خلق‌های تحت ستم که بطور آزاد انتخاب شده باشند درباره مسائل

مربوط به خودشان و راه حل‌های آن بحث می‌کنند و بعد اینها بعنوان نمایندگان این خلق‌ها در مجلس مؤسسان شرکت می‌کنند. ولی البته در مقابل اعمال دولت باید خواست‌های مشخصی را هم پیش کشید. همراه با خواست مجلس ملی باید مردم را بدور خواست‌های خودشان متشکل کرد. این اساسی است و در این رابطه است اهمیت ایجاد شوراهای کارگری و اهمیت ایجاد کمیته‌های زحمتکشان شهر و شوراهای دهقانی. باید کمک کرد تا مردم بدور خواست‌های خودشان متشکل شوند و سرنوشتشان را در دست بگیرند و یک قدرت دوگانه‌ای بسازند بچون آورد در مقابل دولت جمهوری اسلامی که هنوز کاملاً متشکل و منظم نیست، ولی بعید نیست که اگر منظم و متشکل شود به خلق‌های تحت ستم حملات جدیدی بکند و آزادی آنان را سرکوب کند. در مقابل باید سازمان‌های وسیع توده‌ای و شوراهای کارگری و شوراهای دهقانی بوجود آید که از میان خود توده‌ها برخاسته باشد و بتواند قدرت دوگانه‌ای را در مقابل دولت تشکیل بدهد.

تقسیم بندی دریا... سراسری تبدیل خواهد گشت. ما به تمام همشهریان هشدار می‌دهیم که در پشت چنین مسائلی کوچک غول زشت و وحشی خفان خفته و اکنون در مراحل تدارک و شش عکس - العمل مردم است تا سپس وارد عمل گردد. غول را پیش از بلند شدن باید کشت. راه حل آن ساده است و آن شرکت فعالانه تمامی اهالی بندر در تصمیم‌گیری مسائل جمعی بندر می‌باشد. با این کار نه تنها از بزرگ شدن این غول اختناق جلوگیری می‌شود بلکه

کمی خواهد بود به مقامات دولتی برای از نو سازی بندر و از بین بردن تمام مظاهر رژیم گذشته. در ضمن به این موضوع که در ریشه این طرح شخصی - تقسیم بندی دریا - نهفته است نیز باید اشاره شود. و آن نقش زنان در جامعه می‌باشد. در طول انقلاب زنان ایران ثابت نمودند که از مردان هیچ کم نداشته و بایستی از تمام حقوق متساوی با مردان برخوردار باشند. و این زنان این مرز و بوم هستند که باید درباره مسائل که به آنان مربوط می‌شود تصمیم‌گیری کنند و نه یک نفر از

بالا تعیین شده در هر قلمی که می‌خواهد باشد، طرحی از قبیل تقسیم بندی دریا باید به رای عمومی در بندر - و با شرکت حتمی زنان در انتخابات - گذاشته شود و نه توسط یک مقام دولتی درباره آن تصمیم‌گیری گردد. ما بدینوسیله به عموم اهالی بندر توصیه می‌کنیم که در چنین مسائلی بی‌تفاوت نباشند و در این نوع تصمیم‌گیری‌ها شرکت جویند. یکی از راه‌های آن تشکیل شوراهای شهر توسط اهالی است تا از حرکات فردی جلوگیری شود. تا تشکیل چنین شوراهائی ما از تمام گروه‌ها و اشخاص می‌خواهیم که نظریات خود

را توسط اعلامیه، تجمع و راهپیمایی به مردم عرضه نمایند، و مانع اقدام خود سرانه هر فرد منجمله فرماندار گردند. ما همچنین از راهپیمایی روز پنجشنبه توسط پلاژداران و اهالی شهر بمنظور ابراز عقاید خود پشتیبانی کرده و امیدواریم این مقدمه‌ای باشد برای شرکت فعالانه تمام اهالی در تعیین سرنوشت خود. حزب کارگران سوسیالیست، بخش گیلان ۵۸/۳/۲

چکسلاواکی... آخرین اقدام اختناتی رژیم هوساک این است که ژوزف دانیز، وکیل جوانی که از مبارزین "نهضت قرارداد ۷۷" دفاع کرده بود و در آخرین محاکمه ساپاتا وکیل او بود را نیز زندانی کرده اند. او به سه ماه زندان محکوم گردید. از جامعه رسمی حقوقدانان اخراج شد و از ادامه شغل خود محروم شده است.

زمانیکه سازمان مخفی چکسلاواکی حمله خود را تشدید نمود، "نهضت قرارداد ۷۷" در براج سندی منتشر نمود بنام سند ۲۶، که ۵ نفر آنرا امضا نمودند. یکی از آنان پیتر اوهل بود. در این سند که بر سر مسئله صرف در چارچوب مدیریت بوروکراتیک اقتصاد با برنامه نوشته شده بود به مدیریت اقتصادی بوروکراسی که نتیجه آن هدردادن نیروی انسانی، کمبود مواد اولیه، فساد و دزدی در مؤسسات دولتی است

اشاره شده بود. در این سند آمده بود: "بدون شك در چکسلاواکی يك قشر اجتماعی وجود دارد که مسائل مصرف‌کنندگان عادی را ندارند. این بزرگیدگان از مغازه‌های به‌خصوصی جنس می‌خرند، از مواد لوکس استفاده می‌کنند، و حتی احتیاج به خرید رفتن هم ندارند زیرا همیشه اجناس را در خانه به آنها تحویل می‌دهند." بطور قطع اینهم جزء آن آثاری است که بنظر پلیس مخفی بوروکراسی باعث سلب اعتماد مردم از سازمان -

های دولتی میشود. امروزه برای آزادی این مبارزین در سراسر دنیا از طرف سازمان‌های کارگری و دموکراتیک بسیج‌های مهمی آغاز شده است. در فرانسه در مقابل سفارت چکسلاواکی تظاهراتی بر پا گشت که هزاران نفر در آن شرکت جستند و خواستار آزادی رهبران "نهضت قرارداد ۷۷" و مدافعین دموکراسی و سوسیالیسم در چکسلاواکی شدند.



شکنجه سیامک ابدالی و تخریب ستاد حزب کارگران سوسیالیست در اصفهان

بد نبال حملات اخیر که علیه اعضای حزب کارگران سوسیالیست در اصفهان صورت گرفته و طی آن یکی از اعضای حزب بنام سیامک ابدالی توسط یک گروه دست راستی رسیده و شکنجه شد، حزب کارگران سوسیالیست در روز ۳۰ تیر ماه یک کنفرانس مطبوعاتی تشکیل داده و حقایق مربوط به حملات را در اختیار جراید کشور گذاشت. در اطلاعیه ای که به همین مناسبت از طرف حزب کارگران سوسیالیست انتشار یافت، شرح این وقایع به ترتیب زیر ذکر شده است.

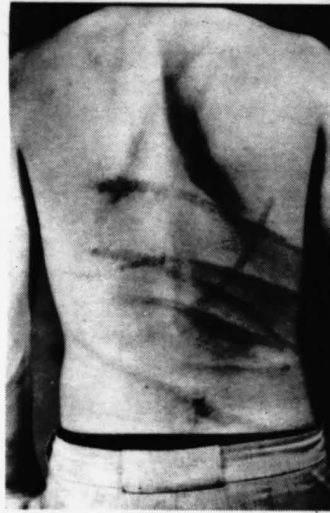
شکنجه سیامک ابدالی

در ساعت ۷٫۵ بعد از ظهر چهارشنبه ۲۷ تیر ماه، چهار نفر از فروشندگان نشریه کارگر در جلوی دانشگاه اصفهان مورد تهاجم یک گروه ۳۰ نفری که بوسیله سه یا چهار اتومبیل به این محل آمده بودند، قرار میگیرند و شدت مضروب میشوند. سپس مهاجمین یکی از فروشندگان کارگر و اعضای حزب کارگران سوسیالیست بنام سیامک ابدالی را به داخل یکی از اتومبیل ها میاندازند و او را بخارج از شهر می برند. این عدو که حدود ۹ یا ده نفر بوده اند، در بیابانهای اطراف اصفهان به "بازرسی" از سیامک ابدالی میپردازند. او می پرسند "حزب شما چیست؟ رابطه ای با وقایع اخیر کردستان داشته است؟" رابطه تو با بابک زهرانی چیست؟ تو چه نقشی در برنامه مناظره تلویزیونی بابک زهرانی و ابوالحسن بنی صدر داشته ای؟ و بعد میگویند حالا با تو کاری می کنیم که دیگر حزب و حزب بازی از سرت بیفتد. سپس این عدو به شکنجه سیامک می پردازند. تمام بدن او را با کابل سیمی کلفتی سیاه و کبود می کنند. بر چند جای بدن او آتش سیگار خاموش می کنند. روی بدن او بزین میریزند و تهدید به آتش زدن میکنند. پس از اینکه سیامک در اثر این شکنجه ها به حال اغما می افتد او را به داخل ماشین انداخته و در حوالی ستاد حزب کارگران سوسیالیست در منطقه فرح آباد اصفهان از اتومبیل بیرون می اندازند. سیامک ابدالی در اثر جراحات وارده به قسمت اورژانس بیمارستان سیاهان اصفهان منتقل میشود و تحت مداوای آقای دکتر شفیع زاده و چند تن از اطباء دیگر قرار میگیرد. سیامک ابدالی در اثر شکنجه های وارده هنوز در شوک روانی بسر میرد.

کمیته اصفهان از

دستگیری شکنجهگران خودداری می کند

پلافاصله گزارش تمام این وقایع به اطلاع کمیته اصفهان میرسد. عابری که شاهد بودن سیامک ابدالی از وسط خیابان بود ماند. مشخصات اتومبیل شکنجهگران و شماره آنرا به مقامات کمیته مرکزی اصفهان می دهند. (اتومبیل مدل آریا خاکستری رنگ شماره ۲۹۴۹۴ تهران - الف) با آنکه مقامات کمیته ادعا می کنند که در تعقیب این اتومبیل هستند، افراد شکنجه گر در همین اتومبیل و چند ساعت پس از فرات از شکنجه سیامک ابدالی در خیابانهای اصفهان آزادانه رفت



آثار شکنجه بر روی بدن سیامک ابدالی

و آمد کرده و به تهدید سایر اعضای حزب کارگران سوسیالیست اصفهان پرداخته اند. قبل از واقعه اخیر نیز حزب کارگران سوسیالیست از طریق نامه سرگشاده ای به آیت الله طاهری، رئیس کمیته اصفهان مشخصات کسانی را که به ضرب و جرح فرزند گان نشریه کارگر در اصفهان می برد اختصا شماره های اتومبیل های آنان و نام برخی از آنان را در اختیار کمیته اصفهان گذاشته بود، لکن مقامات کمیته اصفهان مصرا نه از تعقیب و دستگیری این مهاجمین پرهیز می کنند.

حمله به ستاد حزب کارگران سوسیالیست

در اصفهان

شب بعد از جریان شکنجه سیامک ابدالی، همان گروه ۳۰-۴۰ نفری که در ضرب و جرح فروشندگان کارگر در روز قبل و شکنجه سیامک ابدالی شرکت داشتند به ستاد حزب کارگران سوسیالیست در اصفهان حمله ور میشوند. اینان مجهز به اسلحه های

نامه سرگشاده به آیت الله طاهری

می شود، نمی توان از آزادی انتخابات سخن گفت. اینگونه حملات، نفی مستقیم گفته امام خمینی و مقامات دولتی است که قول آزادی انتخابات به مردم داده اند. در حالیکه اوپاش شناخته شده با آزادی کامل سعی در خفه کردن صدای ما دارند، چگونه می توان از آزادی انتخابات سخن گفت. تقدم اول برای تضمین آزادی انتخابات، دستگیری و تعقیب قانونی این ضاربین و شکنجه گران است.

"ما دوباره توسط این نامه سرگشاده از شما می خواهیم که با سکوت خود باعث تشویق عملیات غیر انسانی این گروه اوپاش نشوید و برای دستگیری و مجازات قانونی آنان دستورات لازم را صادر کنید. برای تسهیل کار، ما اسامی برخی از رهبران این گروه و شمارهای بعضی از اتومبیل های آنان را دوباره به اطلاع شما می رسانیم. لازم به گفتن نیست که کمیته اصفهان با امکانات وسیعی که در اختیار دارد و با تحقیق از شهود عینی این حملات و پیگیری برای شناخت همه سرکردگان این گروه، می تواند در اندک مدتی به عملیات ۴ ماهه این گروه ضد آزادی خاتمه دهد.

اسامی برخی از رهبران این گروه که از اوپاش معروف اصفهان هستند بشرح زیر است: حاج بد الله واهب معروب به حسین نفتی، اکبر کاردی، حسن ماری. شماره اتومبیلی که توسط آن سیامک ابدالی را ربودند و شکنجه دادند به این قرار است: آریا خاکستری رنگ به شماره ۲۹۴۹۴ تهران - الف، شماره یکی از اتومبیل ها که در عملیات تخریب ستاد حزب شرکت داشتند به این شرح است: پیکان مشکی، شماره ۹۱۵۸۶ تهران - ج.

فروشندگان نشریات، حمله اعضا حزب کارگران سوسیالیست و اخیرا شکنجه آنان میکند، با آنکه تحت لوای دفاع از اسلام و خواست اکثریت عمل می نماید، لکن از کوچکترین حمایتی در بین مردم اصفهان برخوردار نیست. اکثریت عظیم مردم اصفهان، کارگران و زحمتکشان این شهر، به اینگونه اعمال بدیده تنفر میگردند و همراه ما خواستار کوتاه شدن دست این گروه اوپاش از گلولی آزادی در اصفهان هستند. این گروه که درست پس از برگزاری تظاهرات "وحدت"، به عملیات خشونت بار خود شدت میسازد، به باطل خیال می کنند که این تظاهرات بمعنی صحنه گذاشتن مردم بر عملیات ضرب و جرح و شکنجه آنان بوده است.

اکنون بیش از ۴ ماه است که اعضا این گروه سازمان داده شده که تعداد شان از ۱۰ نفر تجاوز نمی کند، آزادانه و بدون ترس از تعقیب و مجازات و با برخورداری از حمایت ضمنی مقامات دولتی و کمیته شهر اصفهان به فعالیت های وحشیانه و خشونت بار خود ادامه می دهند و هر روز بردامنه حملات خود به حق آزادی بیان و اجتماعات و احزاب می افزایند.

در قسمت دیگری از این نامه سرگشاده گفته شده است:

"در چنین موقعیتی که مقامات دولت و شورای انقلاب برای انتخابات مجلس خبرگان تاریخ تعیین کرده اند و احزاب مختلف قرار است در این انتخابات شرکت کنند، حملات گروه دست راستی بیش از پیش شدت یافته است. واضح است موقعیکه یکی از اعضا حزب کارگران سوسیالیست مورد وحشیانه ترسین شکنجه ها قرار میگیرد، موقعیکه ستاد این حزب آماج حملات شبانه و بی دربی است، نشریات و اعلامیه های این حزب به غارت برده